اولین روزنامه سهامداری ایران (خبرنگاران و کارکنان)

صمت
صنعت معدن تجارت

شنبه
• ۱۹ شهریور ۱۴۰۱
• ۱۳ صفر ۱۴۴۴
• ۱۰ سپتامبر ۲۰۲۲

• سال سی‌ودوم شماره پیاپی ۳۴۶۵ • دوره جدید سال نهم شماره ۲۱۴۷ • ۱۶ صفحه • قیمت: ۵۰۰۰ تومان

www.smtnews.ir - http://Telegram.me/smtnews



سرمقاله


چه‌کسانی شغل کاذب دارند؟ ۲


نوسانات اقتصادی و شغل‌های کاذب صنعت خودرو ۴

یادداشت‌های امروز


اتاق اصناف هم خبر ندارد ۹


سرمایه بی‌رحم است ۱۱

گفت‌وگوها


کارگران موقت مطلوب سرمایه‌داری ۶


فقط وعده می‌دهند ۱۲



دلایل و پیامدهای ایجاد «مشاغل کاذب» در ایران بررسی شد

فرزند ناخلف بی‌ثباتی اقتصاد

معجون بی ثباتی اقتصاد و سوءمدیریت ۴
معدن، عرصه جنگ فرسایشی کارفرما با کارگر ۵
تلاش نظام سرمایه‌داری برای استثمار نیروی کار ۸
شغل کاذب؛ چاره‌بیچارگی این روزها ۹
سهم پوچ کارگران از اشتغال و مسکن ۱۰
نبود تشکل کارگری مستقل، مانع امنیت شغلی ۱۱
خیال‌تان راحت، شغل‌تان را از دست نمی‌دهید ۱۳
ایجاد امنیت شغلی در سایه ثبات اقتصاد ۱۴
زیر پوست شهر ۱۵

عکس: آیدا فریدی

برادر بزرگوار، جناب آقای دکتر عباس اکبری محمدی

معاونت محترم امور سرمایه‌گذاری و مشارکت‌های شرکت فولاد مبارکه اصفهان



حسن انتصاب شایسته جنابعالی، که نشان از تعهد، تخصص، توانمندی و تجارب ارزنده جنابعالی دارد را صمیمانه تبریک گفته، از درگاه خداوند متعال برای جنابعالی و مجموعه معظم و خوشنام شرکت فولادمبارکه اصفهان آرزوی توفیق، سربلندی و سرافرازی روزافزون در عرصه داخلی و بین‌المللی مسألت دارم.

بهروز راعی، عضو شورای سیاست‌گذاری هفته روابط‌عمومی ایران و سرپرست موسسه فرهنگی مطبوعاتی صمت استان اصفهان



شرکت پالایش نفت امام خمینی (ره) شازند

نوبت اول
شناسه ۱۳۷۶۵۴۲

«آگهی ارزیابی کیفی تولیدکنندگان»

شماره مجوز: ۱۴۰۱.۳۸۲۳

فراخوان ارزیابی کیفی جهت برگزاری مناقصه عمومی یک مرحله‌ای شماره RND-۰۱۱۸۰۱۷-MM

شرکت پالایش نفت امام خمینی(ره) شازند در نظر دارد فراخوان ارزیابی کیفی جهت برگزاری مناقصه عمومی خرید پودر خاموش‌کننده، به شماره تقاضای RND-۰۱۱۸۰۱۷-MM و کد فراخوان ۲۰۰۱۰۹۲۴۴۷۰۰۰۱۴۸ را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید. کلیه مراحل برگزاری فراخوان ارزیابی کیفی از دریافت و تحویل اسناد استعلام ارزیابی کیفی تا ارسال دعوتنامه جهت سایر مراحل مناقصه، از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت(ستاد) به آدرس WWW.SETADIRAN.IR انجام خواهد شد. لازم است مناقصه‌گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت‌نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند. تاریخ انتشار فراخوان در سامانه ۱۴۰۱/۰۶/۲۲ می‌باشد. اطلاعات و اسناد مناقصه عمومی پس از برگزاری فرآیند ارزیابی کیفی و ارسال دعوتنامه از طریق سامانه ستاد برای مناقصه گران ارسال خواهد شد.

مهلت دریافت اسناد استعلام ارزیابی کیفی: ساعت ۱۸:۰۰ روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۱/۰۶/۲۹

مهلت ارسال پاسخ استعلام ارزیابی کیفی: ساعت ۱۸:۰۰ روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۱/۰۷/۱۲

اطلاعات تماس دستگاه مناقصه‌گزار:

آدرس:اراک- کیلومتر ۲۰ جاده بروجرد- سه‌راهی شازند- اداره تدارکات کالا- اتاق ۱۱۸ تلفن: ۳۳۴۹۲۸۳۳ و ۳۳۴۹۲۸۴۰-۰۸۶

ردیف	شماره مناقصه	شرح مختصر کالا	مقدار/تعداد	برآورد هزینه انجام موضوع مناقصه (ریال)	مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار (ریال)
۱	RND-0118017-MM	پودر خاموش‌کننده	۱قلم/۲۰،۰۰۰کیلو	۴۰،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰/-	۲،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰/-

اطلاعات تماس سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه:

مرکز تماس: ۰۲۱-۴۱۹۳۴

دفتر ثبت نام: ۸۸۹۶۹۷۳۷ و ۸۵۱۹۳۷۶۸

روابط عمومی شرکت پالایش نفت امام خمینی (ره) شازند

آدرس اینترنتی: WWW.IKORC.IR

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۱/۰۶/۱۹ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۱/۰۶/۲۲

سر مقاله

چه کسانی شغل کاذب دارند؟



ناصر بزرگمهر
nbozorgmehr@yahoo.com
به نام او که هرچه بخواهد همان می‌شود

کشاورز فقیری، بزغاله‌ای از شهر خریده بود و همان‌طور که داشت با بزغاله به روستای خود بازمی‌گشت، تعدادی از اوباش، او را دیدند. آنها فکر کردند اگر بتوانند بزغاله را از آن روستایی بگیرند می‌توانند برای خود جشنی به پا کنند، اما آن مرد روستایی، قوی و درشت‌هیکل بود و نمی‌توانستند به صورت فیزیکی با او درگیر و بزغاله او را صاحب شوند، برای همین به فکر حقه‌ای افتادند.

وقتی مرد روستایی داشت شهر را ترک می‌کرد، یکی از اوباش جلوی او گرفت و بعد از سلام و علیک گفت: چرا این سگ را روی شانه‌هایت حمل می‌کنی؟

مرد روستایی خندید و گفت: دیوانه شده‌ای!؟ این سگ نیست، یک بز است.

ولگرد گفت: تو اشتباه می‌کنی، این یک سگ است و اگر با این حیوان روی دوش‌ات وارد روستا شوی، مردم فکر می‌کنند دیوانه شده‌ای.

مرد روستایی به حرف‌های او خندید و به راه خود ادامه داد، اما در پیچ بعدی، نفر دوم وارد عمل شد و سخنان دوست اوباش خود را تکرار کرد.

مرد روستایی باز هم خندید و گفت: آقا این بزغاله است، نه سگ.

ولگرد گفت: چه کسی به تو گفته این بزغاله است؟ به‌نظر می‌رسد کسی سر تو را کلاه گذاشته باشد. این یک سگ است. و رفت.

روستایی بزغاله را از دوشش پایین آورد تا ببیند موضوع چیست. وقتی دید بز است، با خود گفت که آن دو نفر اشتباه می‌کردند، اما ترسی در جانش افتاد که شاید دچار توهم شده است.

مرد روستایی همان‌طور که به سمت روستا می‌رفت، نفر سوم را دید. اوباش سوم گفت: سلام، این سگ را از کجا خریده‌ای؟

مرد روستایی دیگر شهامت این را نداشت که بگوید این یک بز است. برای همین گفت: آن را از شهر خریده‌ام و پس از جدا شدن از نفر سوم، با خود فکر کرد شاید بهتر باشد این حیوان را با خود به روستا نبرد و ترسید که مورد سرزنش قرار بگیرد. اما از طرفی برای خرید آن، پول داده بود. در همین زمان که دودل شده بود، اوباش چهارم از راه رسید و به مرد روستایی گفت: عجیب است! من تا به حال کسی را ندیده‌ام که سگی را روی دوش خود حمل کند.

مرد روستایی دیگر واقعا نمی‌دانست این حیوان بز است یا سگ، برای همین ترجیح داد خود را از شر آن خلاص کند. اطرافش را نگاه کرد و وقتی دید کسی نیست، بزغاله را که حالا فکر می‌کرد یک سگ است، رها کرد و به روستا برگشت و ترجیح داد از پول خود بگذرد تا اینکه اهالی روستا او را دیوانه خطاب کنند.

با این حقه، اوباش توانستند به‌راحتی و بدون هیچ درگیری بز او را تصاحب کنند.

حقه‌های جماعت اوباش در طول تاریخ تمام‌نشدنی است، هر روز از این قصه‌ها بسیار می‌شنویم؛ کلاهبرداری‌های عجیب‌وغریب توسط شیادانی که مثل فیلم‌های هالیوودی عمل می‌کنند و طرف مقابل را به صورت واقعی زمینگیر می‌کنند و گاهی هست‌ونیست یک فرد سالم و باوجدان را از بین می‌برند.

آیا شغل این شیادان کلاهبردار را می‌توان در گروه شاغلین کاذب قرار داد؟

آیا شغل‌های کاذب، نوعی کلاهبرداری هستند؟

آیا در مشاغل رسمی هم شغل کاذب وجود دارد؟

به‌نظر می‌رسد می‌توان ده‌ها سوال در این‌باره مطرح کرد. نکته مهم این است که بخش عمده‌ای از مشاغل کاذب، ربطی به کلاهبرداری از مردم و شیادی ندارد و در مشاغل رسمی هم، متاسفانه شغل‌های کاذب وجود دارد.

افرادی که گوشه‌وکنار شهر با ورق‌بازی یا چند تا لیوان کاغذی و قایم کردن یک مهره زیر آنها و جابه‌جایی آن به کمک چند نفر همراه خودی، از افراد ساده‌لوح، کلاهبرداری می‌کنند، نمونه‌ای از اشتغال کاذب در حوزه تقلب و کلاهبرداری است که قانون هم، آنها را تحت‌تعقیب قرار می‌دهد.

اما در مشاغل رسمی هم گاهی افرادی پیدا می‌شوند که به‌خاطر طمع و زیاده‌خواهی، راه خطا می‌روند که نمونه‌های آنها را در اخبار صنوف گوناگون از مواد غذایی تقلبی تا سایر کالاها می‌شنویم، می‌خوانیم و می‌بینیم.

در این میان، گروه سومی هم هستند که بنا به شرایط اقتصادی، نیازهای فردی و خلأهای قانونی، به شغل‌هایی روی می‌آورند که در گروه مشاغل کاذب دسته‌بندی می‌شوند. بعضی از این شغل‌ها مثل کسانی که در حال حاضر پیاده‌روها را در اختیار گرفته‌اند را می‌توان سازماندهی و به‌سادگی با برنامه‌ریزی شهرداری‌ها، آنها را دارای مشاغل گردشی در محله‌ها کرد. می‌توان بازارهای محلی راه‌اندازی کرد که آنها حقوق قانونی خودشان را پرداخت کرده و قابلیت کنترل نیز پیدا کنند و در نهایت بتوان معابر و پیاده‌روها را از این وضعیت رهانید.

یکی از مشاغلی که جامعه را در معرض خطر قرار می‌دهد، واسطه‌گری و دلالی است که عملا نیروی کار مفید را از خط تولید دور می‌کند و سرمایه‌ها را به سمت آینده نامعلوم، اما سودآور در کوتاه‌مدت می‌کشاند.

متاسفانه دلالی در سال‌های اخیر در حوزه‌های گوناگون از مسکن گرفته تا واردات سازمان‌یافته و حتی تولیدات داخلی پرطرفدار، رشد و گسترش یافته است. دلالی شغلی کاذب و زیانبار است که هزینه مصرف‌کننده را افزایش می‌دهد.

در این میان، پیشرفت تکنولوژی، اینترنت و دنیای مجازی این امکان را برای تولیدکنندگان به‌وجود آورده که کالاهای خود از ماشین گرفته تا واحدهای مسکونی را به‌طور مستقیم به فروش برسانند و واسطه‌های به نوعی حذف شوند.

امیدواریم قانون و تکنولوژی بتواند دست دلالان که از خطرناک‌ترین گروه از مشاغل کاذب هستند را در همه حوزه‌ها کوتاه کند.

شغل کاذب، فرزند ناخلف بی‌ثباتی اقتصاد

حتما تاکنون عنوان شغل کاذب را شنیده‌اید. اینکه معنای شغل کاذب چیست و این شغل‌ها چگونه شکل می‌گیرند و بر اقتصاد جامعه امروز تاثیر می‌گذارند آنقدر حائز اهمیت است که نمی‌توان به‌راحتی از آن گذشت. برخی معتقدند شغل‌های کاذب نیز بخشی از اقتصاد هستند و نمی‌توان آن را از بدنه اقتصاد حذف کرد.

بسیاری معتقدند شغل‌های کاذب و تاثیرات مخرب آنها بر اقتصاد برای سلامت یک جامعه دردسرساز است و باعث رشد مشکلات اقتصادی و اجتماعی جامعه خواهد شد. با افزایش کشش افراد به سمت شغل‌های کاذب میزان علاقه‌مندی به ادامه تحصیل و کسب مهارت‌های دانشی و فنی کاهش می‌یابد.

با گسترده‌تر شدن دامنه مشاغل کاذب باور غلطی در بین مردم رواج پیدا می‌کند که بدون داشتن دانش و مهارت می‌توان به شغل و درآمد دست پیدا کرد؛ به طریقی نظام آموزشی دچار آسیب‌های جدی خواهد شد.

حالا تصور کنید بیشتر افراد جامعه به شغل‌هایی خارج از حیطه تحصیلات و توانمندی خود روی آورند. با نبودن افراد متخصص در هر شغل، شاهد مشکلات زیادی در زمینه‌های صنعتی، اقتصادی و اجتماعی خواهیم بود.

فشار اقتصادی و راهی برای فرار از آن افراد را به سمت درآمدزایی کوتاه‌مدتی می‌کشاند که در آنها خبری از پرداخت مالیات نیست. بیکاری و فشار اقتصادی بزرگ‌ترین علت‌های ایجاد شغل‌های کاذب است.

بسیاری بر این نکته تاکید دارند که شغل کاذب در بیان صحیح همان بیکاری است، چراکه افراد در موقعیت‌های شغلی قرار می‌گیرند که تناسبی با مهارت یا تحصیلات دانشگاهی آنها ندارد و افراد به اجبار به انجام آن شغل مشغول هستند. در واقع، در شغل‌های کاذب خدمتی به جامعه ارائه یا محصولی در بازار عرضه نمی‌شود.

به‌هر حال وجود مشاغل کاذب اعم از رسمی، پنهانی و غیررسمی منبعث از ترکیب، تلفیق، تباین و واکنش‌های آثار و نتایج عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه است. در اصل گسترش فعالیت‌های غیرمولد و دست‌وپاگیر در یک ارتباط تنگاتنگ با مسائل و تنگناهای اساسی توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی قرار دارد.

این تنگناها متاسفانه به‌طور پیوسته به یکدیگر مرتبط هستند و رفع یکی از آنان به رفع بقیه تنگناهای توسعه از قبیل بیکاری، بی‌سوادی، فقر، کمی درآمد، مهاجرت‌های بی‌رویه روستاییان، حاشیه‌نشینی، رشد سریع جمعیت، کمبود نیروی انسانی متخصص، وجود اقتصاد تک‌محصولی، فقر فرهنگی، نبود انگیزه‌های کار، توسعه ناموزون منطقه‌ای، فساد اداری، تشدید قشربندی‌های اجتماعی، کارآیی پایین فعالیت‌های صنعتی و... کمک می‌کند.

در تعریف مشاغل کاذب برخی فصلی بودن و بی‌ثباتی شغلی را پارامتر اصلی می‌دانند و گروهی دیگر مسئله رسمی بودن یا غیررسمی بودن مشاغل کاذب را. عده‌ای کمی درآمدهای به‌دست آمده را مبنای تعریف خود قرار می‌دهند و شماری دیگر میزان کمی سرمایه در گردش و استقلال کاری را.

در نهایت آنچه مسلم است اینکه در صورت وجود ثبات اقتصادی به امنیت شغلی می‌رسیم و در نتیجه امنیت شغلی به‌دلیل داشتن مشاغل ثابت، بهانه ایجاد مشاغل کاذب از بین می‌رود. صمت در این پرونده به دلایل پیدایش و گسترش این پدیده در اقتصاد ایران و تاثیر آن بر ابعاد اقتصادی و اجتماعی پرداخته است.

نقش جهش تولید در کاهش مشاغل کاذب



عکس: آیدا فریدی

عملکرد اقتصادی، بحران‌های مالی، بهره بالای تسهیلات بانکی و محدودیت در مبادلات ارزی همگی عواملی هستند که کشور را با چالش‌های مهم اشتغال رو به‌رو کرده‌اند. جهش تولید به‌عنوان راهی برای ایجاد اشتغال و جذب نیروی کار متخصص یکی از راهکارهایی است که می‌تواند در کاهش اشتغال افراد در مشاغل کاذب موثر باشد.

شغل کاذب در واقع نوعی از بیکاری است که در آن افراد به‌دلیل بالا بودن نرخ بیکاری در جامعه، امکان اشتغال در موقعیت متناسب با حرفه یا تحصیلات خود را ندارند یا باوجود دارا بودن مدارک تحصیلی و آکادمیک، از مهارت لازم برای جذب به‌عنوان نیروی متخصص در پست‌های کلیدی سازمان‌ها برخوردار نیستند.

در واقع نبود تناسب بین ویژگی‌های مهارتی و تحصیلی افراد و فعالیتی که به‌عنوان شغل کاذب انجام می‌دهند، زمینه‌ساز مشکلات اجتماعی-اقتصادی نگران‌کننده‌ای در جامعه شده است. از این جمله می‌توان به کاهش تمایل افراد جامعه به ارتقای سطح تحصیلی و مهارتی به‌دلیل احتمال ضعیف اشتغال در جایگاه مناسب اشاره کرد.

میزان اشتغال کاذب در کشور

هر سال در کشور آمارهایی مبنی بر میزان اشتغال افراد توسط سازمان آمار ارائه می‌شود و براساس آن، نرخ بیکاری اعلام و با دوره مشابه قبل مقایسه می‌شود. باتوجه به غیررسمی بودن مشاغل کاذب امکان ارائه آمار دقیق از افرادی که در این کسب‌وکارها فعالیت می‌کنند وجود ندارد، اما براساس داده‌های ارائه‌شده از مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی حدود ۶۰ درصد کل اشتغال کشور را مشاغل غیررسمی تشکیل می‌دهند که در برخی از استان‌ها نسبت این شاخص از کل اشتغال بیش از ۷۰ درصد اعلام شده است. یکی از چالش‌های بزرگی که بازار کار ایران با آن مواجه است، نبود توازن در میزان اشتغال در استان‌های مختلف است و تفاوت در نرخ بیکاری بین استان‌ها به‌دلیل تفاوت در بیکاری جوانان و زنان است.

معایب فعالیت در مشاغل کاذب

افزایش مشاغل کاذب به‌دلیل کاهش میزان تولید داخلی و افزایش میزان واردات، کاهش رونق اقتصادی را در پی دارد. مشاغل کاذب تحت نظارت هیچ نهادی نیستند؛ از این رو دولت به‌دلیل دسترسی نداشتن به اطلاعات این نوع مشاغل امکان برنامه‌ریزی و ارائه اطلاعات صحیح از نرخ بیکاری و رونق اقتصادی و آمارهایی از این قبیل را نخواهد داشت. تاثیر روانی فعالیت برخی از مشاغل کاذب مانند فالگیری، واسطه‌گری، دستفروشی و... و نیز عدم رضایت و بی‌انگیزگی افراد در انجام این نوع مشاغل، می‌تواند سلامت روان افراد جامعه را تحت تاثیر قرار دهد.

مشاغل کاذب از دیدگاه قانون در دسته مشاغل غیررسمی قرار می‌گیرند و قابل ردیابی نیستند. این مشاغل ازسوی دولت و هیچ سازمانی مورد حمایت قرار نمی‌گیرد.

افراد شاغل در این دسته از مشاغل از حمایت‌های بیمه‌ای و مستمری بازنشستگی یا ازکارافتادگی برخوردار نیستند. در نقطه مقابل به‌دلیل غیررسمی بودن، فعالان این مشاغل مالیات نمی‌پردازند و از طرفی از امکانات عمومی دولتی استفاده می‌کنند که این امر به کاهش بودجه دولت برای توسعه و سطح رفاه جامعه منجر می‌شود.

راهکارهای مقابله با مشاغل کاذب

متخصصان حوزه اقتصاد، همواره به‌دنبال راهکارهایی برای کاهش اشتغال افراد در مشاغل کاذب بوده و پیشنهادهایی به شرح زیر ارائه کرده‌اند:

- برنامه‌ریزی در جهت اشتغال‌زایی همسو با نیاز؛ در این شرایط با انجام نیازسنجی‌هایی در جامعه و تحلیل آنها، باید برای انجام آموزش‌های مناسب در مراکز آموزشی اقدام شود.

- اضافه کردن رشته‌های تحصیلی جدید در دانشگاه یا تاسیس دانشگاه‌های کارآفرینی می‌تواند اقدامات موثری در این زمینه باشد؛ در غیر این صورت صرف هزینه برای آموزش افرادی که تخصص آنها موردنیاز جامعه نیست موجب هدررفت منابع مالی و اشتغال افراد در مشاغل غیرتخصصی آنها می‌شود.

- کنترل تورم و در پی آن کنترل فقر و جلوگیری از مهاجرت افراد از روستا به شهر یا از شهرهای کوچک‌تر به کلانشهرها، به امید کسب فرصت‌های شغلی و نیز فراهم آوردن امکانات رفاهی در شهرهای کوچک‌تر از دیگر پارامترهای جلوگیری از اشتغال اشخاص به مشاغل کاذب برای رفع نیازهای معیشتی آنها است.

- تعیین بودجه‌ها و تسهیلات و فراهم آوردن شرایط برای سرمایه‌گذاران بخش خصوصی، علاوه بر قدرت دادن به کسب‌وکارهای نوپا، تشویق سرمایه‌گذاران دیگر برای فراهم آوردن زمینه‌های تولیدی در بخش‌های گوناگون را در پی خواهد داشت.

- تسهیل فرآیند صدور مجوزها و موافقتنامه‌ها و از میان برداشتن موانع برای کارآفرینان نیز از اقدامات شایسته برای کمک به ایجاد فرصت‌های شغلی مناسب و کاهش روی آوردن افراد به مشاغل کاذب خواهد بود.

جهش تولید به چه معناست؟

ایجاد فرآیند جهش در تولید و اقتصاد، سوابق و تجربیات موفق و گاهی ناموفقی در کشورهای تازه‌صنعتی‌شده در دنیا دارد. کشورهایی همچون آلمان، ژاپن، کره جنوبی و چین، موفقیت چشمگیری در اجرای طرح جهش در تولید کسب کرده و در بسیاری از حوزه‌های صنعتی، فاصله خود را با کشورهای پیشرو کاهش داده و در برخی موارد نیز، به سرآمد تکنولوژی و صادرکننده علم و صنعت مبدل شده‌اند.

گرچه تعریف واحدی نمی‌توان برای مفهوم «جهش تولید» ارائه کرد، اما عباراتی همچون تلاش برای دستیابی به پیشرفت‌ها و تکنولوژی‌های کشورهای پیشرفته در جهان، نوآوری در صنعت و یافتن مسیرهایی برای دستیابی به تولیدات باکیفیت با بازدهی بالاتر با هزینه کمتر و تلاش برای دستیابی به جایگاه‌های مرتفع علمی، فناوری و صنعت در بین کشورهای جهان را می‌توان تعاریفی قابل‌قبول از این مفهوم معرفی کرد.

جهش تولید در آلمان

رشد سریع اقتصاد در آلمان غربی پس از جنگ جهانی دوم، جایگاهی ویژه در حافظه عمومی مردم این کشور دارد که باعث شد این کشور هویت سیاسی و فرهنگی چشمگیری را به‌دست آورد. بورسیه‌های تحصیلی از ریشه‌های این رونق اقتصادی بود و در پی آن تجارت بین‌الملل و معرفی اقتصاد و تولیدات آلمان به کشورهای دیگر جهان باعث کنترل دولت آلمان بر اقتصاد این کشور شد.

جهش تولید در چین

چین پیشرو و رکورددار میزان تولید محصولات در جهان است و فصل جدیدی از جهش تولید را در تاریخ اقتصاد بشر رقم زده است. اصلاحات اقتصادی و بنیان‌گذاری تجارت جدید چین از سال ۱۹۵۷ آغاز شده و این کشور با اجرای سیاست‌های خاص و تدابیر ویژه‌ای سیاست‌های اقتصادی پیشین را که منجر به اقتصاد ضعیف و ناکارآمد برای این کشور شده بود متحول کرد.

این کشور با ورود به بازارهای بین‌المللی و جذب سرمایه‌گذاران خارجی، در زمینه‌های صنعتی و کشاورزی با رشد فزاینده اقتصادی به‌سرعت به بازار رقابت بین‌الملل وارد و به یکی از قدرتمندترین اقتصادهای جهان مبدل شده است.

راهکارهایی در حمایت از جهش تولید در ایران

اجرای سیاست‌های وابسته به جهش تولید باعث افزایش رونق تولیدات داخل و در پی آن امکان انجام صادرات و کاهش وابستگی کشور به فروش نفت خواهد شد که در نهایت افزایش قدرت اقتصاد ملی را به‌دنبال دارد. از سوی دیگر با وارد شدن شرکت‌های خصوصی در بخش تولید و درآمدزایی، اقتصاد کشور از حالت دولتی به خصوصی سوق می‌یابد و همه در رونق اقتصاد سهم خواهند داشت. در این حالت و با اصلاح زیرساخت‌های اولیه نیاز به اصلاح نظام مالیاتی و صدور قوانین مالیاتی جدید در حمایت از تولید در دستورکار قرار خواهد گرفت. با حذف معافیت‌های مالیاتی غیرضروری، در حمایت از تولیدات ملی، کاهش نرخ مالیات بر درآمد شرکت‌های تولیدکننده داخلی وضع خواهد شد. اصلاح سیستم‌های بانکی از موارد دیگری است که می‌تواند راه کشور را در قدم گذاشتن در مسیر جهش تولید هموار کند. این کار با تغییر در نرخ سودهای بانکی و منطقی کردن آن متناسب با وضعیت داخل کشور انجام خواهد شد.

در نهایت با تسهیل انجام فعالیت‌های تولیدی، کسب‌وکار و تولید داخل افزایش می‌یابد که این امر در کاهش نرخ بیکاری و اشتغال افراد به شغل‌های رسمی به‌جای پرداختن به مشاغل کاذب موثر خواهد بود و در نهایت حمایت از تولیدات داخلی و اشتغال افراد، به کاهش میزان قاچاق و فساد اقتصادی منجر خواهد شد.

سخن پایانی

اشتغال و افزایش فرصت‌های شغلی، هدف اصلی جهش تولید در کشور ماست. طرح‌ریزی استراتژی جهش تولید با حمایت‌های دولتی و زمینه‌سازی‌های سازمانی در کنار برنامه‌ریزی‌های دقیق به‌منظور افزایش مهارت و دانش موثر افراد جامعه، از الزامات افزایش فرصت‌های شغلی برای افراد متخصص یا دارای مهارت است که این امر به حداقل رساندن اشتغال افراد در شغل‌های کاذب را نیز به‌دنبال خواهد داشت.

برنامه‌ریزی برای اجرای پروژه‌های سودآور و جذب سرمایه‌گذاران در حوزه‌های کشاورزی، صنعتی و گردشگری در سراسر کشور باتوجه به پراکندگی جمعیت که منجر به افزایش درآمد ملی می‌شود و سرلوحه قرار دادن کشورهایی که پیش از کشور ما قدم در این مسیر گذاشته‌اند می‌تواند این فرآیند را تسهیل کند.

از نظر فرهنگی نیز، ترغیب افراد به شرکت در دوره‌های آموزش کاربردی و فرهنگ‌سازی برای احساس مسئولیت افراد در قبال جامعه با پرداخت مالیات و تشریح معایب کار در مشاغل کاذب بر ترغیب افراد به انجام شغل‌های رسمی تاثیر مثبت خواهد داشت.



معجون بی‌ثباتی اقتصاد و سوءمدیریت



خیال‌تان راحت شغل‌تان را از دست نمی‌دهید



ایجاد امنیت شغلی در سایه ثبات اقتصاد

در گفت‌وگو با یک کارشناس اقتصاد مطرح شد:

«معاونت توسعه پایدار» ایجاد شود

فاطمه امیراحمدی: صنعت دارای چالش‌های بسیاری است که تولیدکنندگان بخش زیادی از این مشکلات را داخلی و مربوط به اقتصاد بیمار کشور می‌دانند. نبود ثبات اقتصادی منجربه عدم‌امنیت شغلی شده و در این شرایط، افراد حاضر به سرمایه‌گذاری در حوزه‌هایی که ریسک بالایی دارند، نیستند. این در حالی است که فضا برای مشاغل کاذب فراهم شده و نابسامانی‌هایی در حوزه صنعت و اقتصاد به‌وجود می‌آید که در نهایت باعث می‌شود از توسعه‌یافتگی دور شویم. آسیب‌های این رویه بسیار است. در این میان، تمدید برنامه ششم توسعه تا سال آینده و تدوین نشدن برنامه هفتم، از دل همین اقتصاد بیرون می‌آید.

در کنار برنامه‌های توسعه‌ای گوناگون، توسعه پایدار نیز مسئله مهمی است که در صورت تحقق، ضمن رونق صنعت و در سطح کلان، رشد اقتصادی، فعالیت‌ها تداوم‌یافته و برنامه‌های توسعه‌ای مقطعی نخواهد بود. در ادامه صمت گفت‌وگویی با حسین ساسانی، نظریه‌پرداز توسعه پایدار در حوزه ثبات اقتصادی با تدوین و پیگیری برنامه‌های توسعه‌ای برای برون‌رفت از وضعیت فعلی داشته که می‌خوانید.



عکس: صمت

برای تحقق اهداف توسعه پایدار و رسیدن به پارامترهای پایدار یک جامعه پیشرفته، پیشنهاد می‌شود معاونتی به‌نام «معاونت توسعه پایدار رئیس‌جمهور» در قوه مجریه با ماموریتی مشخص تشکیل شود



در حوزه توسعه پایدار در راستای رشد اقتصادی واقعی کشورها در جهان، چه برنامه‌هایی اجرا شده است؟

جهان در سال ۲۰۰۰ میلادی با یک تحول همراه بود. سازمان ملل متحد به دبیرکلی کوفی عنان، گامی بلند در راستای برنامه‌ریزی برای پایدارسازی جهان برداشت و اهداف هزاره سوم سازمان ملل متحد را با حضور ۱۴۷ دولت و ۱۸۹ کشور برای ۱۵ سال؛ یعنی تا سال ۲۰۱۵ به تصویب رساند. سپس در ادامه راه، گام دوم محکم‌تر از قبل برداشته شد و این بار اهدافی با عنوان «اهداف توسعه پایدار» برای بازه زمانی ۲۰۱۵ تا ۲۰۳۰ هدف‌گذاری شد و همه کشورها، کسب‌وکارها، سازمان‌ها و نهادهای علمی، پژوهشی و دانشگاهی ملزم به اجرای آنها در کشورشان شدند تا این ۱۵ مولفه عملیاتی شود.

این مولفه‌ها چه بودند؟

نخستین مولفه این بود که فقر پایان یابد. دوم گرسنگی وجود نداشته باشد. در حوزه رفاه اجتماعی، زندگی سالم و رفاه، ارتقا پیدا کند. اگر به ترتیب بخواهیم به سایر مولفه‌ها اشاره کنیم؛ آموزش با کیفیت در دسترس همگان باشد، برابری جنسیتی به‌وجود آید، آب سالم و فاضلاب در دسترس باشد، دسترسی به انرژی پاک و به‌صرفه میسر شود، رشد اقتصادی پایدار و کار شایسته تحقق یابد، زیرساخت‌های تاب‌آور و صنعتی فراگیر، ارتقا داده شود، نابرابری کاهش پیدا کند، شهرها و جوامع پایدار و تاب‌آور برای زندگی فراهم شود، الگوی تولید و مصرف پایدار گسترش یابد، اقداماتی برای مبارزه با تغییرات اقلیمی به‌کار گرفته شود، از اقیانوس‌ها و دریاها استفاده پایدار شود، اکوسیستم ارتقا پیدا کند و از بین رفتن تنوع زیستی جلوگیری شود، جامعه پایدار و صلح‌آمیز توسعه یابد و در نهایت اینکه مشارکت جهانی برای توسعه پایدار احیا شود.

کاملا مشخص است که تحقق این اهداف و به‌دنبال آن دستیابی به یک جامعه مرفه و پیشرفته با رشد اقتصادی واقعی در هر کشوری، نیازمند همت ملی و ساماندهی ساختار و سازمان کارآمد است که باید مشارکت و رد پای نخبگان و تک‌تک آحاد جامعه را در به ثمر نشستن این اهداف مشاهده کرد. لازم به یادآوری است، با توجه به مشغله‌های اجرایی وزرا در وزارتخانه‌های گوناگون و سازمان‌های تحت مدیریت آنها، پرداختن به آینده و برنامه‌ریزی برای پایدارسازی موضوعات مختلف کشور یا امکان‌پذیر نیست یا اینکه تمرکز و توجه کمتری به آن می‌شود. نخستین چیزی که در این بین قربانی می‌شود، فکر کردن و اندیشیدن به آینده است که تغییرات گسترده علمی و فناوری، دگرگونی جمعیتی، پیکربندی مجدد سیاسی و تنوع فرهنگی بسیار زیاد و عمیق شده است.

چگونه می‌توان سیاستمداران، مدیران حاکمیتی و متفکران برجسته را برای کمک به ساختن آینده‌ای بهتر گرد هم آورد تا با یک قطب‌نما و نقشه مشترک حرکت کنند؟

بله باید پرسید آیا نیازمند ساختار جدید نیستیم؟ آیا نیازی به تغییر و تحول در سازمان قوه مجریه نداریم؟ آیا زمان آن نرسیده است که دگرگونی‌هایی در فرآیند تصمیم‌گیری به‌وجود آوریم؟

برای پاسخ به این پرسش‌ها، یک‌بار دیگر باید مروری بر اهداف توسعه پایدار که هر کدام از آنها دربرگیرنده یک معضل مزمن در کشور است، داشته باشیم. کدام‌یک از این اهداف و تحقق آنها با نهادهای حاکمیتی و بخش خصوصی رابطه تنگاتنگی ندارد؟ به بیان دیگر، بدون حضور و مشارکت یک دولت توسعه‌گرا، بخش خصوصی رقابت‌پذیر و تشکل‌های مردمی و جوامع مدنی در این عرصه، پیاده‌سازی و عملیاتی کردن اهداف یادشده امکان‌پذیر نیست و همین موضوع، این فکر را به ذهن متبادر می‌کند که کدام نهاد حاکمیتی وظیفه و نقش سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، هماهنگی بین نهادها و سازمان‌های گوناگون حاکمیتی و خصوصی دارد تا با یکپارچه کردن استراتژی‌ها، دیدگاه‌ها، اجرای عملیات و پایش، اندازه‌گیری و کنترل اقدامات بتوان به نتایج آرمانی رسید و کشور در مسیر توسعه پایدار قرار گیرد و از ناپایداری نتایج اقتصادی، زیست‌محیطی، اجتماعی، سیاسی جلوگیری شود.

با این مقدمه کوتاه و بیان فلسفه وجود یک نهاد کارآمد با ویژگی‌های اشاره شده در تحقق اهداف توسعه پایدار و رسیدن به پارامترهای پایدار یک جامعه پیشرفته، پیشنهاد می‌شود؛ معاونتی به‌نام «معاونت توسعه پایدار رئیس‌جمهور» در قوه مجریه با ماموریت زیر تشکیل شود؛ «مشارکت در بسترسازی و ایجاد تغییر و تحول در ذهنیت‌ها و مدل‌های تفکر ارکان توسعه پایدار و فراهم کردن فضای گفت‌وگو برای حل مسائل و مشکلات مزمن و ریشه‌دار کشور، به نحوی که سیاست‌گذاری‌ها، برنامه‌ریزی‌ها و هماهنگی بین نهادها و سازمان‌های گوناگون حاکمیتی و خصوصی با یک دیدگاه و باور مشترک انجام شود و بتوان با یکپارچه کردن استراتژی‌ها، دیدگاه‌ها، فعالیت‌ها و پایش، اندازه‌گیری و کنترل اقدامات مرتبط با توسعه پایدار به نتایج آرمانی رسید و کشور در مسیر پیشرفت مستمر قرار گیرد و از ناپایداری نتایج اقتصادی، زیست‌محیطی، اجتماعی، سیاسی جلوگیری شود.»

در پایان، برای اینکه ماموریت این معاونت را شفاف‌تر بیان کنم از دیدگاه دیوید بوهم، فیزیکدان برجسته مدد می‌جویم که می‌گوید؛ «وقتی با مسئله‌ای مواجه می‌شویم، به نظر می‌رسد که باید از فکرمان برای حل مسئله استفاده کنیم، اما در واقع، مسئله اصل، خود فکر است. ما با فکر غلط، مشکلاتی درست می‌کنیم و بعد کمک همان فکر می‌خواهیم راه چاره‌ای برای حل این مشکلات ارائه دهیم. طرز فکری که مشکلات را به‌وجود آورده، نمی‌تواند راه‌حلی برای رفع آنها ارائه دهد. راه‌حل‌هایی که به این روش به‌دست می‌آیند، مشکلات بزرگ‌تری را ایجاد خواهند کرد. نخستین گام برای حل مشکلات، اصلاح فکر است و موثرترین اقدام برای اصلاح فکر، گفت‌وگو است.» به‌طور قطع، گفت‌وگو با کارشناسان و نخبگان آن حوزه تا ما را به اهداف تعیین‌شده نزدیک کند، در غیر این صورت باز هم هر تحرکی در بیراهه رفتن خواهد بود.

سخن پایانی

داشتن یک اقتصاد پویا، نیازمند سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی دقیق است. به‌طور قطع، کشورهایی که به‌عنوان کشورهای پیشرفته با رشد اقتصادی مثبت از آنها نام برده می‌شود با هدف‌گذاری درست برای توسعه به این مهم دست یافته‌اند، نه‌تنها مشکل اشتغال ندارند که برای رشد اقتصادی از نخبگان تربیت‌یافته در کشورهای جهان سوم استفاده می‌کنند. نخبگانی که می‌توانند همین روند را در کشور خود دنبال کنند و به‌سرانجام برسانند به‌شرط آنکه فضا داده شود و بستر فراهم باشد؛ بنابراین شاید متمرکز شدن فعالیت‌ها در معاونتی جداگانه، ما را در رسیدن به اهداف موردنظر در حوزه اقتصاد و توسعه پایدار، بیشتر یاری کند.

خدمات پس از فروش ایران‌خودرو با کاروان اربعین حسینی همراه می‌شود

شرکت خدمات پس از فروش ایران‌خودرو هم‌زمان با همایش پیاده‌روی اربعین حسینی، طرح «با تو تا حرم» را از ۱۶ تا ۲۷ شهریورماه در نمایندگی‌های منتخب و با حضور ناوگان امدادی اجرا می‌کند.

ایکوپرس- مدیرعامل ایساکو در این باره گفت: طبق برنامه‌ریزی و نیازسنجی‌های صورت گرفته، مقدمات اجرای طرح و ارسال قطعات مورد نیاز با پیش‌بینی حضور پنج میلیون نفر زائر از یک ماه پیش کلید خورد و عملیات اجرایی نیز از روز هفتم شهریور با برپایی چادرهای صحرایی و تکمیل تجهیزات مورد نیاز نمایندگی‌های مرزی منتهی به کشور عراق آغاز شد.

بابک سلاجقه ادامه داد: به نظر می‌رسد در سال جاری حجم فزاینده‌ای از سفر با خودرو را در مسیر کربلای معلا شاهد باشیم و با توجه به پیش‌بینی رشد حدود ۶۶ درصدی زائران نسبت به سال ۹۸، در سال جاری نزدیک به ۳۵ نمایندگی تک‌شیفت، دو شیفت، شبانه‌روزی و تعمیرگاه موقت، در کنار بیش از ۱۲۰ اکیپ امدادی برای



ارایه خدمات در مسیرهای منتهی به کشور عراق شامل شهرهای مهران، چذابه و سرپل ذهاب (مرز خسروی) مستقر شده‌اند.

وی افزود: طرح‌های ویژه خدمات پس از فروش ایران خودرو در راستای انجام وظیفه خدمت‌رسانی، انجام مسوولیت‌های اجتماعی و با هدف افزایش رضایت‌مندی مشتریان اجرایی می‌شود و امیدواریم سطح بالای خدمت رسانی در طرح «با تو تا حرم» نیز بتواند باعث ایجاد خاطره‌ای خوش از این سفر معنوی و بهبود تصویر ذهنی هموطنان از گروه صنعتی ایران‌خودرو شود.

در ادامه گزارش این طرح، مدیرعامل امدادخودرو ایران نیز از توسعه و تجهیز ناوگان امدادرسانی و ارایه خدمات خودرویی گسترده در مرزهای منتهی به غرب کشور برای زائران اربعین خبر داد و گفت: این اکیپ‌های امدادی مشتمل بر امدادسریع، امدادپلاس، موتورسوار، امدادگر بالینی و امدادگر حمل است.

سیدعباس میرحسینی گفت: علاوه بر نمایندگی‌های فعال، کانکس‌های مجهز امدادی برای ارایه خدمات خودرویی به تمامی خودروها فارغ از نوع و برند آن به صورت شبانه‌روز در دسترس زائران قرار می‌گیرد. دارندگان محصولات ایران‌خودرو می‌توانند برای دریافت خدمات یا ارایه نقطه نظرات خود با شماره تلفن مرکز پاسخ‌گویی هوشمند ایران خودرو ۰۹۶۴۴۰ تماس حاصل کنند که در شماره تماس مذکور زیر کلید شماره چهار با هدف تسریع ثبت درخواست‌های خدمات خودرویی صرفا برای زائران کربلای حسینی در ایام اربعین ایجاد شده است. همچنین به منظور سهولت در ارایه خدمات اپلیکیشن ایساکو و وبسایت www.۰۹۶۴۴۰.com نیز آماده ثبت درخواست هموطنان است.

برپایی موکب چادرملو در مسیر نجف‌اشرف به کربلای‌معلی



برای اولین بار و پس از ۲ سال محدودیت‌های ناشی از کرونا، شرکت معدنی و صنعتی چادرملو، موکب اسکان زائرین اربعین حسینی را در کشور عراق برپا کرد.

چادرملو با هدف خدمت‌رسانی به زائران بزرگترین اجتماع معنوی شیعیان جهان، این موکب را در شهر نجف و در عمود ۱۷۰ دایر کرده است. این موکب شامل اسکان و پشتیبانی در زمینی به مساحت ۳۰۰۰ مترمربع با ظرفیت ۷۰۰ نفر و با اعزام ۱۲۰ نفر از پرسنل جهت خدمات‌رسانی به زائران، رسالت فرهنگی خود مبنی بر ترویج فرهنگ و مکتب اهل‌بیت (ع) را در این فرصت معنوی با اجرای برنامه‌های فرهنگی و مذهبی ایفا خواهد کرد.

موکب چادرملو تا ۲۶ شهریور پذیرای زائران حسینی در نجف‌اشرف خواهد بود.



خدمات پس از فروش ایران خودرو
همراه با کاروان اربعین حسینی
شانزدهم الی بیست و هفتم شهریور
در نمایندگی‌های منتخب و با حضور ناوگان امدادی

۰۹۶۴۴۰

www.isaco.ir

آگهی فراخوان شناسایی مشاوران

شهرداری اصفهان

معاونت حمل‌ونقل و ترافیک شهرداری اصفهان در نظر دارد نسبت به **انجام پروژه مکان‌یابی و طراحی تابلوهای راهنمای مسیر در شهر اصفهان**، نسبت به شناسایی و ارزیابی مشاوران دارای صلاحیت اقدام نماید.

لذا از متقاضیان واجد شرایط با توان و تجربه و دارای سوابق مرتبط دعوت می گردد جهت دریافت اسناد از تاریخ **۱۴۰۱/۰۶/۲۰** لغایت **۱۴۰۱/۰۷/۰۴** همه روزه به جز ایام تعطیل در ساعات اداری به حوزه معاونت حمل‌ونقل و ترافیک واقع در خیابان کاوه، پل شهید چمران، ابتدای خیابان اشراق مراجعه و با ارائه معرفی‌نامه کتبی معتبر از شرکت، نسبت به دریافت اسناد اقدام نمایند.

لازم به ذکراست کلیه اسناد بایستی پس از تایید و مهر و امضاء توسط شرکت‌کننده حداکثر تا ساعت **۱۲** ظهر مورخ **۱۴۰۱/۰۷/۰۶** و **۱۴۰۱/۰۷/۰۷** به دبیرخانه حراست حوزه معاونت حمل‌ونقل و ترافیک تحویل گردد.

این آگهی به منظورارزیابی پیمانکاران انتشاریافته و معاونت حمل‌ونقل و ترافیک شهرداری اصفهان پس از ارزیابی متقاضیان واجد صلاحیت، جهت ارائه پیشنهاد وشرکت در مناقصه ازآنان دعوت بعمل خواهد آورد.

ضمناً تلفن پاسخگوئی به سئوالات احتمالی متقاضیان شرکت در فراخوان شناسایی **۳۴۵۹۳۷۳۷-۰۳۱** با داخلی **۱۱۸** می‌باشد.

معاونت حمل‌ونقل و ترافیک شهرداری اصفهان

یادداشت

نوسانات اقتصادی و شغل‌های کاذب صنعت خودرو



امیرحسن کاکایی
عضو هیات‌علمی دانشگاه علم و صنعت

تاکنون به اندازه کافی برای خوانندگان توضیح داده‌ام که سیاست‌گذاری در صنعت خودرو طی ۲۰ سال گذشته، همواره دارای نوسان بوده و به‌جای تبعیت از اصول اقتصاد از سیاست نشأت گرفته است. به‌عنوان مثال، هفته گذشته وزیر صنعت، معدن و تجارت اعلام کرد که قبلا با بورس به‌دلیل اینکه تحت‌نظر ما نبود، مخالف بودیم و امروز موافق آن هستیم. یا موضوع واردات که در ۶ ماه گذشته، بسیار خبرساز شد و همچنان دارای ابهامات فراوانی است.

چنین نوساناتی در سیاست‌گذاری صنعتی کشوری که بازارش تحت کنترل شدید دولتی‌هاست، باعث می‌شود هیچ طرح توسعه‌ای نتواند طبق برنامه پیش برود و بیشتر طرح‌های سرمایه‌گذاری در مسیر شفاف و روشن، سودآور نخواهند بود. هر جایی عدم‌شفافیت نمایان شود و در بازار هم نیاز وجود داشته باشد، فساد بروز می‌کند؛ به‌ویژه وقتی نیاز مردم با عرضه کم و کیفیت پایین روبه‌رو می‌شود، خودبه‌خود بازار سیاه شکل می‌گیرد که کلاهبرداری از انواع مختلف در آن بی‌داد می‌کند و انواع واسطه‌ها به‌وجود می‌آیند. در سال ۱۳۹۶ همه شاهد اتفاقات مرتبط با واردات خودرو و پیش‌فروش‌ها بودیم که برخی مسائل آن تاکنون حل نشده است. در سال ۱۳۹۷ هم سوءاستفاده برخی نمایندگی‌های رسمی فروش از سهمیه‌های تعیین‌شده از سال ۱۳۹۶ را دیدیم. اینها فقط بخشی از کوه یخی است که در این مرداب به‌وجود آمده است. تاثیر چند اتفاق مهم در این کسب‌وکار، بسیار عمیق بوده که نخستین آن جذب بیش از حد افراد در شرکت‌های خودروسازی و زیرمجموعه‌های آنهاست که قبلا بارها به آن اشاره کرده‌ام. کار تا جایی پیش رفته که نه‌تنها تعداد کارگران و کارمندان در این صنعت زیاد است، بلکه تعداد شرکت‌ها نیز بیش از حد معمول است. به‌عنوان مثال، کره‌جنوبی حداکثر ۵ خودروساز دارد که یکی از آنها، هیوندای-کیاست که کاملا کره‌ای به‌شمار می‌رود و بقیه وابسته به کشورهای خارجی هستند. این در حالی است که ما در ایران به‌طور رسمی بیش از ۳۰ خودروساز فعال داریم و بیش از ۱۰۰ مجوز بهره‌برداری. تصور کنید این تعداد خودروساز، چند عضو هیات‌مدیره و چند کارگر و کارمند دارند که عملا اضافه هستند و بهره‌وری بخش صنعت را به‌شدت پایین می‌آورند. شاید عنوان شود این مشاغل کاذب نیستند، اما اگر دقت کنیم، می‌بینیم بسیاری از این شرکت‌ها صوری و برای استفاده از رانت تدارک دیده شده‌اند و در نهایت می‌توانیم ادعا کنیم کل مجموعه مربوطه، کاذب است. این موضوع نه‌تنها درباره خودروسازی‌ها مشهود است، بلکه در بخشی از شرکت‌های قطعه‌ساز هم صدق می‌کند. همگان می‌دانند که بسیاری از داخلی‌سازی قطعات، صوری و در حد نمایش باقیمانده است؛ یعنی قطعه‌ساز، یک خط تولید راه می‌اندازد، اما در عمل نوسانات سیاست‌گذاری و اقتصادی، اجازه نمی‌دهد تولید آن خط با واردات قطعه رقابت کند. نتیجه چه می‌شود؟ خودبه‌خود سرمایه‌گذار برای حفظ آبرو و ظاهر، خط تولید را باز نگه می‌دارد، اما قطعه اصلی وارد می‌شود. این موضوع نه‌تنها در خط تولید، بلکه به‌تازگی به موضوعات پژوهشی و توسعه در طراحی هم رسیده است؛ به‌ویژه امسال که سال تولید دانش‌بنیان است، عده‌ای واحدها یا شرکت‌های صوری راه‌اندازی کرده‌اند. مراکزی هم هستند که واقعا تحقیقات انجام می‌دهند که هیچ رابطه معنی‌داری بین تحقیقات آنها و طراحی تولید وجود ندارد. خودروساز وقتی می‌خواهد یک پروژه واقعی را انجام دهد، تا آنجا که می‌تواند دنبال مشاور خارجی است. به‌عبارتی در هر پروژه (در خوشبینانه‌ترین حالت) عملا دو تیم فعالیت می‌کنند؛ یک تیم در ایران تشکیل می‌شود، اما تیم اصلی خارج از کشور است. جالب اینجاست که این موضوع هم‌اکنون که در اوج تحریم‌ها هستیم هم اجرا می‌شود. موضوع دیگری که به این فساد و توسعه شغل‌های واسطه‌ای و کاذب دامن می‌زند، در فرآیند CKD کاری است. در ۴ سال گذشته، تقریبا تمامی شرکت‌های اصلی خودروسازی جهان، از جمله خودروسازهای چینی، ما را تحریم کرده‌اند. به‌عنوان مثال، دانگ‌فنگ ما را ترک کرده و به تعهدات خود به خریداران ایرانی پشت پا زده است. اما در همین مدت، انواع شرکت‌های تجاری واسطه آمده و حتی بعضا در دیگر شرکت‌های ایرانی با مجوز شروع به تولید کرده‌اند. به‌تازگی هم دولت با آیین‌نامه‌ای که برای واردات خودرو اعلام کرد، بیش از پیش شرایط را برای واسطه‌ها فراهم کرده است. تحریم‌ها نیز یک عامل دیگر در توسعه شغل‌های کاذب شده است. دور زدن تحریم‌ها، موضوع ساده‌ای نیست. این تحریم‌ها حداقل حدود ۳۰ تا ۱۰۰ درصد به هزینه برخی از اقلام وارداتی اضافه می‌کند. این پول اضافه در مسیرهای کاذب خرج می‌شود و بعضا سود واسطه‌ها از سود تولیدکننده بسیار بالاتر است؛ البته پولش را مردم می‌دهند. همچنین قیمت‌گذاری دستوری و متعاقب آن مسابقه برای ثبت‌نام‌ها و استفاده از رانت‌های مربوطه، حضور یک‌سری دلال را تقویت کرده است. به‌راحتی می‌توانم ادعا کنم که طی ۴ سال منتهی به ۱۴۰۱، بازار رانتی بالای ۲۰۰ هزار میلیارد تومانی ایجاد شد. البته همچنان تا حذف کامل قیمت‌گذاری دستوری این نوع دلالی و شغل کاذب ادامه خواهد یافت. این روش حتی مردم عادی را به این سمت کشاند و هم‌اکنون هم که دوباره دولت موضوع خودروهای وارداتی را مطرح کرده، مسئله به این سو هم می‌رود. آنچه آمد بخشی از شغل‌های کاذب و رانت‌خواری بود، اما بخش خدمات پس از فروش، به‌ویژه مواد مصرفی و قطعات یدکی مانند روغن، ضدیخ، بنزین و گازوئیل، لنت ترمز، کاتالیست و...، موضوع و خطر خیلی عمیق‌تری است. ما در این قسمت از زنجیره ارزش، نه‌تنها با شغل‌های کاذب رانت‌خوار روبه‌رو هستیم که سودی از واسطه‌گری می‌برند، بلکه در برخی موارد با تقلبی گسترده روبه‌رو می‌شویم که با جان و مال آحاد ملت بازی می‌کند. البته در این زمینه باید تاکید کنم که اخیرا دولت کارهای خوبی را شروع کرده اما برای مبارزه با تقلب راه طولانی در پیش است.

صنعتگر در فضای ناامن اقتصادی ریسک نمی‌کند

معجون بی‌ثباتی اقتصاد و سوءمدیریت

فاطمه امیراحمدی
editor@smtnews.ir

تولید یکی از بسترهای استقلال و رشد اقتصادی بوده که حمایت‌های دولتی با محوریت آن شکل گرفته و برنامه‌ها براساس آن اجرا می‌شود. آرامش فضای اقتصادی سبب می‌شود تولید با دغدغه کمتری ادامه یابد و زمینه توسعه و پیشرفت جامعه فراهم شود. در مقابل، عدم‌ثبات اقتصادی باعث می‌شود تولیدکنندگان قادر به برنامه‌ریزی میان‌مدت و بلندمدت نباشند و برخی مواقع، اجرای برنامه‌های کوتاه‌مدت نیز دچار اختلال شود. هنگامی که صنعتگر افق‌دید روشنی ندارد، نمی‌تواند ریسک کند و سرمایه‌گذاری جدیدی انجام دهد؛ در نتیجه دچار روزمرگی می‌شود. حال در شرایطی که عدم‌ثبات اقتصادی بر کشور حکمفرما و قیمت تمام‌شده، شناور است، چگونه دولت برای برخی کالاها از جمله خودرو، قیمت‌گذاری به‌اصطلاح دستوری می‌کند؟ وضعیت تولید در این شرایط بی‌ثبات چگونه است و راهکار برون‌رفت از آن چیست؟



عکس: صمت

سوءمدیریت و عدم‌پذیرش این واقعیت که ثبات اقتصادی وجود ندارد، منجر به صدور دستورالعمل‌هایی می‌شود که در شرایط ثبات اقتصادی، قابلیت اجرایی دارند و این خود، باعث التهاب بیشتر فضای کسب‌وکار و بازار می‌شود

دامن‌زدن سوءمدیریت‌ها به بی‌ثباتی اقتصادی



امیرحسین صیرفی از فعالان بازار قطعات یدکی درباره تاثیر نبودثبات اقتصادی و تاثیر آن بر فعالیت تولیدکنندگان زیرپله‌ای به صمت گفت: عدم‌ثبات اقتصادی، عارضه‌ای است که سال‌هاست کشور با آن درگیر شده است. نبود ثبات اقتصادی و نوسان در بازار ارز و نهاده‌های تولید که بر قیمت تمام‌شده تاثیر مستقیم دارد و... نرخ محصولات را شناور می‌کند، اما اقتصاد، تولید و بازار در طول این سال‌ها به این وضعیت عادت و به‌نوعی آن را مدیریت کرده است. البته برخی هم از این شرایط برای رسیدن به سود یک‌شبه، سوءاستفاده می‌کنند.

وی افزود: به هر حال، در اقتصاد کشور، قیمت‌ها همیشه افزایشی بوده و روند کاهشی نداشته است و اگر هم در برخی اقلام، نرخ محصولات کاهش یافته، دستوری و موقتی بوده و بعد از مدتی، بیش از پیش، بالا رفته است.

او گفت: آنچه بیش از عدم‌ثبات اقتصادی به تولید و بازار آسیب زده، نگاه قانون‌گذار و حاکمیت و همچنین سوءمدیریتی است که در این بخش وجود دارد.

وی اظهار کرد: برخی مسئولان نمی‌خواهند واقعیت‌ها را ببینند و به‌گونه‌ای دیگر تصمیم‌گیری می‌کنند. به‌عنوان نمونه، وقتی ثبات اقتصادی نداریم و قیمت تمام‌شده شناور است، تعیین نرخ دستوری، خود باعث بروز مشکلات دیگر شده و در نهایت بازار را ملتهب می‌کند؛ این بازار ممکن است بازار خودرو باشد یا ارز و مسکن و...

این فعال صنعت تصریح کرد: در چنین فضایی، مشاغل کاذب متولد می‌شوند که یک امر طبیعی است. به‌عنوان مثال، افراد سودجو، محصولاتی که چند ماه قبل تولید شده و در کوتاه‌مدت قیمت آن تغییر کرده را خریداری می‌کنند و با دپو آنها، هنگامی که قیمت‌ها تغییر می‌کند، این اقلام را با قیمت روز به بازار عرضه می‌کنند.

صیرفی با بیان اینکه عدم‌ثبات اقتصادی با عدم‌مدیریت ترکیب شده و مدیریت کلان کشور این بی‌ثبات اقتصادی را نپذیرفته تا براساس آن شرایط را کنترل کند، اضافه کرد: در حال‌حاضر به‌دلیل همین سوءمدیریت اقتصادی، بازار لوازم یدکی خودرو ملتهب است. از یک‌سو برای ایجاد سامانه‌ای که بازار بخواهد از آن پیروی کند، مدیریت درستی وجود ندارد و از سوی دیگر، حاکمیت تهدید می‌کند اگر در فلان تاریخ، قطعات اظهار نشوند، به‌عنوان کالای قاچاق جمع‌آوری می‌شوند. این تهدیدها در حالی است که سامانه به‌لحاظ زیرساختی مشکل دارد و درست کار نمی‌کند.

وی تاکید کرد: سوءمدیریت در حال دامن زدن به بی‌ثبات اقتصادی است. یکی از حوزه‌های متاثر از این سوءمدیریت‌ها، بازار ارز است. نوسان قیمتی در این بازار بر بازارهای دیگر تاثیر گذاشته و فعالیت‌های تولیدی را با چالش‌های بسیاری همراه کرده است. به‌وجود آمدن چنین فضایی، زمینه‌ساز سوءاستفاده شده و مثلا در بازار لوازم یدکی، باعث تقویت قاچاق می‌شود. این در حالی است که مدیریت دولتی قادر نیست برای هر فروشگاهی یک نیروی ناظر تعیین کند؛ بنابراین تصادفی برخی فروشگاه‌ها را بررسی و با متخلفان برخورد می‌کند، اما ۹۰ درصد آنها، از این دایره نظارت خارج هستند.

ایده‌آل‌گرایی مدیران دولتی

صیرفی در ادامه سخنان خود گفت: در طول ۴ دهه، بازار و حتی فعالان اقتصادی به نحوی بی‌ثبات اقتصادی را مدیریت کرده‌اند و حتی مصرف‌کننده هم آن را پذیرفته و در حال مدیریت آن است. تورم ۴۰ و ۵۰ درصدی سالانه امری پذیرفته شده، اما سوءمدیریت و عدم‌پذیرش این واقعیت که ثبات اقتصادی وجود ندارد، منجر به صدور دستورالعمل‌هایی می‌شود که در شرایط ثبات اقتصادی، قابلیت اجرایی دارند و این خود، باعث التهاب بیشتر فضای کسب‌وکار و بازار آن می‌شود.

او گفت: برنامه‌ریزی‌ها از سوی مسئولان دولتی برای شرایط ایده‌آل است که مثلا قیمت‌ها برای یک دهه ثابت باشد، اما وقتی در اقتصاد به‌عنوان مثال با یک خبر از برجام، ۱۰ درصد قیمت‌ها کاهش پیدا می‌کند و با خبر دیگری، افزایش نرخ رخ می‌دهد؛ یعنی اقتصاد به این بی‌ثباتی عادت کرده و خود در حال مدیریت آن است، اما نگاه قانون‌گذار، ایده‌آلیستی بوده که براساس آن برنامه‌ریزی کرده است.

در واقع، بدون توجه به واقعیت‌ها به‌دنبال دستیابی زودهنگام به اهداف آرمانی هستند. به‌عنوان مثال در اخبار اعلام می‌شود در تولید لوازم‌خانگی به اهداف موردنظر دست یافته‌ایم، اما وقتی بررسی می‌کنیم، واقعیت‌ها خلاف این گفته است. به‌طور قطع، این نوع نگاه، آسیب بیشتری به اقتصاد و صنعت می‌زند. وقتی برنامه‌ها برای شرایط ثبات، تدوین می‌شوند، حتی اگر به‌طور کامل هم اجرا شوند، در شرایط بی‌ثباتی به نتیجه نخواهند رسید. هر شرایطی به سیاست‌گذاری خاص خود نیاز دارد. وی گفت: در کشور ما، اقتصاد و مدیریت با هم همخوانی ندارند و برای یکدیگر، برنامه‌ریزی نشده‌اند.

پیشنهاد چیست؟

صیرفی در راستای کاهش آسیب‌های حوزه صنعت در شرایط بی‌ثباتی اقتصادی، گفت: در سخنان مسئولان شنیده می‌شود که نظر بخش خصوصی در تصمیم‌گیری‌ها دخیل است، اما واقعیت غیر از این بوده و نگاه بخش خصوصی در تدوین برنامه‌ها، دخالت داده نمی‌شود. در نهایت، قانون‌گذار قوانین را تصویب و دولت جزئیات اجرای آنها را تدوین می‌کند، اما عملیاتی کردن این قوانین با بخش خصوصی است.

او گفت: بخش خصوصی هم وقتی تصمیمات با روش‌ها و اهداف او همخوانی نداشته باشد، به‌دنبال راه‌حل می‌گردد تا آن را دور بزند یا قوانین و برنامه‌ها را آن‌گونه که خودش می‌خواهد، اجرا کند؛ بنابراین باید از ابتدا نگاه بخش خصوصی دیده شود. راه‌حل‌های عملیاتی در اقتصاد و کف بازار و با بخش خصوصی است، نه در اتاق‌های دربسته مدیران.

صیرفی در پایان اظهار کرد: اعتماد دوطرفه باید ایجاد و عدم‌اطمینان برداشته شود. در این میان، ضرورت دارد دولت یک یا دو سال به بخش خصوصی اعتماد کند تا در ادامه، تاثیر این رویکرد را بر اقتصاد کلان شاهد باشیم.

> ساسان قربانی: در شرایطی که عدم‌ثبات اقتصادی بر کشور حکمفرماست، واحدهای صنعتی برای کاهش دامنه ریسک، فعالیت خود را کاهش می‌دهند که همین امر بر رشد اقتصادی تاثیر منفی دارد

خلأ امنیت برای سرمایه‌گذاری



در ادامه ساسان قربانی از دیگر فعالان صنعت درباره بی‌ثبات اقتصادی و آسیب‌های آن در تولید و صنعت به صمت گفت: فعالیت‌های اقتصادی از هر نوعی که باشد، نیازمند ثبات شرایط در همه زمینه‌هاست. به‌عنوان مثال، اگر فردی بخواهد برای فعالیتی صنعتی سرمایه‌گذاری کند، به‌طور قطع آن را در بستری امن دنبال می‌کند. پس امنیت، نخستین موضوعی است که در نبود ثبات اقتصادی، مسئله‌ساز می‌شود.

وی افزود: ثبات قوانین و مقررات و نظم در اجرای آنها و اینکه فعالان صنعتی به این قوانین تکیه کنند، موضوع مهم دیگری است. همچنین فراموش نکنیم که دسترسی فعال صنعتی به تکنولوژی و دانش روز، یکی از مولفه‌های مهم برای سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی است. کسی که بنگاه اقتصادی دارد و سرمایه خود را وارد تولید می‌کند با خرید تجهیزات روزآمد و در اختیار داشتن دانش روز، به‌دنبال توسعه و تحولی جدید بوده و باید بتواند به‌راحتی به این ماشین‌آلات سخت‌افزاری و نرم‌افزاری دسترسی یابد. در واقع برای تداوم یک کار و حتی راه‌اندازی کسب‌وکاری جدید، وجود تکنولوژی روز ضروری است.

این فعال صنعت با بیان اینکه اگر قانونی تدوین می‌شود باید برای یک دهه ثبات داشته باشد، گفت: در چنین شرایطی، تولیدکننده می‌تواند برنامه‌ریزی کند. زمانی که قوانین در کوتاه‌مدت (یک ساله یا دو ساله) تغییر می‌کنند، چالش‌ها پیچیده‌تر شده و مسائل لاینحل باقی می‌مانند.

در این‌باره می‌توان به واردات خودرو اشاره کرد که در نتیجه تغییرات یک‌شبه قوانین، سرمایه‌های زیادی در گمرکات کشور، بدون تکلیف، دپو شده‌اند.

فرار سرمایه

قربانی با بیان اینکه در موقعیت‌های پرتنش و پرنوسان، سرمایه‌ها به‌دنبال جای امن بوده و به‌نوعی فرار سرمایه رخ می‌دهد، گفت: نگرانی‌ها به‌دلیل عدم‌ثبات اقتصادی سبب‌شده بخشی از سرمایه‌ها از کشور خارج شود. او ادامه داد: محدودیت قوانین برای اجرای تصمیمات و نظارت بر اجرای آنها با توجه به چارچوب‌های تعریف شده، در همه کشورها وجود دارد و صنعتگران باید از آنها تبعیت کنند، اما آنچه در کشور ما آسیب‌زاست، تغییرات و تحولات زودهنگام در قوانین است.

این فعال صنعت عنوان کرد: چنین فضایی باعث می‌شود مدیران واحدهای صنعتی برای کاهش دامنه ریسک، فعالیت خود را کاهش دهند. در این میان، کاهش ارزش پایه پولی کشور و افزایش نرخ نهاده‌های تولید که با تعیین قیمت دستوری محصولات همراه شده، کارآفرینی را با اما‌واگرهایی روبه‌رو کرده است.

کاهش حجم فعالیت‌ها

قربانی با بیان اینکه آمار قابل استنادی درباره اینکه در چند سال گذشته، چقدر سرمایه‌گذاری جدید در حوزه صنعت انجام شده، وجود ندارد، گفت: آنچه مسلم است بنگاه‌های اقتصادی بسیار کمتر از ظرفیت اسمی خود فعالیت دارند و ۳ نوبت‌کاری به ۲ نوبت و کمتر کاهش یافته و در برخی مواقع حتی منجر به تعطیلی خط تولید شده است.

او تاکید کرد: هیچ سرمایه‌گذاری به‌دنبال خارج کردن سرمایه خود نیست، زیرا ریسک سرمایه‌گذاری در کشوری بیگانه که زبان و فرهنگ آن را نمی‌داند، بالاست، اما اگر امنیت شغلی و سرمایه‌ای در کشور وجود نداشته باشد، این ریسک را در کشوری بیگانه می‌پذیرد. این در حالی است که برای رشد اقتصادی باید فضایی به‌وجود آوریم که نه‌تنها سرمایه‌های ملی از کشور خارج نشود، بلکه بتوانیم به جذب سرمایه‌های خارجی بپردازیم؛ به‌گونه‌ای که سرمایه‌گذار خارجی در کشور هزینه پولی برای تولید داشته باشد و در ادامه محصولات در بازار جهانی عرضه شوند.

قربانی گفت: محدود شدن محصولات کشور به بازار داخل به‌دلیل عدم‌ثبات اقتصادی و رقابتی نبودن قیمت‌ها بوده و اینکه کسی حاضر به سرمایه‌گذاری جدید نیست؛ بنابراین برای کاهش ریسک حجم فعالیت‌ها پایین آمده است.

اگر دولتمردان و سیاست‌گذاران به‌دنبال اقتصادی پویا هستند باید فضای امن سرمایه‌گذاری را هم برای سرمایه‌گذار داخلی و هم خارجی فراهم کنند. در چنین فضایی، کمتر شاهد شغل‌های کاذب و فعالیت‌های زیرپله‌ای خواهیم بود و فضای کسب‌وکار شفاف شده و مشکلات تولید و بازار به‌شدت کاهش می‌یابد.

سخن پایانی

بنابر این گزارش، عدم‌ثبات اقتصادی باعث فرار سرمایه‌ها از کشور شده و بنگاه‌های اقتصادی فعالیت خود را کاهش می‌دهند تا کمتر ریسک کنند. از سوی دیگر، بنابر نظر کارشناسان، سوءمدیریت بیشتر به عدم‌ثبات اقتصادی دامن زده و سیاست‌گذاری براساس آرمان‌ها و شرایط ایده‌آل، زمینه‌ساز چالش‌های موجود می‌شود. در کنار ایجاد امنیت سرمایه‌گذاری، دولتمردان باید به بخش خصوصی اعتماد کرده و نظرات آنها را در تصمیم‌گیری‌ها دخیل کنند تا در اجرا کمتر با مشکل روبه‌رو شده و رشد اقتصادی محقق شود.



کارگران موقت مطلوب سرمایه‌داری



نبود تشکل کارگری مستقل، مانع امنیت شغلی



فقط وعده می‌دهند

معدن
عرصه جنگ فرسایشی کارفرما با کارگر

شرایط سخت اقتصادی سال‌های اخیر وضعیت معیشتی و رفاهی کارگران را به‌شدت تحت تاثیر قرار داده و پرواضح است این مشکلات برای کارگران معدن پررنگ‌تر از سایر بخش‌ها است.

آنها علاوه بر آنکه رنج سختی کار را به دوش می‌کشند، به‌ندرت از حقوق قانونی مثل بهداشت و درمان، حفاظت و ایمنی، امنیت شغلی و مالی و رفاه و امید بهره‌مند هستند.



عکس: صمت

زندگی در بند معیشت



رحمت‌الله سعیدی، نماینده کارگران معدن چشمه پودنه در گفت‌وگو با صمت با اشاره به‌شدت گرفتن مشکلات معیشتی کارگران در سال‌های اخیر، افزود: دستمزد و تامین معیشت خانواده به چالش بزرگ و اساسی کارگران در سال‌های اخیر بدل شده است. کار در معدن، آن‌هم معدن زغال‌سنگ دشواری‌های بسیاری دارد، با این وجود، کارگرانی که در این بخش مشغول فعالیت هستند، حقوق و مزایای بیشتری ندارند.

وی افزود: کار در معدن زغال‌سنگ به‌منزله فعالیت در عمق ۸۰۰ متری زمین است. اغلب معادن زغال کشور از ایمنی لازم برخوردار نیستند؛ بر همین اساس ریسک‌های متعددی سلامت و جان کارگران را در این بخش تهدید می‌کند. با این وجود، افراد بسیاری تنها با هدف گذران زندگی آن‌هم در پایین‌ترین و نازل‌ترین سطح ممکن، ناچار به ادامه فعالیت در این بخش هستند. گویی این کارگران برای کسب حداقل دستمزد، با جان خود معامله می‌کنند.

سعیدی در پاسخ به سوالی مبنی بر اینکه چرا کارگران معدن زغال‌سنگ، به فعالیت دیگری مشغول نمی‌شوند، گفت: تمام این کارگران از سر ناچاری و بیکاری مجبورند به فعالیتی تن دهند که سلامت آنها را تهدید می‌کند و حداقل نیازهای زندگی آنها و خانواده‌شان نیز تامین نخواهد شد.

وی در ادامه با اشاره به حقوق و دستمزد دریافتی خود بیان کرد: من به‌عنوان یک کارگر معدن زغال‌سنگ با ۳ فرزند، سال گذشته ماهانه ۴ میلیون و ۳۰۰ هزار تومان درآمد داشته‌ام.

▣ تلاش کارفرمایان برای کاهش دستمزد

سعیدی با اشاره به اعتراض کارفرمایان به افزایش حقوق مصوب ازسوی شورای عالی کار، گفت: کارگران در تامین حداقلی زندگی خود مانده‌اند، اما کارفرمایان در پرداخت همین حداقل‌ها نیز اماواگر می‌آورند و به‌دنبال کاهش آن هستند.

این تلاش صاحبان کار برای سرکوب هرچه بیشتر دستمزد در حالی است که آینده فرزندان کارگران رو به نابودی می‌رود. در ماه‌های اخیر بعضی از همکارانم، دختران‌شان را به پیرمردها شوهر داده‌اند، چراکه از پس تامین زندگی برنمی‌آمده‌اند. بدین‌ترتیب زندگی ما برای نسل‌ها از دست می‌رود. وی در پاسخ به سوالی مبنی بر توجه مسئولان منطقه‌ای یا استانی به کار در معادن، اظهار کرد: مسئولان و دولتمردان هیچ شناختی از معدنکاری و دشواری‌های آن ندارند. اگر هم مسئولی برای بازدید از معدن بیاید، وارد معدن نمی‌شود. وقتی از آنها درخواست می‌کنیم از معدن بازدید کنند تا متوجه شرایط سخت و حتی ناایمن کار در این بخش شوند، می‌گویند ما نمی‌توانیم بدون حکم وارد معدن بخش خصوصی شویم. در چنین شرایطی شاهدیم که معادن بخش خصوصی نسبت به هیچ اجحافی پاسخگو نیستند و بدین‌ترتیب بیشترین کوتاهی نسبت به جان و سلامت کارگران در این بخش می‌شود.

سعیدی در پایان گفت: سختی کار در معدن به‌قدری است که تمام کارگران پس از حداکثر ۱۰ سال، سلامت خود را برای همیشه از دست می‌دهند. کارگرانی هم که به سن بازنشستگی می‌رسند، عملا از دنیا بازنشسته می‌شوند.

از دیروز تا امروز

گشتی در اخبار حوزه معدن نمونه‌هایی عینی از مطالبات معدنکاران را نمایان می‌کند؛ مطالباتی که مربوط به دیروز و امروز نیست و سابقه‌ای طولانی دارد و در رأس آنها موضوع امنیت شغلی و افزایش دستمزد قرار دارد.

به‌عنوان مثال فاطمه‌السادات حسینی از مطلعان مطالبات کارگری شمال کرمان گفت: یکسان‌سازی حقوق معادن خصوصی با معادن دولتی، رفع تبعیض دستمزد کارگران معدنی نسبت به سایر مشاغل، امنیت شغلی و عقد قرارداد دائم، کوتاه کردن دست دلالان از صنعت زغال سنگ، افزایش دستمزد به حدی که کفاف زندگی کارگران را بدهد، پرداخت حق بیمه کارگران و اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل از مهم‌ترین مطالبات افراد این بخش است.

وی با اشاره به اینکه بحث دیگر کارگران لازم‌الاجرا بودن طرح طبقه‌بندی مشاغل است، ادامه داد: در ماده ۴۸ قانون کار تاکید شده طرح طبقه‌بندی مشاغل لازم‌الاجراست و براساس این ماده جلوی هرگونه بهره‌کشی گرفته می‌شود و کارفرما موظف است براساس ارزیابی‌ها طرح طبقه‌بندی مشاغل را اجرا کند.

▣ امنیت و قراردادها

حسینی افزود: کارگران هیچ لوازم ایمنی ندارند. مهم‌ترین لوازم ایمنی برای کارگران ماسک و لباس است، اما ناظری برای سنجش سطح ایمنی کارگران و معادن وجود ندارد. این کارگرانی از یک دست لباس برای طولانی‌مدت استفاده می‌کنند.

وی افزود: اگر حادثه‌ای هنگام کار در معادن به‌وقوع بپیوندد، مرکزی خاص برای طی مراحل درمانی وجود ندارد.



این کنشگر اجتماعی با بیان اینکه پیمانکاران قراردادهای کوتاه‌مدت با کارگران می‌بندند، گفت: کارگران از عقد قراردادهای کوتاه‌مدت گله دارند و همیشه در اضطراب و دلهره هستند که هر وقت پیمانکار اراده کند، باید بروند و چنانچه دچار حادثه شوند، اخراج می‌شوند.

▣ اجرای تمام بندهای قانون

وی با اشاره به اینکه در فیش حقوقی کارگران تمام بندهایی که باید در حقوق‌شان لحاظ شود، وجود ندارد، گفت: بیمه آنها با وزارت کار است و یکسری بندهایی که در قانون وزارت کار موجود است، شامل حال کارگران نشده است. این بندها شامل بیمه، حق مسکن، حق اولاد و خواربار است که بسیاری از کارگران آن را دریافت نمی‌کنند.

سخن پایانی

یکی از اساسی‌ترین پایه‌های توسعه کشور، نیروی کار است اما مسائل و مشکلات کارگران در برنامه‌های توسعه ایران تعریف و جایگاه مناسبی ندارد. این بی‌توجهی، نیروی کار را از گرفتار چرخه‌ای فرساینده می‌کند که آثار و نتایج زیانبار آن در عرصه اجتماعی، اقتصادی و امنیتی آشکار خواهد شد و چشم بستن بر این آسیب راه مناسبی برای درمان آن نیست.

«آگهی فراخوان شناسایی پیمانکار»
نوبت اول
شرکت سهامی ذوب آهن اصفهان

شرکت سهامی ذوب‌آهن اصفهان درنظر دارد به‌منظور تکمیل سبد محصولات ریلی خود و در راستای خودکفایی کشور، اقدام به تولید سوزن ریل به روش فلاش‌بات با مشخصات R300-UIC60-1 R190-UIC60 -2 (هر دو مورد براساس استاندارد O-UIC866) نماید.

لذا از کلیه شرکت‌های واجد شرایط که دارای تکنولوژی ساخت سوزن ریل به صورت کامل بوده و آمادگی انتقال این تکنولوژی به شرکت ذوب‌آهن اصفهان را دارند، دعوت به عمل می‌آید ضمن ارسال نامه اعلام آمادگی به شماره دورنگار ۳۷۱۷-۰۳۱۵۲۵۷، نسبت به ثبت و ارسال مدارک زیر از طریق سیستم سورسینگ شرکت سهامی ذوب‌آهن اصفهان و حداکثر تا تاریخ ۱۴۰۱/۰۶/۳۱ اقدام نمایند.

لازم به ذکر است در صورت نیاز به هر گونه اطلاعات تکمیلی در رابطه با نحوه استفاده از سیستم سورسینگ با شماره تلفن ۴۵۲۵-۰۳۱۵۲۵۷ (آقای زمانی) تماس حاصل گردد.

نکته: مدارک مدنظر می‌بایست به صورت کامل و تا قبل از تاریخ فوق‌الذکر در سیستم سورسینگ بارگزاری گردند، در غیر این صورت امکان بارگزاری مدارک پس از تاریخ مذکور وجود نخواهد داشت.

▣ شرایط الزامی شرکت در فراخوان:
۱- داشتن سوابق مرتبط با تولید سوزن ریل و رفرنس فروش محصول
۲- داشتن تاییدیه مصرف‌کننده نهایی محصول (راه‌آهن جمهوری اسلامی ایران و یا سایر مصرف‌کنندگان نهایی خارجی)
۳- شرکت باید صراحتاً آمادگی انتقال کامل دانش فنی و تکنولوژی تولید سوزن ریل به شرکت سهامی ذوب‌آهن اصفهان را به صورت مکتوب اعلام و در سیستم سورسینگ بارگزاری نماید.

لازم به ذکر است کلیه عملیات مرتبط با تولید سوزن ریل (نکه مرکزی، زبانه و...)در داخل کشور و با امکانات و تجهیزات مربوطه انجام می‌پذیرد.

▣ مستندات مورد نیاز(جهت بارگزاری در سیستم سورسینگ):
۱- بارگزاری تصویر اساسنامه و آگهی آخرین تغییرات شرکت.
۲- بارگزاری نامه علام آمادگی انتقال کامل دانش فنی و تکنولوژی تولید سوزن ریل به شرکت سهامی ذوب‌آهن اصفهان
۳- بارگزاری سوابق مرتبط با تولید سوزن ریل و رفرنس فروش محصول
۴- بارگزاری گواهینامه‌های تضمین کیفیت در این رابطه
۵- بارگزاری تاییدیه مصرف‌کننده نهایی محصول (راه‌آهن جمهوری اسلامی ایران و یا سایر مصرف‌کنندگان نهایی خارجی)

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۱/۰۶/۱۹ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۱/۰۶/۲۱
روابط عمومی ذوب‌آهن اصفهان

شرکت صنایع و معادن گل گهر

آگهی مناقصه عمومی شماره ۱۴۰۱/۳۳/ع

شرکت معدنی و صنعتی گل گهر (سهامی عام) در نظر دارد "بیمه اموال و دارائی‌های خود در سال ۱۴۰۲-۱۴۰۱" را از طریق برگزاری مناقصه عمومی به شرکت بیمه گر واجد شرایط (شعب مرکزی) واگذار نماید. لذا کلیه متقاضیان می‌توانند جهت اخذ اسناد مناقصه به وبسایت این شرکت به نشانی WWW.GEG.IR مراجعه و اسناد مذکور را از بخش مناقصه و مزایده دانلود نمایند. آخرین مهلت تحویل پاکات ساعت ۱۴ روز شنبه مورخ ۱۴۰۱/۰۷/۰۲ در محل دفتر کمیسیون معاملات مجتمع و یا دبیرخانه دفتر مرکزی تهران می‌باشد. بازدید از محل اجرای موضوع مناقصه روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۱/۰۶/۲۱ مقرر شده است. ضمناً فرمت ضمانت‌نامه‌های مورد تهیه می‌بایست عیناً مطابق با فرمت ارائه شده در اسناد مناقصه باشد. شرکت معدنی و صنعتی گل گهر در قبول یا رد هر یک از پیشنهادات بدون نیاز به ذکر دلیل و بدون جبران خسارت مختار می‌باشد.

کمیسیون معاملات شرکت معدنی و صنعتی گل گهر

شرکت صنایع و معادن گل گهر

آگهی استعلام عمومی شماره ۴۰۱/۰۹/س

شرکت معدنی و صنعتی گل گهر (سهامی عام) در نظر دارد "مشاوره طراحی سیستم‌های اعلام و اطفاء حریق اتوماتیک کانال‌های تاسیساتی و نوار نقاله‌های خروجی کارخانه گندله‌سازی" را از طریق برگزاری استعلام عمومی به پیمانکار واجد شرایط واگذار نماید. لذا کلیه متقاضیان می‌توانند جهت اخذ اسناد استعلام به آدرس الکترونیکی WWW.GEG.IR مراجعه و اسناد مذکور و دستورالعمل ارزیابی کیفی و فنی را به همراه فرم پرسشنامه ارزیابی تأمین‌کنندگان از قسمت - مناقصه و مزایده دانلود نمایند. مهلت تحویل پاکات ساعت ۹ الی ۱۴ روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۱/۰۶/۳۰ در محل دفتر کمیسیون معاملات مجتمع و یا دبیرخانه دفتر مرکزی تهران می‌باشد. لازم به ذکر است شرکت معدنی و صنعتی گل‌گهر در قبول و یا رد هر یک یا تمام پیشنهادات واصله بدون نیاز به ذکر دلیل و بدون جبران خسارت مختار می‌باشد.

کمیسیون معاملات شرکت معدنی و صنعتی گل گهر

آگهی مناقصه عمومی دو مرحله‌ای
شرکت فولاد هرمزگان جنوب
شماره مناقصه ۱۴۲۵۷۸

موضوع مناقصه: موضوع تامین انواع خودروهای سبک (سواری، وانت، موتورسیکلت) و انجام ایاب و ذهاب کارکنان شرکت فولاد هرمزگان جنوب
مدت قرارداد: ۱۲ ماه شمسی از تاریخ ابلاغ و قابل تمدید برای دو دوره یکساله
مناقصه‌گزار: شرکت فولاد هرمزگان جنوب
نحوه دریافت اسناد: کلیه متقاضیان با ارسال اسناد ذیل به ایمیل mehdizadeh.a@hosco.ir و یا فکس ۳۳۵۳۰۱۴۵-۰۷۶ می‌توانند نسبت به دریافت اسناد مناقصه اقدام نمایند:
۱- کپی فیش واریز مبلغ ۵۰۰،۰۰۰ ریال به شماره حساب ۰۱۱۱۱۱۱۱۰۰۰۰۸ نزد بانک ملی، به نام شرکت فولاد هرمزگان جنوب بابت خرید اسناد مناقصه
۲- نامه اعلام آمادگی که در آن ایمیل رسمی آن شرکت به همراه شماره تماس کارشناس مربوطه ذکر شده است. لازم به ذکر است تمامی مکاتبات، اطلاعیه‌ها و اصلاحات از طریق ایمیل مذکور به مناقصه‌گران اعلام خواهد گردید.

▣ توضیحات:
۱- تضمین شرکت در مناقصه بمبلغ هشت میلیارد و ششصد میلیون ریال خواهد بود.
۲- نوع تضمین:
الف- ضمانتنامه بانکی به نفع کارفرما: مدت اعتبار تضمین بانکی باید تا سه ماه پس از صدور بوده و برای سه ماه دیگر نیز قابل تمدید باشد.
ب- فیش واریز وجه نقد معادل مبلغ ضمانت‌نامه به شماره حساب ۰۱۱۱۱۱۱۱۰۰۰۰۸ نزد بانک ملی
ج- مطالبات حال شده از شرکت فولاد هرمزگان جنوب با تأیید امور مالی شرکت فولاد هرمزگان جنوب
د) جدول زمانی انجام مناقصه:

آخرین مهلت خرید اسناد مناقصه	آخرین مهلت ارائه پاکات مناقصه	تاریخ گشایش پاکات الف و ب
۱۴۰۱/۰۶/۳۰	۱۴۰۱/۰۷/۱۸	۱۴۰۱/۰۷/۱۹

نکته۱: ملاک مهلت برای دریافت اسناد از مناقصه‌گزار، تاریخ فیش واریزی می‌باشد.
نکته۲: تاریخ بازگشایی پاکات ج متعاقبا اعلام خواهد شد.
نکته۳: هزینه آگهی با برنده مناقصه می‌باشد.
۳- مناقصه‌گران ملزم به ارائه گواهی صلاحیت ایمنی از سازمان تعاون، کار و رفاه اجتماعی می‌باشند.
متقاضیان برای آگاهی بیشتر به سایت www.hosco.ir مراجعه و یا با شماره ۳۳۵۳۰۰۰۱-۰۷۶ داخلی ۸۹۳۹ (مهدی‌زاده- امور قراردادها) تماس حاصل فرمایند.
روابط عمومی شرکت فولاد هرمزگان جنوب

شرکت صنایع و معادن گل گهر

آگهی مناقصه عمومی شماره ۱۴۰۱/۳۵/ع

شرکت معدنی و صنعتی گل گهر (سهامی عام) در نظر دارد پروژه "تامین برق دائم نوار نقاله انتقال گندله به مجتمع جهان فولاد از دو محل (پست پرورش و پست جنبی جهان فولاد)" خود را به صورت EPC از طریق برگزاری مناقصه عمومی به پیمانکار واجد شرایط و دارای گواهینامه صلاحیت پیمانکاری با رتبه حداقل ۴ در رشته نیروو از سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور واگذار نماید. لذا متقاضیان می‌توانند جهت اخذ اسناد مناقصه به وبسایت این شرکت به نشانی WWW.GEG.IR بخش مناقصه و مزایده مراجعه و اسناد مذکور را به همراه فرم پرسشنامه ارزیابی تأمین‌کنندگان دانلود نمایند. آخرین مهلت تحویل پاکات ساعت ۱۴ روز شنبه مورخ ۱۴۰۱/۰۷/۰۹ در محل دفتر کمیسیون معاملات مجتمع و یا دبیرخانه دفتر مرکزی تهران می‌باشد. بازدید از محل اجرای موضوع مناقصه و حضور در جلسه پرسش و پاسخ روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۱/۰۶/۲۸ مقرر شده است. شایان ذکر است فرمت ضمانت‌نامه‌های مورد تهیه می بایست عیناً مطابق با فرمت ارائه شده در اسناد مناقصه باشد. شرکت معدنی و صنعتی گل گهر در قبول یا رد هر یک از پیشنهادات بدون نیاز به ذکر دلیل و بدون جبران خسارت مختار می‌باشد.

کمیسیون معاملات شرکت معدنی و صنعتی گل گهر

شرکت صنایع و معادن گل گهر

آگهی مناقصه عمومی شماره ۱۴۰۱/۳۴/ع

شرکت معدنی و صنعتی گل گهر (سهامی عام) در نظر دارد "ارائه خدمات مشاوره طراحی اولیه، تهیه و تدوین اسناد مناقصه و ارزیابی پیشنهادات مناقصه‌گران جهت انتخاب پیمانکار EPC کارخانه فیلتراسیون و آبگیری باطله کارخانه هماتیت" مجتمع خود را از طریق برگزاری مناقصه عمومی به شرکت مهندسین مشاور واجد شرایط و دارای گواهی‌نامه صلاحیت ارائه خدمات مشاوره و رتبه مجاز در رشته تاسیسات آب و فاضلاب با گرید یک یا رشته صنایع فلزات اساسی با گرید حداقل دو یا رشته کانه‌آرایی و فرآوری مواد با گرید حداقل دو از سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور واگذار نماید. لذا متقاضیان می‌توانند جهت اخذ اسناد مناقصه به وبسایت این شرکت به نشانی WWW.GEG.IR بخش مناقصه و مزایده مراجعه و اسناد مذکور را به همراه فرم پرسشنامه ارزیابی تأمین‌کنندگان دانلود نمایند. آخرین مهلت تحویل پاکات ساعت ۱۴ روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۱/۰۷/۱۰ در محل دفتر کمیسیون معاملات مجتمع و یا دبیرخانه دفتر مرکزی تهران می‌باشد. بازدید از محل اجرای موضوع مناقصه و حضور در جلسه پرسش و پاسخ روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۱/۰۶/۲۸ مقرر شده است و حضور در آن الزامی می‌باشد. شایان ذکر است فرمت ضمانت‌نامه‌های مورد تهیه می‌بایست عیناً مطابق با فرمت ارائه شده در اسناد مناقصه باشد. شرکت معدنی و صنعتی گل گهر در قبول یا رد هر یک از پیشنهادات بدون نیاز به ذکر دلیل و بدون جبران خسارت مختار می‌باشد.

کمیسیون معاملات شرکت معدنی و صنعتی گل گهر

گفت‌وگو

در گفت‌وگو با عضو هیات‌مدیره کانون عالی شوراهای اسلامی کار کشور مطرح شد

کارگران موقت، مطلوب سرمایه‌داری

بنا به اظهارات یکی از اعضای هیات‌مدیره کانون عالی شوراهای اسلامی کار کشور، حدود ۹۵ درصد از قراردادهای شغلی، موقتی هستند. کافی است نگاهی به اطرافیان خود بیندازیم و از قراردادهای شغلی آنها جویا شویم تا متوجه رواج قراردادهای کوتاه‌مدت شغلی در کشور در طول دهه‌های اخیر شویم. روند بی‌ثبات‌سازی کار کارگران یا ترویج قراردادهای کوتاه‌مدت از دهه۷۰ و تحت‌تاثیر نفوذ صاحبان سرمایه در حاکمیت آغاز و هر سال بر شدت آن افزوده شد، تا جایی که در حال حاضر نبود امنیت شغلی به چالشی جدی و دائمی برای کارگران بدل شده است. صمت برای بررسی این موضوع،نظرات حسین حبیبی، عضو هیات‌مدیره کانون عالی شوراهای اسلامی کار را جویا شدیم. متن کامل این گفت‌وگو را در ادامه بخوانید.



عکس: صمت



در سال‌های اخیر شاهد کاهش امنیت شغلی کارگران بوده‌ایم و همزمان قراردادهای کاری نیز کوتاه‌مدت شده‌اند، روند رو به افت امنیت کارگران از چه دلایلی نشأت می‌گیرد؟

کاهش امنیت شغلی کارگران خواسته سرمایه‌داران است، چرا که سرمایه‌داران به‌دنبال کارگر ارزان و بی‌زبان هستند؛ کارگرانی که از ضوابط و شرایط کار بی‌اطلاع یا نسبت به آن بی‌تفاوت باشند و همچنین درخواستی برای بهبود شرایط کار نداشته باشند، مطلوب نظام سرمایه‌داری هستند. نوسان در قراردادهای کاری محرک اصلی برای تامین خواسته سرمایه‌داران و کارفرمایان است و در عمل امنیت شغلی کارگران را در سایه قرار می‌دهد.

آیا قانون کار از قابلیت کافی برای احقاق حقوق کارگران برخوردار است؟

قانون کار در سال ۱۳۶۹ توسط نمایندگان مجلس شورای اسلامی تصویب شد. بنیان‌گذار انقلاب حامی این قانون بود، با این وجود شاهد مخالفت‌های گسترده‌ای از سوی جناح سرمایه‌داری فعال در بدنه حکومت با تصویب این قانون بودیم. به‌رغم تلاش‌های گسترده سرمایه‌داران برای تصویب نشدن این قانون، شاهد تصویب آن در سال ۱۳۶۹ بودیم، البته در فرآیند تایید این قانون توسط شورای نگهبان نیز اختلافاتی شکل گرفت، تا جایی که در نهایت این قانون به‌ناچار به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارسال شد.

به‌اعتقاد فعالان کارگری، انتقاداتی به قانون کار تصویب‌شده مطرح است و ابهاماتی در آن وجود دارد، با این حال نقاط قوت فراوانی نیز در آن وجود دارد. در همان سال‌های نخست پس از تصویب نهایی قانون کار، بسیاری از جناح‌های سیاسی اقدام به مخالفت با آن کردند، گویی تمامی جناح‌های سیاسی در مخالفت با قانون کار، اتفاق‌نظر داشتند. سال ۱۳۷۲ بخشنامه ۳۵۷۲۳ توسط وزارت کار وقت صادر شد و در آن به استعلام تعدادی از شرکت‌های خصوصی که پرسیده بودند آیا قراردادهای موقت در صورت تمدید، دائمی تلقی می‌شود یا خیر، پاسخ داده شد که «این قراردادها در صورت تمدید، کماکان موقت هستند». به‌دنبال آن، اعتراضات و شکایاتی به دیوان عدالت شد که دیوان در سال ۱۳۷۵، دادنامه ۱۷۹ را صادر کرد. در این دادنامه، نظر وزارت کار در سال ۱۳۷۲ تایید شد. مستفاد از مفهوم مخالف تبصره ۲ ماده ۷ قانون کار، چنانچه قرارداد چندین بار تکرار شود، دال بر دائمی شدن آن نخواهد بود. گفتنی است، در تبصره ۲ ماده ۷ قانون کار چنین آمده است: «در کارهایی که طبع آنها جنبه مستمر دارد. در صورتی که مدتی در قرارداد ذکر نشود، قرارداد دائمی تلقی می‌شود». تبصره ۲ ماده ۷ ابهاماتی دارد و کارفرمایان یا سرمایه‌داران از این ابهام، سوءاستفاده کرده‌اند.

به‌فرض هم، قرارداد تاریخ اتمام داشته باشد، حال این سوال مطرح می‌شود که چه کسی می‌تواند تاریخ اتمام قرارداد را تعیین کند؟ آیا فقط کارفرما زمان پایان قرارداد را مشخص می‌کند یا اراده کارگر نیز در عقد قرارداد اهمیت دارد؟

به‌اعتقاد فعالان کارگری، کارگر باید در فرآیند عقد قرارداد، حاکمیت و اراده داشته باشد، یعنی مدت زمان عقد قرارداد را تعیین کند، اما متاسفانه در بخشنامه مطرح‌شده از سوی وزارت کار در سال ۱۳۷۲ و به‌دنبال آن، رای دیوان عدالت اداری، در عمل حاکمیت و اراده کارگران سلب شده است، در ادامه، شاهد افزایش تعداد قراردادهای موقت کاری بودیم، تا جایی که در حال حاضر حدود ۹۵ درصد قراردادهای کاری ما موقت هستند. در چنین شرایطی، امنیت شغلی کارگران به‌واسطه قراردادهای کوتاه‌مدت زیر سوال می‌رود.

چه موادی از قوانین کار در اجرا نادیده انگاشته می‌شود؟

توجه به این نکته ضروری به‌نظر می‌رسد که بسیاری از موضوعات مطرح‌شده در مواد قانون کار آمره هستند، با این وجود در اجرا نادیده گرفته می‌شوند. این تکلیف در حوزه‌های مختلفی همچون بیمه، حق ماموریت، مرخصی، حفاظت و... جریان دارد یا در ماده ۲۵ قانون کار تاکید شده که هیچ‌یک از طرفین نمی‌توانند به‌تنهایی قرارداد را فسخ کنند. در ماده ۲۷ قانون کار نیز تاکید می‌شود: «هرگاه کارگر در انجام وظائف محوله قصور ورزد و یا آیین‌نامه‌های انضباطی کارگاه را پس از تذکرات کتبی نقض نماید کارفرما حق دارد در صورت اعلام نظر مثبت شورای اسلامی کار علاوه بر مطالبات و حقوق معوقه به نسبت هر سال سابقه کار معادل یک ماه آخرین حقوق کارگر را به‌عنوان «حق سنوات» به وی پرداخته و قرارداد کار را فسخ کند».

مواد حمایتگرانه از کارگران متعدد هستند، اما با افزایش قراردادهای موقت، بسیاری از این مواد قانونی در اجرا نادیده گرفته می‌شوند.

تشکیل تشکل‌های کارگری چه تاثیری بر حفظ امنیت شغلی کارگران دارد؟

عقد قراردادهای موقت و کوتاه‌مدت، امنیت شغلی کارگران را تحت‌تاثیر منفی قرار می‌دهد، اما چالش‌های قراردادهای کوتاه‌مدت به همین جا ختم نمی‌شود و حتی به از دست رفتن امکانات تشکل‌یابی کارگران نیز منتهی می‌شود. کارگری قرارداد موقت چند ماهه یا حداکثر یک ساله دارد، به‌واسطه نداشتن مدت کار تاثیرگذار، نمی‌تواند داوطلب عضویت در تشکل کارگری شود یا اگر هم کاندیدا شود و رای بیاورد، با اتمام قرارداد کاری، در عمل کنار گذاشته می‌شود. طی ماه‌های اخیر دیوان عدالت اداری رای‌هایی را برای حفظ منافع کارگران صادر کرده است، از جمله آنکه با رای هیات عمومی دیوان عدالت اداری، کارگران شاغل در کارهای با ماهیت دائم برای دریافت بیمه بیکاری نیاز به ارائه نامه عدم‌نیاز از سوی کارفرما ندارند، در واقع دیوان عدالت اداری متوجه شده‌اند که چقدر تاکنون به جامعه کارگری خسارت تحمیل شده است، بر همین اساس نیز به‌دنبال اصلاح شرایط هستند.

در سال‌های گذشته شاهد فرآیند خصوصی‌سازی در بسیاری از صنایع بوده‌ایم. به‌نظر شما، فرآیند خصوصی‌سازی تاثیری بر از میان رفتن امنیت شغلی کارگران داشته است؟

در اصل ۴۴ قانون اساسی تاکید شده: «نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران برپایه سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی با برنامه‌ریزی منظم و صحیح استوار است. بخش دولتی شامل کلیه صنایع بزرگ، صنایع مادر، بازرگانی خارجی، معادن بزرگ، بانکداری، بیمه، تامین نیرو، سدها و شبکه‌های بزرگ آبرسانی، رادیو و تلویزیون، پست و تلگراف و تلفن، هواپیمایی، کشتیرانی، راه و راه‌آهن و مانند اینها است که به‌صورت مالکیت عمومی و در اختیار دولت است. بخش تعاونی شامل شرکت‌ها و موسسات تعاونی تولید و توزیع است که در شهر و روستا بر طبق ضوابط اسلامی تشکیل می‌شود. بخش خصوصی شامل آن قسمت از کشاورزی، دامداری، صنعت، تجارت و خدمات می‌شود که مکمل فعالیت‌های اقتصادی دولتی و تعاونی است. مالکیت در این سه بخش تا جایی که با اصول دیگر این فصل مطابق باشد و از محدوده قوانین اسلام خارج نشود و موجب رشد و توسعه اقتصادی کشور گردد و مایه زیان جامعه نشود مورد حمایت قانون جمهوری اسلامی است. تفصیل ضوابط و قلمرو و شرایط هر سه بخش را قانون معین می‌کند». بنابراین این اصل شامل ترغیب به خصوصی‌سازی نیست. حال اگر به هر علت درست یا غلطی شاهد گسترش فرآیند خصوصی‌سازی در کشور هستیم، این سوال مطرح می‌شود که آیا خصوصی‌سازی به‌درستی اجرایی شده است؟ بنا بر گزارش‌ها و شکایت‌هایی که از فرآیند خصوصی‌سازی در کشور منتشر شده، می‌توان این‌طور ادعا کرد که این اقدام به‌درستی اجرایی نشده و حتی زمینه‌ساز رانت و فساد هم بوده است. در همین حال، تاثیر خصوصی‌سازی بر از بین رفتن امنیت شغلی کارگران، روشن و مبرهن است، این سیاست حتی به از میان رفتن فرصت‌های شغلی در کشور هم منتهی شده است. براساس اصول خصوصی‌سازی انتظار می‌رود پس از آنکه یک واحد به بخش خصوصی واگذار شد، تا ۵ سال کارگران خود را تعدیل نکند، اما در بیشتر موارد پس از واگذاری یک صنعت به بخش خصوصی، به‌سرعت اقدام به تعدیل یا اخراج نیروی کار خود می‌کند، یعنی روند درست و سالمی بر این فضا حاکم نبوده و همین موضوع در عمل امنیت شغلی کارگران را تحت‌تاثیر منفی قرار داده است.

فصل جدید فعالیت شورای آهن و فولاد ایران آغاز شد

با برگزاری نشستی در انجمن تولیدکنندگان فولاد با حضور روسا و دبیران تشکل‌های صنفی ـ تخصصی زنجیره آهن و فولاد، شامل انجمن تولیدکنندگان فولاد ایران، انجمن سنگ‌آهن ایران و انجمن نوردکاران فولادی ایران، شورای آهن و فولاد ایران فصل جدید فعالیت خود را آغاز کرد. به‌گزارش چیلان، شورای آهن و فولاد ایران، یک شورای مشورتی است که هماهنگی بین زنجیره آهن و فولاد را برعهده دارد تا از این طریق صدای واحدی از این زنجیره در مسائل مختلف مربوط به سیاست‌گذاری و تنظیم بازار شنیده شود.

بنا به وعده مسئولان دولتی، این شورا یکی از مولفه‌های اصلی سیاست‌گذاری در زنجیره آهن و فولاد خواهد بود. گفتنی است، جلسات مقدماتی این شورا در سنوات گذشته بین انجمن تولیدکنندگان فولاد ایران و انجمن سنگ‌آهن ایران برگزار و در نشست امروز، انجمن نوردکاران فولادی ایران نیز به جمع اعضای این شورا اضافه و شورای آهن و فولاد ایران وارد فصل جدیدی از فعالیت خود شد.

جلسه هیات‌مدیره آزمایشگاه‌های زنجیره تولید فولاد و معادن کشور برگزار شد

ارتقای سطح کیفی روش‌های نمونه‌برداری

مدیر کنترل کیفی فولاد خوزستان هدف از برگزاری جلسه هیات‌مدیره آزمایشگاه‌های زنجیره تولید فولاد و معادن کشور را، تدوین و برنامه‌ریزی اهداف امسال نام برد.

به‌گزارش ایراسین، عبدالرضا جابری، مدیر کنترل کیفی فولاد خوزستان هدف از برگزاری جلسه هیات‌مدیره آزمایشگاه‌های زنجیره تولید فولاد و معادن کشور را تدوین و برنامه‌ریزی اهداف امسال نام برد و افزود: آزمایشگاه‌ها یکی از ارکان اصلی انجمن تولیدکنندگان فولاد ایران به‌شمار می‌آیند و با دارا بودن ۵۰آزمایشگاه در سراسر کشور، توانسته‌اند کمک شایانی به صنعت فولاد ارائه دهند.

وی گفت: این جلسه با حضور مدیران کنترل کیفی و آزمایشگاه‌های شرکت‌های فولادی و معدنی در دفتر مرکزی انجمن تولیدکنندگان فولاد کشور برگزار شد.

علاوه بر پایش فعالیت‌های سال گذشته، مواردی همچون برنامه‌های امسال، تصویب اساسنامه، استاندارد و آزمون‌های مصوب و پایش مستمر محصولات فولادی موردبحث و تبادل‌نظر قرار گرفت.

نایب‌رئیس انجمن آزمایشگاه‌های زنجیره فولاد کشور، ارتقای سطح کیفیت روش‌های نمونه‌برداری آنالیز مواد و محصولات را یکی از اهداف اصلی انجمن دانست و افزود: توانمندسازی آزمایشگاه‌ها برای گام نهادن در مسیر ایجاد آزمایشگاه‌های هوشمند، ایجاد هماهنگی و هم‌افزایی علمی و فنی در آزمایشگاه‌های زنجیره تولید فولاد، فراهم کردن بستر مناسب برای همکاری بین‌کارخانه‌ای، ملی و بین‌المللی با استفاده از ظرفیت‌های موجود در زنجیره تولید فولاد و مشارکت فنی در راستای بومی‌سازی تجهیزات آزمایشگاهی، دیگر اهداف انجمن را شامل می‌شوند.

جذب ۵ میلیارد دلار سرمایه بخش خصوصی برای توسعه منطقه ویژه خلیج‌فارس

منطقه ویژه خلیج‌فارس طی سال‌های اخیر، ۵ میلیارد دلار سرمایه بخش خصوصی را برای توسعه این منطقه ویژه جذب کرده است.



به‌گزارش روابط‌عمومی ایمیدرو به نقل از روابط‌عمومی منطقه ویژه اقتصادی خلیج‌فارس، حسن خلج طهرانی با بیان این مطلب گفت: اکنون، ۲۰ شرکت معتبر در حوزه فولاد، آلومینیوم، پتروشیمی و... ، در حال ساخت و نصب تجهیزات با هدف بهره‌برداری از طرح‌های مختلف هستند. وی ادامه داد: در صورت جذب سرمایه‌گذاری از سوی این شرکت‌ها و در نتیجه، بهره‌برداری از طرح‌های در حال اجرا، بیش از ۱۶ هزار فرصت شغلی جدید ایجاد می‌شود.

مدیرعامل منطقه ویژه اقتصادی صنایع معدنی و فلزی خلیج‌فارس، بااشاره به اینکه اشتغال بیش از ۱۳ هزار نفر در این منطقه ویژه، نشانگر توسعه صنعت و معدن در جنوب کشور است، خاطرنشان کرد: اکنون ۱۹ شرکت با سرمایه‌گذاری بیش از ۴.۵ میلیارد دلار در این منطقه فعال هستند که نقش بسزایی در ایجاد ارزش‌افزوده، جلوگیری از خام‌فروشی، تامین بازار داخلی و ایجاد رونق در صادرات برعهده دارند.

وی افزود: افزایش فرصت‌های شغلی، توسعه فناوری‌های مدرن حوزه تولید، همکاری بیشتر با شرکت‌های دانش‌بنیان، ارتقای بهره‌وری، بهبود کیفیت تولیدات و افزایش توان صادرات به‌منظور رقابت در بازارهای جهانی، از جمله اهداف ترسیم‌شده این منطقه اقتصادی در سال ۱۴۰۱ است.

خلج‌طهرانی بااشاره به امضای تفاهمنامه همکاری علمی، پژوهشی و فناوری با مراکز دانش‌بنیان و علمی کشور از جمله دانشگاه هرمزگان گفت: تقویت پیوند صنعت و دانشگاه، سبب ارتقای دوسویه خواهد شد و ما به‌دنبال نزدیکی بیشتر اهالی دانشگاه با محیط‌های صنعتی هستیم.



وی افزود: با ارتقای سطح تعاملات این منطقه ویژه اقتصادی با شرکت راه‌آهن هرمزگان، ظرفیت تخلیه و بارگیری ریلی در منطقه بهبود یافته است. همچنین، باتوجه به اهمیت آموزش مدیران در حوزه پدافند غیرعامل در شرایط امروز جهانی، این شرکت طی یک سال گذشته بر تقویت این حوزه نیز تمرکز کرد.





تلاش نظام سرمایه‌داری برای استثمار نیروی کار



شغل کاذب چاره‌بیچارگی این روزها



سهم پوچ کارگران از اشتغال و مسکن

سامانه کاریابی پلی برای ورود به بازار کار

در سال‌های اخیر افزایش تقاضای روزافزون برای ورود به بازار کار و عدم تعادل‌های موجود بین عرضه و تقاضای نیروی کار، تبدیل به یکی از معضلات اقتصادی برای کشور شده است. استفاده و بهره‌گیری از برنامه‌ها و سیاست‌های مناسب برای برون‌رفت از وضعیت موجود، از اهداف کلان و ماموریت‌های محوری دولت سیزدهم معرفی شده و در این میان وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در قالب طرح ملی «زیست‌بوم اشتغال» کشور تلاش دارد با بکارگیری تمامی توانمندی‌ها و ظرفیت‌های موجود، زمینه تحقق اهداف دولت در حوزه اشتغال و ایجاد سالانه یک میلیون شغل را فراهم کند. یکی از سیاست‌های اساسی برای دستیابی به اهداف حوزه اشتغال، استفاده از امکانات و توانمندی‌های بخش غیردولتی در این حوزه بوده که دفاتر مشاوره شغلی و کاریابی‌های غیردولتی به‌عنوان بازوان اجرایی در حوزه اشتغال و بازار کار، می‌توانند نقش بسزایی در این زمینه ایفا کنند. صمت در این گزارش به بررسی فعالیت‌های نهادهای دولتی در راستای اشتغالزایی و تحقق اهداف حوزه کار پرداخته است.



عکس: صمت

فعالیت هزار دفتر مشاوره شغلی در کشور

محمود کریمی بیرانوند، معاون توسعه کارآفرینی و اشتغال وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی درباره اقدامات این وزارتخانه برای افزایش اشتغالزایی گفت: یکی از سیاست‌های راهبردی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، بهره‌مندی از ظرفیت و توان بخش خصوصی (دفاتر کاریابی) در بازار کار است.

به گزارش ایرنا، وی تصریح کرد: برنامه توسعه و حمایت از مراکز کاریابی داخلی و خارجی و افزایش سهم اشتغال از طریق مراکز کاریابی غیردولتی در بازار کار کشور یکی از اولویت‌های کاری این وزارتخانه است. در حال حاضر نزدیک هزار دفتر مشاوره شغلی و کاریابی غیردولتی در سراسر کشور فعال هستند و در راستای ارائه خدمات به جویندگان کار و متقاضیان نیروی کار فعالیت می‌کنند. اقدامات اساسی مهمی با هدف تقویت جایگاه دفاتر مشاوره شغلی و کاریابی‌های غیردولتی انجام شده که راه‌اندازی هیات‌های اندیشه‌ورزی به‌منظور تحول در حوزه منابع انسانی و کاریابی‌ها، هوشمندسازی فرآیندهای کاریابی از طریق تکمیل و توسعه سامانه‌های مرتبط با فعالیت کاریابی‌ها و... از جمله این اقدامات محسوب می‌شوند.

تلاش برای تسهیل صدور مجوزها

کریمی بیرانوند در ادامه گفت: در راستای تسهیل در صدور مجوزهای کسب‌وکار، براساس هماهنگی‌های به‌عمل‌آمده با مراجع ذی‌صلاح، مدت‌زمان صدور مجوز دفاتر کاریابی داخلی ۷ روز کاری تعیین و برای اجرا به ادارات کل اجرایی استان‌ها ابلاغ شد.

براساس این ابلاغیه، در صورت داشتن شرایط و ثبت درخواست در سامانه توسط متقاضی یا ارائه دستی مدارک به اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان مربوط، عدم رسیدگی به درخواست متقاضی ظرف مدت ۷ روز کاری، به‌معنای تایید تلقی می‌شود و متقاضی مجاز به فعالیت در حوزه کاریابی داخلی خواهد بود.

وی ادامه داد: همچنین براساس تبصره ۴ ماده یک قانون تسهیل صدور مجوزهای کسب‌وکار، مصوب ۲۴ اسفند سال ۱۴۰۰ مجلس شورای اسلامی، شاخص‌های تعیین‌شده برای راه‌اندازی دفاتر کاریابی داخلی مندرج در دستورالعمل تعیین شاخص‌های ظرفیت ایجاد کاریابی غیردولتی داخلی و نیز شرط رعایت تعداد کاریابی و فاصله میان کاریابی‌ها، به لحاظ مغایرت با قانون اشاره‌شده، ملاک عمل نیست. علاوه بر آن، براساس هماهنگی‌های به‌عمل‌آمده، در راستای اجرای قانون بهبود فضای کسب‌وکار و تسهیل و تسریع در ارائه خدمات، ایجاد شفافیت و کاهش فساد در فرآیند خدمت‌رسانی، به‌موازات و همزمان با ثبت درخواست متقاضی در سامانه «ثبت درخواست و صدور مجوز کاریابی داخلی»، فرآیند تعیین صلاحیت فردی متقاضی آغاز می‌شود و چنانچه نتیجه استعلام صلاحیت فردی متقاضی اعلام و مدیر کاریابی فاقد صلاحیت شناخته شود، مجوز صادره از اعتبار ساقط و فعالیت کاریابی متوقف می‌شود. مراتب مذکور طی نامه‌ای به تمامی ادارات کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان‌ها برای اجرا ابلاغ شده است.

راهکارهای رفع موانع و مشکلات دفاتر کاریابی

معاون توسعه کارآفرینی و اشتغال وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی درباره استفاده از ظرفیت سازمان‌ها و نهادهای مردمی در حوزه کاریابی گفت: در سال‌های اخیر کاریابی‌ها به‌دلیل مشکلات و مسائل مبتلابه نتوانستند پاسخگوی نیاز بازار کار باشند و اتصال عرضه و تقاضا در کشور را به‌درستی انجام دهند. وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی با هدف برقراری موثر ارتباط بین عرضه و تقاضای کار کشور تلاش دارد مشکل یادشده را مرتفع کند. کریمی بیرانوند درباره راهکارهای رفع موانع و مشکلات دفاتر کاریابی گفت: توسعه کمی کاریابی‌ها در کنار کیفی‌سازی خدمات و عملکرد دفاتر کاریابی به‌صورت توأمان می‌تواند اثربخش باشد. باید در نظر داشت توسعه کیفی نیازمند ایجاد تغییر در متغیرهای مبنایی در بازار کار است که قوانین و مقررات، ساختار و فرآیندهای فعالیت و درآمدزایی از جمله این متغیرها به‌شمار می‌روند. به‌همین منظور اصلاحیه آیین‌نامه اجرایی کاریابی‌های غیردولتی که با هدف ایجاد تحول در ساختار دفاتر کاریابی تدوین شده، برای تصویب به هیات دولت ارائه شده است. پیگیری‌های لازم ازسوی کمیسیون مدیریت امور عمومی و سرمایه انسانی هیات دولت پیرامون تسریع در بررسی طرح «پیش‌نویس اصلاحیه آیین‌نامه اجرایی قانون مجازات اشتغال به حرفه کاریابی بدون داشتن پروانه کار» انجام شده است. وی ادامه داد: انتظار می‌رود به‌زودی با تصویب آیین‌نامه اجرایی و تهیه و تدوین دستورالعمل‌های موثر، مسائل و مشکلات مبتلابه کاریابی‌ها کاهش یابد و مقدمات ارتقای جایگاه این‌گونه دفاتر در بازار کار فراهم شود.

راه‌اندازی سامانه جست‌وجوی شغل

کریمی بیرانوند درباره استفاده از فناوری‌های نوین در حوزه کاریابی، گفت: فناوری‌های نوین ارتباطی و اطلاعاتی، امکان مهندسی مجدد و بازطراحی وظایف و ماموریت‌های سازمان‌ها را فراهم می‌کند. در همین راستا در چهارمین جلسه شورای سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی تحول راهبردی، موضوع الکترونیکی شدن خدمات جدید و کاهش حضور فیزیکی ذی‌نفعان در راستای تحقق کامل دولت الکترونیک در دستور کار قرار گرفت. باتوجه به افزایش انتظارات افراد در زمینه کیفیت و کمیت خدمات اشتغال و کاریابی، ضرورت استفاده از وب‌سرویس‌ها در ارائه خدمات اشتغال بیش از پیش نمایان شد. در این راستا سامانه جست‌وجوی شغل به نشانی http://shoghl.mcls.gov.ir طراحی و در دی ۱۴۰۰ راه‌اندازی شد.

وی ادامه داد: این سامانه به‌نحوی طراحی شده که کارجویان می‌توانند به‌طور مستقل وارد سامانه شوند و ثبت‌نام کنند.

در ادامه متقاضیان شغل پس از تکمیل رزومه خود فرصت‌های شغلی موردعلاقه و مرتبط با خود را جست‌وجو و در صورت نیاز درخواست استخدام خود را در سامانه ثبت می‌کنند.

کارفرمایان نیز می‌توانند پس از ثبت‌نام و تکمیل اطلاعات شغلی‌شان، نیازمندی‌های مربوط به نیروی انسانی خود را در سامانه ثبت کنند تا پس از بررسی و تایید کاریابی‌ها در سامانه منتشر شود. در صورت نیاز کارفرما می‌تواند از میان رزومه‌های موجود در سامانه جست‌وجو و درخواست به‌کارگماری کارجو را در سیستم ثبت کند تا باقی مراحل توسط کاریابی انجام شود.



سخن پایانی

کاریابی‌ها همواره یکی از ابزارهای مهم شناخت و تنظیم بازار کار به‌شمار می‌آیند و به‌عنوان حلقه واسط بین عرضه و تقاضای نیروی کار ایفای نقش می‌کنند و در کاهش نرخ بیکاری سهمی بسزا دارند و با اطلاعاتی که درباره وضعیت عرضه و تقاضای بازار کار ارائه می‌دهند، سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی در زمینه بازار کار را بهبود می‌بخشند. این دفاتر براساس ماده ۱۹ آیین‌نامه اجرایی کاریابی‌های غیردولتی، وظایفی چون انجام فرآیند راهنمایی و مشاوره شغلی به جویندگان کار، کسب فرصت‌های شغلی از کارفرمایان، اشتغال کارجویان و شناخت بازار کار داخلی را برعهده دارند. کاریابی‌ها با هدایت افراد به‌سوی رشته تحصیلی و شغلی مناسب و موردنیاز، می‌توانند در افزایش بهره‌وری نیروی کار سهم عمده‌ای داشته باشند.

آگهی فقدان سند مالکیت

نظر به اینکه خانم حمیده رحیمی بعنوان مالک با تسلیم دو برگ استشهادیه محلی مصدق‌شده طی‌شناسه یکتا به‌شماره ۱۴۰۱۰۲۱۵۲۷۴۰۰۰۰۶۸۴ و رمز تصدیق به‌شماره ۱۹۵۶۷۹ مورخ ۱۴۰۱/۰۵/۳۱ توسط دفترخانه اسناد رسمی‌شماره ۱۶۴۸ حوزه ثبتی تهران و برگ تقاضا به‌شماره وارده ۱۰۷۸۰۱۹۶۵۸ مورخ ۱۴۰۱/۰۶/۰۸ مدعی فقدان‌سند مالکیت‌ششدانگ یک دستگاه آپارتمان مسکونی واقع در طبقه اول بمساحت ۷۲/۵۰ مترمربع که مقدار ۱/۲۵ متر مربع آن بصورت بالکن می باشد قطعه دوم تفکیکی به پلاک ثبتی ۳۶۰۹۱ فرعی از ۳ اصلی مفروز و مجزی‌شده از پلاک ۱۸۹۲۲ فرعی از اصلی به انضمام پارکینگ‌شماره ۲ به مساحت ۱۲/۵ متر مربع زیرزمین مذکور واقع در بخش ۱۲ تهران با قدر السهم از عرصه وسایر مشاعات و مشترکات طبق قانون تملک آپارتمانها و آئین نامه اجرائی آن که بنام حمیده رحیمی برابر شماره چاپی ۵۳۱۹۶۰ ثبت و ذیل صفحه ۴۹۲ دفتر ۱۸۷۱ به‌شماره ثبت ۴۹۶۱۶۹ صادر گردیده است و نامبرده با اعلام مفقودی به علت اسباب کشی درخواست المثنی‌سند مالکیت پلاک موصوف را نموده است . لذا مراتب در اجرای ماده ۱۲۰ آئین نامه قانون ثبت فقط در یک نوبت در یک روزنامه کثیرالانتشار آگهی میشود تا چنانچه کسی ادعای انجام معامله نسبت به ملک مذکور و یا وجود اصل‌سند مالکیت نزد خود را داشته باشد از تاریخ انتشار این آگهی ظرف مهلت ۱۰ روز اعتراض خود را به انضمام اصل سند مالکیت به این منطقه ارائه نماید تا مورد رسیدگی قرار گیرد بدیهی است اصل‌سند مالکیت پس از رویت و ملاحظه به ارائه دهنده اعاده خواهد شد لیکن به اعتراض بدون ارائه اصل‌سند مالکیت ترتیب اثر داده نمی‌شود . در صورت عدم وصول واخواهی ظرف مهلت مقرر قانونی المثنی‌سند مالکیت پلاک مرقوم صادر و به متقاضی تسلیم خواهد گردید (شناسه آگهی : ۱۳۷۷۲۹۵)

خداداد بشیری - سرپرست واحد ثبتی حوزه ثبت ملک یافت آباد تهران

۱۲۷۷۲/م الف

فقدان سند مالکیت

آقای علی کیارستمی فرزند مهدی با تسلیم دو برگ استشهادیه مصدق‌شده دفترخانه ۱۳ بومهن اعلام سند مالکیت ششدانگ یک باب خانه به مساحت ۱۱۲/۵۸ مترمربع تحت پلاک ۴۷۵۱ فرعی مفروز و مجزی‌شده از ۲۰۵۴ فرعی ۲۰ اصلی واقع در میگون رودبارقصران بخش یازده تهران ذیل ثبت ۳۰۵۵۲ صفحه ۱۳۱ دفتر جلد ۵۴۷ با شماره چاپی ۳۹۷۳۵۵ به نام برات محمد فریدونی فاروجی فرزند عباسعلی ثبت و صادر و تسلیم گردید سپس تمامی‌ششدانگ برابرسند قطعی ۶۸۸۱۳ مورخ ۱۳۸۶/۱۱/۲۹ دفترخانه ۲۷۷ تهران به علی کیارستمی فرزند مهدی واگذار گردید و برابرسند رهنی ۶۸۸۱۴ مورخ ۱۳۸۶/۱۱/۲۹ دفترخانه ۲۷۷ تهران در رهن بانک صادرات ایران در قبال مبلغ ۳۰۹۷۵۸۴۷۵ ریال میباشد، که مالک تقاضای صدورسند مالکیت المثنی را نموده اند اعلام که‌سند بعلت سرقت مفقود گردیده است لذا مراتب به استناد ماده ۱۲۰ آیین نامه قانون ثبت در یک نوبت آگهی می‌شود تا چنانچه کسی مدعی انجام معامله نسبت به ملک مذکور باشد از تاریخ نشر این آگهی ظرف مدت ۱۰ روز اعتراض خود را ضمن ارائه اصل‌سند مالکیت یا سند معامله تسلیم و رسید دریافت نمایید و پس از انقضای مهلت مزبور و نرسیدن واخواهی نسبت به صدورسند مالکیت المثنی طبق مقررات اقدام خواهد شد (شناسه آگهی : ۱۳۷۷۲۹۶)

مهرداد روستائی- سرپرست واحد ثبتی حوزه ثبت ملک قشم

۱۲۷۷۳/م الف

آگهی فقدان سند مالکیت

خانم /اقای یحیی‌سوفری اصالتا طی وارده‌شماره ۱۰۴۵۰۱۱۳۱۱ مورخ ۱۴۰۱/۰۴/۶ با تسلیم استشهادیه گواهی امضا به‌شماره ۲۰۱۳۷ مورخ ۱۴۰۱/۰۱/۳۱ دفترخانه ۳۴۸ تهران تقاضای صدورسند مالکیت المثنی نموده و مدعی است‌سند مالکیت‌ششدانگ یک قطعه زمین نوع ملک طلق با کاربری به پلاک ثبتی ۱۳۰ فرعی از ۱۶۰۳ اصلی ، مفروز و مجزا شده از ۵ فرعی از اصلی مذکور ، واقع در بخش ۱۰ ناحیه ۰۰ حوزه ثبت ملک رودکی تهران به مساحت ۱۳۵ متر مربع به‌شماره ثبت ۲۲۳۴۱ صفحه ۵۱۷ دفتر جلد ۱۶۸ به‌شماره چاپی ۱۲۶۳۳۰ بنام افلاک کلیمی آشور ثبت و صادر و تسلیم گردیده است‌سپس مع الواسطه برابرسند قطعی به‌شماره ۶۳۹۹۶ مورخه ۷۱/۰۳/۲۰ به اقای یحیی‌سوفری منتقل گردیده است به علت اسباب کشی مفقود گردیده لذا مراتب در اجرای تبصره یک ماده ۱۲۰ آیین نامه قانون ثبت در یک نوبت آگهی می گردد تا چنانچه کسی مدعی انجام معامله نسبت به آن و یا وجودسند مالکیت مذبور نزد خود باشد از تاریخ انتشار این آگهی ظرف مدت ده روز اعتراض خود را ضمن ارائه اصل‌سند مالکیت یا سند معامله به این اداره تسلیم نماید تا مورد رسیدگی قرار گیرد بدیهی است چنانچه در مهلت مقرر اعتراضي واصل نگردد المثنی‌سند مالکیت مرقوم صادر و به متقاضی تسلیم می گردد. محدودیت: محدودیت دفتر املاک : اجاره‌شماره ۳۲۲۸ مورخ ۱۳۸۷/۰۹/۲۱ دفترخانه اسناد رسمی‌شماره ۷۹۵ شهر تهران استان تهران که بنفع نصرت کلیمه ذکریای کلیمی ثبت‌شده‌شماره ۳۲۰۸ مورخ ۱۳۸۷/۰۹/۰۵ دفترخانه اسناد رسمی‌شماره ۷۹۵ شهر تهران استان تهران که به نفع لعا سوفری ثبت شده (شناسه آگهی : ۱۳۷۷۳۰۲)

سید هادی جلالی امام- سرپرست واحد ثبتی حوزه ثبت ملک رودکی تهران

۱۲۷۷۵/م الف

آگهی تسلیم سند مالکیت موضوع پلاک ثبتی ۱۸۲۵/۴۹۵ به شماره چاپی ۵۰۴۷۶۱

سند مالکیت‌ششدانگ یک دستگاه آپارتمان تحت پلاک ۱۸۲۵/۴۹۵ مفروز و مجزی شده از پلاک ۱۲۴ فرعی از اصلی مذکور قطعه یک تفکیکی بمساحت ۲۷۰/۲۹ مترمربع واقع در بخش ۱۱ تهران ذیل ثبت ۳۷۶۵۵۵ صفحه ۹۴ دفتر ۱۵۸۱ به چاپی ۵۰۴۷۶۱ بنام وجیه اله اقایقی ثبت و صادر و تسلیم گردیده است و سپس برابر سند ۹۵۶۵۴ – ۸۳/۷/۹ دفترخانه ۱۴۹ تهران به خانم شهره رضوان و آقای امیر حاتمی فردی بالسویه انتقال قطعی یافته است. اکنون اقای امیر حاتمی فردی درخواست سهمی خود را نموده است، حسب اعلام ایشان، اصل سند مالکیت در اختیار خانم شهره رضوان می باشد نظر به اینکه علیرغم اخطار به مشارالیهای اخیر، سند مالکیت پلاک مورد نظر را به این اداره تسلیم ننموده ، مراتب در اجرای تبصره ۳ ذیل ماده ۱۲۰ آیین نامه اصلاحی قانون ثبت آگهی می گردد تا دارنده سند مالکیت از تاریخ انتشار این آگهی ظرف ده روز سند مذکور را تسلیم و یا مجوز قانونی نگهداری آنرا ضمن اعتراض خود به این اداره اعلام نماید . بدیهی است در صورت انقضاء مهلت مقرر و عدم وصول اعتراض موجه یا عدم ارائه سند مورد نظر ، سند مالکیت ورثه مطابق مقررات قانونی صادر و تسلیم خواهد شد (شناسه آگهی : ۱۳۷۷۳۰۸)

مهدی شعبانی - رئیس واحد ثبتی حوزه ثبت ملک قلهک تهران

۱۲۷۷۶/م الف

آگهی فقدان سند مالکیت

آقای محمدرضا آریامند با تسلیم استشهادیه مصدق ذیل ۳۷۹۴۰ ـ ۱۴۰۱/۴/۱ دفترخانه ۱۶۰ تهران اعلام نموده است‌سند مالکیت سه دانگ مشاع از ششدانگ پلاک ثبتی ۱۹۸۸۹ فرعی از ۴۸ اصلی واقع در بخش ۱۱ تهران بعلت جابجایی مفقود گردیده و طی درخواست وارده بشماره ۱۴۰۱۸۵۶۰۱۱۵۱۰۰۶۸۸۱ ـ ۱۴۰۱/۴/۶ تقاضای صدور المثنی سند مالکیت پلاک مذکور را نموده است. مشخصات مورد ثبت: سند مالکیت سه دانگ مشاع از ششدانگ یکدستگاه آپارتمان واقع در جنوب غربی طبقه دوم بمساحت ۶۵/۱۰ مترمربع قطعه ۱۰ تفکیکی‌شماره ۱۹۸۸۹ فرعی از ۴۸ اصلی مفروز و مجزی شده از پلاک ۱۲۸ فرعی از اصلی مذکور واقع در بخش ۱۱ تهران و باانضمام قدرالسهم از یک واحد پارکینگ بمساحت ۱۱ مترمربع قطعه ۶ تفکیکی واقع در زیرزمین و به انضمام قدرالسهم از یک باب انباری بمساحت ۳/۱۷ مترمربع قطعه ۱۰ تفکیکی واقع در همکف ذیل ثبت ۳۷۶۸۲۵ صفحه ۱۲۷ دفتر ۱۵۳۱ بنام‌سعید آقا محسنی ثبت و بشماره چاپی ۰۰۸۱۵۴ صادرشده است . سپس پلاک مزبور بموجب‌سند ۸۳۲۷۰ ـ ۸۲/۵/۲۸ دفترخانه ۲۵۵ تهران در رهن قرار گرفته است‌سپس مورد ثبت بموجب سند صلح حقوق ۹۶۴۳۰ ـ ۸۷/۹/۲۶ دفتر ۳۵۵ به آقای محمد رضا قربانی (تغییر نام خانوادگی به آریا مند) با حفظ حقوق سند رهنی ۸۳۲۷۰ دفترخانه ۲۵۵ تهران منتقل گردیده است . لذا در اجرای ماده ۱۲۰ آئین نامه اصلاحی قانون ثبت (مصوب ۸۰/۱۱/۸) مراتب در یک نوبت آگهی میشود تا چنانچه‌شخص یا اشخاص مدعی انجام معامله نسبت به ملک مرقوم یا وجودسند مالکیت نزد خود میباشد ظرف مدت ۱۰ روز پس از انتشار این آگهی اعتراض خود را ضمن ارائه اصل سند مالکیت یا سند معامله به این منطقه واقع در تهران بزرگراه شهید باقری پشت مجتمع قضایی‌شهید باهنر خیابان‌شهید نوروزیان اداره ثبت اسناد و املاک منطقه لویزان تسلیم و رسید اخذ نمایند بدیهی است در صورت انقضاء مهلت مقرر و عدم وصول اعتراض و یا در صورت اعتراض و عدم ارائه اصل سند مالکیت یا سند معامله طبق مقررات المثنی سند مالکیت صادر و تسلیم خواهد شد(شناسه آگهی : ۱۳۷۷۳۲۵)

علیرضا صالحي فشمي- سرپرست واحد ثبتي حوزه ثبت ملک لویزان تهران

۱۲۷۷۸/م الف

آگهی فقدان سند مالکیت

خانم سونا ابوالحسن بیگی وکالتا از طرف خانم طیبه داستان مورث مرحوم محسن احمدوند باستناد وکالتنامه‌شماره ۴۵۶۷۶ مورخ ۱۴۰۱/۰۳/۰۸ دفترخانه ۱۴۶۱ تهران با اعلام مفقودی‌سند مالکیت ملک مورد آگهی با تسلیم استشهادیه گواهی امضاء شده ذیل‌شماره ۲۱۵۶۱ مورخ ۱۴۰۰/۱۱/۲۵ دفترخانه ۱۳۶۰ تهران طی درخواست وارده ۳۱۷۰۲ مورخ ۱۴۰۰/۱۲/۰۸ تقاضای صدور المثنی‌سند مالکیت را نموده اند که مراتب در اجرای ماده ۱۲۰ آیین نامه قانون ثبت به‌شرح زیر آگهی می گردد: ۱ـ نام و نام خانوادگی مالک: طیبه داستان (ورثه محسن احمدوند) ۲ـ شماره پلاک: ۱۹۳۰۰ فرعی از ۴۷۳۰ اصلی واقع در بخش ۶ تهران ۳ـ علت مفقودی: بی اطلاعی از محل‌سند بدلیل فوت مورث ۴ـ خلاصه وضعیت مالکیت: سند مالکیت‌شش دانگ آپارتمان مسکونی بشماره ۱۹۳۰۰ فرعی از ۴۷۳۰ اصلی قطعه ۴ تفکیکی مفروز و مجزی‌شده از‌شماره ۹۰۷۱ فرعی از اصلی مذکور ، به مساحت ۶۱/۹۳ متر مربع ، واقع در طبقه چهار که مقدار ۱/۹۵ مترمربع آن بالکن است بانضمام پارکینگ مسکونی قطعه یک تفکیکی بمساحت ۱۱ مترمربع واقع درسمت غربی طبقه همکف ذیل ثبت ۱۳۹۵۲۰۳۰۱۰۰۴۲۰۰۱۷۳۶ املاک بشماره چاپی ۲۵۰۸۵۷ ب ۹۴ بنام علی‌شکرخدا ثبت و صادر گردیده است‌سپس‌ششدانگ مورد ثبت بموجب‌سند قطعی‌شماره ۹۴۴۶ مورخ ۱۳۹۵/۰۵/۰۷ دفترخانه ۱۶۲۰ تهران به محسن احمدوند انتقال یافته و نامبرده طبق گواهی حصر وراثت‌شماره ۱۴۰۰۹۱۳۹۰۰۰۲۰۳۷۷۷۳ مورخ ۱۴۰۰/۰۲/۲۷ شعبه ۶۶ شورای حل اختلاف منطقه ۲ تهران فوت نموده که تنها ورثه وی خانم طیبه داستان (مادر متوفی) میباشد پلاک فوق با عنایت به گواهی دفتر املاک و دفتر بازداشتی در قید رهن و بازداشت نمی باشد. لذا با توجه به اعلام فقدان‌سند مالکیت ملک فوق الذکر و درخواست صدور المثنی آن مراتب اعلام تا هر کس نسبت به ملک مورد آگهی معامله کرده که در قسمت چهارم این آگهی ذکر نشده یا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود می باشد باید تا ده روز پس از انتشار آگهی به ثبت محل مراجعه و اعتراض خود را ضمن ارایه اصل‌سند مالکیت یا سند معامله تسلیم نماید و اگر ظرف مهلت مقرر اعتراض نرسد و یا در صورت اعتراض اصل‌سند مالکیت یا سند معامله ارایه نشود اداره ثبت المثنی‌سند مالکیت را طبق مقررات صادر و به متقاضی تسلیم خواهد کرد. نشانی ثبت محل : خیابان‌شیخ هادی نرسیده به خیابان جمهوری نبش کوچه رجب بیگی پلاک ۳۶۶ اداره ثبت اسناد و املاک مولوی (شناسه آگهی : ۱۳۷۷۲۹۸)

الیاس صهبا - رئیس واحد ثبتی حوزه ثبت ملک مولوی تهران

۱۲۷۷۴/م الف

چشم‌انداز

فرصت‌های کاریابی برای کارجویان

یافتن فرصت‌های شغلی و اتصال به جایگاه‌های شغلی معتبر و مناسب، یکی از دغدغه‌های جدی کارجویان در تمامی کشورها به‌شمار می‌رود. طی سال‌های اخیر کسب‌وکارهای مختلفی برای پر کردن این خلأ راه افتاده و نمونه‌های موفق زیادی در این زمینه مثال‌زدنی است. به‌گزارش resources workable، سایت‌های کاریابی که در دهه‌های گذشته بیشتر به‌عنوان شرکت‌های کاریابی شناخته می‌شدند، امروزه بسیاری از افراد جویای شغل را به کارفرمایان متصل می‌کنند. تا پیش از این، شرکت‌های کاریابی با در اختیار گرفتن رزومه افراد جویای کار، آنها را برای موقعیت‌های شغلی در دسترس معرفی می‌کردند، هرچند این شرکت‌ها در کشورهای مختلف هنوز وجود دارند و با شیوه‌های سنتی پیشین و قدرت قبل، فعالیت می‌کنند. شرکت‌های کاریابی در ازای اخذ کردن مبلغی از قرارداد نهایی یا حتی نرخی معین و از پیش تعیین شده، افراد را به جایگاه‌های شغلی خالی پیشنهاد می‌دهند. این پیشنهادها، براساس بررسی‌های تخصصی از توانایی و ویژگی کارجویان بوده و برای آنها مهم است که سرانجام پیشنهادات شغلی آنها به چه نتیجه‌ای ختم خواهد شد. بسیاری از این شرکت‌ها به‌ویژه شرکت‌هایی که در کشورهای اروپایی مانند آلمان یا ایالات‌متحده مشغول فعالیت هستند، اعتبار زیادی از معرفی کردن افراد به جایگاه‌های شغلی مناسب کسب کرده‌اند. حق‌الزحمه این شرکت‌های معروف بالا است و شاید برای برخی افراد، پرداخت این مبالغ به‌صرفه نباشد. اگر فردی برای جایگاهی شغلی معرفی و در ادامه، ناتوانی او برای انجام وظایف شغلی یا دیگر مشکلات این چنینی مشخص شود، شرکت‌های کاریابی دیگر هم با این افراد همکاری نخواهند داشت؛ این چارچوب نشان از اهمیت اعتبار شرکت‌های کاریابی است، اما همواره شرکت‌هایی در این میان به سوءاستفاده از نیاز کارجویان پرداخته و با دریافت مبالغی کلان، کلاهبرداری می‌کنند. این دسته از تقلب‌ها و تخلف‌ها سبب شد تا در بسیاری از کشورها بساط شرکت‌های کاریابی جمع شود و کارفرمایان با کارجویان ارتباط مستقیم بیشتری داشته باشند. علاوه بر کارگزارانی که برای هر فرد شغل پیدا می‌کنند، سایت‌های کاریابی نیز به‌ویژه در یک دهه اخیر تحولات مهمی را در این عرصه رقم زده‌اند. این سایت‌ها به‌طور لحظه‌ای آگهی‌های استخدام و نیازمندی نیروی کار در هر دسته را منتشر کرده و افراد می‌توانند برای شغل موردنظر رزومه کاری خود را ارسال کنند. در این سایت‌ها، هیچ کارگزاری برای معرفی افراد به مشاغل وجود ندارد و سایت تنها یک ابزار برقراری ارتباط میان کارفرمایان و کارجویان است. نمونه‌های مشابه این نوع از سایت‌های کاریابی نیز در ایران وجود دارد و اعتبار هر سایت، به‌میزان بازدید آن است. به‌معنای دیگر، هر سایتی که افراد بیشتر و متخصص‌تری از آن بازدید داشته باشند و رزومه خود را بارگذاری کنند، اعتبار بیشتری دارد، همچنین هرچه افراد متخصص‌تر و ماهرتری از طریق این سایت‌ها با کارفرمایان ارتباط برقرار کنند، ارزش و اعتبار سایت‌های کاریابی بیشتر خواهد شد. این بسترهای نوین، همواره شرایط را برای یافتن فرصت‌های شغلی مناسب برای افراد مهیا می‌کنند و در شرایطی که بسیاری از کشورها با بحران بیکاری مواجهند، می‌توانند بازوی کمکی خوبی برای بهبود اقتصاد کلان باشند، از این‌رو وجود سایت‌ها و حتی شرکت‌های کاریابی معتبر را می‌توان نقطه روشن اقتصاد امروز معرفی کرد. از سویی دیگر، امکان برقراری با موقعیت‌های شغلی سایر کشورها نیز از دیگر مزایای سایت‌های کاریابی است.

افراد می‌توانند در ارتباط با سایت‌های کاریابی کشور مدنظر، با کارفرمایان ارتباط برقرار کنند و در صورت توافق طرفین، موقعیت شغلی به آنها به‌صورت دورکاری، فریلنس یا حتی در قالب ویزای کاری اختصاص یابد، بنابراین برقراری ارتباطات کاری بین‌المللی نیز از دیگر مزایای عصر ارتباطات است. استفاده از بسترهای فعلی برای بهبود وضعیت اقتصادی و کاری، می‌تواند اجبارها و چارچوب‌هایی را که بسیاری از افراد در آن محبوس شده‌اند، کنار زده و درهای جدیدی را به سوی آنها باز کند. تنها باید این فرصت‌ها دیده شده و فرد به‌سوی آن قدم بردارد.

انواع قراردادهای کاری در جهان را بررسی کرد

تلاش نظام سرمایه‌داری برای استثمار نیروی کار

ترجمه و تدوین
ملیکا انصاری
editor@smtnews.ir

امنیت شغلی یکی از مسائلی است که از زمان برملاشدن استثمارهای سرمایه‌داری بر کارگران، همواره از دغدغه‌های اصلی فعالان اجتماعی و خود کارگران و کارمندان است. این موضوع، تنها شرایط کاری بخشی از افراد را تحت تاثیر قرار نمی‌دهد، بلکه چالشی است که معیشت تمام مردم جهان را به‌عنوان نیروی کار نشانه گرفته، اما با وجود اعتراضات زیاد اقشار مختلف به شرایط شغلی حاضر، همچنان قدرت نظام سرمایه‌داری و کارفرما، بر تمامی گلایه‌ها غلبه می‌کند. شکل‌گیری قراردادهای کوتاه‌مدت حتی یک‌ماهه، تاکید کارفرمایان به استخدام افراد با حداقل حقوق و مزایا، چالش‌های مربوط به بیمه‌های کاری و سایر موارد این چنینی، سبب شده تا برای کارگران در برخی کشورها، پایه‌های مستحکم شغلی وجود نداشته باشد. موج زیاد مهاجرت‌ها در قرن اخیر، یکی از عوامل افزایش تقاضا برای کاریابی به‌ویژه در کشورهای اروپایی و امریکایی است. همین موضوع سبب شده تا نیروی کار برای بسیاری از مشاغل به‌ویژه جایگاه‌های غیر تخصصی، وجود داشته باشد. از آنجایی که سلطه کارفرمایان بیشتر بر مشاغل غیر تخصصی است، این قشر بیشترین آسیب‌های فرهنگی و اجتماعی را متحمل می‌شوند. حال اگر تمامی این شرایط را با جریان پنهان نژادپرستی به‌هم گره بزنیم، نیمه بسیار تاریک فضای شغلی حاکم نیروی کار به‌خوبی آشکار می‌شود. این نیمه تاریک در هر کشوری روی متفاوتی داشته و طبیعی است که برخی کشورها عملکرد بهتری در زمینه ایجاد امنیت شغلی برای نیروی کار خود داشته باشند. صمت در این گزارش، قراردادهای کاری را برای کشورهای مهم جهان بررسی کرده و میزان امنیت شغلی و رفاه روانی نیروی کار را مورد توجه قرار داده است.



عکس: صمت

دسته‌بندی قراردادها

قراردادها نه‌تنها از نظر نوع تنظیم، بلکه از نظر مشخص کردن مدت زمان کاری نیز تقسیم‌بندی می‌شوند. هر کشور به فراخور شرایط فرهنگی، اقتصادی و رویکردهای سیاسی خود، از دسته‌های معینی از قراردادها استفاده می‌کند. بحث‌های اصلی فعالان کارگری و اجتماعی برای حفظ ثبات شغلی افراد، بیشتر مربوط به این نوع دسته‌بندی از قراردادها می‌شود. در زیر دسته‌بندی زمانی قراردادها براساس تعاریف جهانی درج‌شده در contractscounsel.com، آورده شده است. قراردادهای کار دائم: متداول‌ترین نوع قرارداد در جهان هستند، به این معنی که مدت زمان کار در شرکت نامحدود بوده و به‌عنوان مثال پس از ۳ ماه یا ۳ سال، مهلت این قرارداد به‌پایان نخواهد رسید. این نوع قرارداد باثبات‌ترین نوع قرارداد کاری به‌شمار می‌رود. کارکنان با قرارداد دائمی می‌توانند تمام‌وقت یا پاره‌وقت باشند و از این نظر محدودیتی وجود ندارد. قراردادهای کار با مدت زمان معین: یکی از بحران‌های کاری نوظهور بوده که طی چند سال اخیر در بسیاری از کشورهای جهان استفاده از آن رایج شده است. این نوع قراردادها تا پیش از این برای استخدام کارگران فصلی به‌طور ثابت برای مدت زمان‌های کوتاه چندماهه استفاده می‌شد. نیروهای کاری که برای به‌سرانجام رساندن پروژه‌هایی محدود به کار گرفته می‌شدند و از این نظر، قراردادهای کار با مدت زمان معین بهترین نوع قرارداد در این شرایط محسوب می‌شد. این قراردادها پس از رسیدن به تاریخ یا نقطه عطف مشخصی به‌طور خودکار فسخ می‌شوند. خاستگاه این قرارداد را می‌توان بریتانیا و کشورهایی که پروژه‌های توسعه‌ای زیادی برای انجام داشتند، معرفی کرد، اما توسعه‌دهنده اصلی این نوع قرارداد در سطوح مختلف کاری، فرانسه بود. فرانسه قراردادهای کاری یک‌ماهه، ۳ ماهه و نهایت ۶ ماهه را برای کارمندان متخصص خود وضع و دلیل اصلی آن را تحولات روزمره جهانی معرفی کرده است، هرچند این نوع قراردادها، فرانسوی‌ها را در پرداخت مالیات کمتر کمک کرده و دست آنها را برای انعقاد قرارداد با حداقل حقوق باز می‌گذاشت، به‌عبارتی، بی‌ارزش شدن فعالیت افراد و بی‌ثباتی مشاغل، تقصیر رویکردهای فرانسوی‌مآبانه است.

▣ قراردادهای حافظ منافع کارفرما

قراردادهای شغلی تصادفی: به‌طور معمول زمانی استفاده می‌شوند که ساعات کاری کارمند غیرقابل‌پیش‌بینی باشد. در ابتدا، کارفرما تعداد مشخصی ساعت را تضمین می‌کند، اما ممکن است در صورت نیاز کارمند مجبور به کار کردن در ساعت‌های اضافی باشد. در این نوع قراردادها دستمزدها به‌طور میانگین با در نظر گرفتن اضافه‌کاری‌های احتمالی تعیین می‌شوند. قرارداد ساعت صفر: اصطلاحی است که برای توصیف یک نوع قرارداد کاری بین کارفرما و کارمند به‌کار می‌رود که به‌موجب آن کارفرما موظف نیست حداقل تعداد ساعات کاری را به کارمند ارائه دهد. به‌بیانی دیگر، هیچ مدت زمان مشخصی در قرارداد برای فرد مشخص نشده و معلوم نیست در هر روز قرار است چند ساعت برای کارفرما کار کند. تا چند سال گذشته این نوع قرارداد به‌عنوان نمادی از استثمار علنی کارفرمایان بر کارگران و کارمندان شناخته می‌شد. قرارداد ساعت صفر، به‌طور گسترده‌ای در بریتانیا رواج داشت و در سپتامبر ۲۰۱۷، دفتر آمار ملی بریتانیا تخمین زد که بیش از ۹۰۰ هزار کارگر با قراردادهای ساعت صفر، ۲.۹ درصد از نیروی کار شاغل هستند. در بریتانیا، قراردادهای ساعت صفر همواره بحث‌برانگیز هستند و تلاش‌های اتحادیه‌های کارگری و روزنامه‌ها باعث شد تا در چند سال اخیر کاهش چشمگیری در انعقاد این دسته از قراردادها در بریتانیا رخ دهد، اما هنوز برخی شرکت‌های چندملیتی که شعبه‌های متعددی در سراسر جهان دارند، مانند مک‌دونالد و اسپورتز دایرکت، بخش زیادی از قراردادهای کارگری خود را براساس چارچوب‌های قراردادهای ساعت صفر منعقد می‌کنند.

▣ امریکا و تفاوت‌های چارچوب‌های کاری

ایالات‌متحده امریکا در جایگاه کشوری که پایه‌های آن براساس مهاجران بنا شده و به‌عنوان قطب نخست اقتصاد جهان محسوب می‌شود، همواره رویکردهای مهمی در رابطه با نحوه انعقاد قراردادها و پذیرش نیروی کار در جایگاه‌های شغلی دارد. انواع مختلفی از قراردادها در این کشور منعقد می‌شود، اما روند معمول، اهمیت نظر کارفرما برای ادامه همکاری با افراد است. به‌گزارش فایننشیال تایمز (financial times)، برای بیشتر کارمندان در بیشتر ایالت‌های امریکا، استخدام به‌صورت دلخواه در نظر گرفته می‌شود، به آن معنا که کارفرما می‌تواند در هر زمان دلخواه یک کارمند را (به شرط آنکه غیرقانونی نباشد) اخراج کند. تبعیض قائل شدن میان کارمندان و اخراج به‌دلیل تلافی کردن، مواردی هستند که فسخ غیرقانونی از سوی کارفرما تلقی می‌شوند، هرچند اثبات این موارد از سوی کارکنان اخراج‌شده در مراجع قضایی سخت به‌نظر می‌رسد، اما بنا بر قانون، اگر دلایل اخراج افراد این دو مورد ذکر شده در بالا باشد، فسخ غیرقانونی قرارداد تلقی می‌شود.

قوانین این‌چنین و اختیار مطلق کارفرما، در تمامی ایالت‌های امریکا حاکم نبوده و برخی ایالت‌ها از روش و قوانین مشخص دیگری پیروی می‌کنند، به‌عنوان مثال، ایالت مونتانا، شیوه‌ای به‌طور کامل متفاوت را برای مدیریت نیروی کار خود و نحوه انعقاد قراردادها در نظر گرفته است. در مونتانا، پس از اینکه یک کارمند دوره آزمایشی را به‌پایان رساند، از اخراج محافظت شده و فقط به دلایل قانع‌کننده مجاز به اخراج است.

مدت زمان دوره‌های آزمایشی توسط کارفرما تعیین می‌شود که به‌طور معمول بیش از ۲ ماه طول نمی‌کشد. اگر کارفرما مدت زمان معینی را برای دوره آزمایشی در نظر نگیرد، قانون برای این کارمند تا حداقل ۶ ماه قرارداد استخدام در نظر می‌گیرد، بنابراین این ایالت بیشتر از دیگر ایالت‌ها در امریکا، به ثبات شغلی نیروی کار اهمیت می‌دهد.

> اصل اساسی قانون حمایت از کار سوئد این است که قرارداد کار تا اطلاع ثانوی معتبر است. در عمل، این بدان معنا است که اشتغال همیشه نامحدود است، مگر اینکه توافق دیگری در این‌باره صورت گیرد

توجه سوئیس به ثبات شغلی

در برابر تمام نگاه‌های تاریک سرمایه‌داری، کارفرمایان امریکایی و انگلیسی، کشورهای حوزه اسکاندیناوی و شمال غرب اروپا، رویکرد متفاوت و روشنی را درباره ثبات شغلی افراد از خود نشان داده‌اند. طبق آیین‌نامه رسمی تعهدات سوئیس، سوئیس «حداکثر آزادی قرارداد» را تضمین می‌کند و این امکان را برای تصمیم‌گیری درباره شرایط قرارداد بدون نظارت قابل‌توجه دولت در هنگام کار در سوئیس فراهم می‌کند. این بدان معنا است که قالب قرارداد این است که باید کارفرما و کارمند با هم تصمیم بگیرند. به‌گزارش iamexpat.ch، باید هر پیشنهاد کاری برای کار تمام‌وقت یا پاره‌وقت در سوئیس، دارای یک قرارداد کار کامل باشد. قراردادهای کاری سوئیس را می‌توان کامل‌ترین نوع قراردادها معرفی کرد، چرا که به جزئی‌ترین موارد در این قراردادها پرداخته شده است.

▣ نقطه امید قرارداد اشتراک کار

سوئیس انواع مختلفی از قراردادهای کاری دارد؛ قراردادها به‌طور معمول براساس میزان کاری که افراد برای یک شرکت انجام می‌دهند، تعریف می‌شوند. یکی از انواع قراردادهایی که ثبات و امنیت شغلی افراد را تامین می‌کند و همزمان نهایت انعطاف‌پذیری را دارد، قرارداد اشتراک کار است. این نوع قرارداد تنها در سوئیس دیده می‌شود و براساس نظرسنجی نیروی کار سوئیس (SLFS)، حدود ۳.۷ درصد از کارمندان در سوئیس، قراردادهای اشتراک کار دارند. اشتراک کار قراردادی است که شما موافقت می‌کنید تعداد ساعات ذکرشده در یک قرارداد تمام‌وقت یا پاره‌وقت را با فرد دیگری تقسیم کنید. این یک توافق متقابل بین ۲ نفر است و نیاز به رضایت کارفرمای شما دارد. به‌اشتراک‌گذاری شغل، می‌تواند یک راه عالی برای حفظ تعادل بین کار و زندگی باشد؛ مانند زمانیکه افراد برای تشکیل خانواده نیاز به زمان اضافه برای رسیدگی به امور شخصی نیاز دارند. از این نوع قرارداد خانم‌ها در دوران بارداری خود بسیار استفاده می‌کنند. قراردادهای موقت: در سوئیس، تنها برای کارهای پروژه‌ای آن هم به‌صورت بسیار محدود استفاده می‌شوند. در این نوع قراردادها تمام جزئیات پروژه‌ها، نحوه فسخ، مبالغ دقیق و سایر موارد مهم و غیرمهم درج شده است.

▣ دفاع سوئد از حقوق کارمندان

سوئد نیز همواره به‌عنوان یکی از کشورهای مدافع حقوق کارگران و کارکنان به‌شمار می‌رود. اصل اساسی قانون حمایت از کار سوئد این است که قرارداد کار تا اطلاع ثانوی معتبر است. در عمل، این بدان معنا است که اشتغال همیشه نامحدود است، مگر اینکه توافق دیگری در این‌باره صورت گیرد. اگر قرار است استخدام موقت باشد، دلیل آن باید در یک توافقنامه کتبی، به‌طور موجه بیان شده و تمام فعالیت‌های مربوط به این جایگاه شغلی ذکر شود. به‌گزارش knowledge.leglobal.org، قانون حمایت از استخدام، زمانی که کارفرما به کارمند با مدت معین نیاز داشته باشد، امکان استخدام موقت عمومی را فراهم می‌کند. قرارداد کار با مدت معین نیز ممکن است برای استخدام موقت جایگزین و برای استخدام فصلی منعقد شود، در صورتی که طی ۵ سال گذشته، کارمندی در مجموع بیش از ۲ سال در استخدام مدت معین مشغول به کار بوده باشد، استخدام، به مدت نامحدود تبدیل می‌شود، همچنین از سویی دیگر، قانون حمایت از اشتغال، اجازه استخدام آزمایشی را برای مدت حداکثر ۶ ماه می‌دهد، در صورتی که قبل از انقضای دوره آزمایشی، کار قطع نشود، خود به خود به استخدام برای مدت نامحدود تبدیل می‌شود. در سوئد، کارفرما باید قبل از اخراج یک کارمند، اخطار پایان کار را ارائه دهد. علاوه بر این، کارفرما باید قوانین رسمی خاصی را که در قانون حمایت از استخدام تعیین شده است، هنگام ابلاغ اخطار پایان کار به کارمند رعایت کند. اخطارها همیشه باید به‌صورت کتبی انجام شده و روند رسمی اعتراض به این اخطارها، برای کارمند واضح باشد. در این اطلاعیه، همچنین باید قید شود که آیا کارمند از حق تقدم برای استخدام مجدد برخوردار است یا خیر؟ دوره‌های اخطار قانونی بسته به مدت زمان استخدام بین یک تا ۶ ماه متغیر است.

سخن پایانی

همان‌طور که در متن گزارش عنوان شد، رویکرد کشورها به مسئله امنیت شغلی براساس زیربناهای اقتصادی و سیاسی است. در هر کشوری که نظام سرمایه‌داری رواج داشته و اهمیت بازار آزاد در آن کشور بیشتر باشد، نیروی کار در تنش بیشتری برای حفظ کار خود است. در این کشورها نیروی کار به‌عنوان بازوی مهم تولید و اقتصاد، نادیده گرفته شده و مدیران، سرنوشت کاری افراد را رقم می‌زنند. به‌بیانی دیگر، در کشورهایی مانند بریتانیا و فرانسه، جایگاه شغلی بیشتر کارکنان در آن جایگاه‌ها اهمیت دارد. تا زمانی که جایگاه‌های شغلی خالی نباشند، از نظر این کارفرمایان هیچ مشکلی وجود ندارد. این جایگاه چه با قراردادهای یک‌ماهه پر شود، چه با قراردادهای یک‌ساله، اهمیتی ندارد، اما این رویکرد در کشورهای حوزه اسکاندیناوی، بسیار متفاوت است و به نیروی کار به‌مثابه مهره‌های ارزشمند اقتصاد نگاه می‌شود و امنیت شغلی آنها حائز اهمیت است. باید توجه داشت چه قشر کارگر، چه افراد کارمند و متخصص، نیاز دارند تا در فضایی امن با بهترین بسترهای شغلی و درآمدی فعالیت داشته باشند. امروزه سرمایه‌داری نوین، استثمار را به‌شکلی نو درآورده و نام آن در شرکت‌ها به «شرایط حاضر شغلی» تغییر یافته‌اند؛ قراردادهای چندماهه با کمترین میزان حقوق برای افرادی که سال‌ها است در یک شرکت مشغول به کار هستند، مصداقی بارز از این استثمار نوین انسان‌ها در جایگاه‌های شغلی است.

آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

نوبت دوم
شناسه ۱۲۶۷۹۹۰

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره کل ثبت اسناد و املاک شهرستان جویبار

نظر به دستور مواد ۱ و ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت و ساختمانهای فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۰/۰۹/۲۰ و برابر رای شماره ۱۴۰۱۶۰۳۱۰۰۱۴۰۰۱۱۷۷-۱۴۰۱/۰۵/۰۱ هیات مستقر در واحد ثبتی جویبار به کلاسه پرونده شماره ۱۴۰۱۱۱۴۴۱۰۰۱۴۰۰۰۰۵۳ ماده یک قانون مذکور، تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی علی چلنگری جویباری فرزند علی‌اکبر نسبت به شش‌دانگ یک قطعه زمین که در آن احداث بنا شده به مساحت ۳۲۱ متر مربع قسمتی از پلاک ... فرعی از ۱۰ - اصلی همگی خریداری شده بدون واسطه از علی‌اکبر چلنگری محرز گردیده است. لذا به موجب ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی و ماده ۱۳ آیین‌نامه مربوطه این آگهی در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز از طریق روزنامه محلی و کثیرالانتشار در شهرها منتشر و در روستاها برای هیات الصاق تا در صورتی که اشخاص ذینفع به آرای اعلام شده اعتراض داشته باشند باید از تاریخ انتشار اولین آگهی و در روستاها از تاریخ الصاق در محل تا دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم و رسید اخذ نمایند. معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نماید و گواهی تقدیم دادخواست به اداره ثبت محل تحویل دهد که در این صورت اقدامات ثبت موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه است و در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت می‌نماید و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست. بدیهی است برابر ماده ۱۳ آیین‌نامه مذکور در مورد قسمتی از املاکی که قبلا اظهارنامه ثبتی پذیرفته نشده، واحد ثبتی با رای هیات پس از تنظیم اظهارنامه حاوی تحدید حدود، مراتب را در اولین آگهی نوبتی و تحدید حدود به صورت همزمان به اطلاع عموم می‌رساند و نسبت به املاک در جریان ثبت و فاقد سابقه تحدید حدود، واحد ثبتی آگهی تحدید حدود را به صورت اختصاصی منتشر می‌نماید.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۱/۰۶/۰۵ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۱/۰۶/۱۹

مرتضی قاسم‌پور، رئیس ثبت اسناد و املاک شهرستان جویبار

آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی حوزه ثبتی نوشهر

نوبت دوم
شناسه ۱۲۷۰۴۲۹

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره کل ثبت اسناد و املاک استان مازندران

نظر به دستور مواد ۱ و ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۰/۰۹/۲۰، املاک متقاضیانی که در هیات موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در واحد ثبتی نوشهر مورد رسیدگی و تصرفات مالکانه و بلامعارض آنان محرز و رای لازم صادر گردیده جهت اطلاع عموم به شرح ذیل آگهی می‌گردد.

املاک متقاضیان واقع در قریه سیاهرود پلاک ۲ اصلی بخش ۵ قشلاقی

۱۱۱۷ فرعی آقا/ خانم زهرا بخشی‌فر فرزند ابراهیم نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۸۱۳ متر مربع خریداری بدون واسطه/ با واسطه از شعبانعلی جلاب

لذا به موجب ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی و ماده ۱۳ آیین‌نامه مربوطه این آگهی در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز از طریق روزنامه محلی/ کثیرالانتشار در شهرها منتشر و در روستاها علاوه‌بر انتشار آگهی، برای هیات الصاق تا در صورتی که اشخاص ذینفع به آرای اعلام شده اعتراض داشته باشند باید از تاریخ انتشار اولین آگهی و در روستاها از تاریخ الصاق در محل تا دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم و رسید اخذ نمایند. معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نماید و گواهی تقدیم دادخواست به اداره ثبت محل تحویل دهد که در این صورت اقدامات ثبت موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه است و در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت می‌نماید و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست. بدیهی است برابر ماده ۱۳ آیین‌نامه مذکور در مورد قسمتی از املاکی که قبلا اظهارنامه ثبتی پذیرفته نشده، واحد ثبتی با رای هیات پس از تنظیم اظهارنامه حاوی تحدید حدود، مراتب را در اولین آگهی نوبتی و تحدید حدود به صورت همزمان به اطلاع عموم می‌رساند و نسبت به املاک در جریان ثبت و فاقد سابقه تحدید حدود، واحد ثبتی آگهی تحدید حدود را به صورت اختصاصی منتشر می‌نماید.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۱/۰۶/۰۵ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۱/۰۶/۱۹

صفر رضوانی — رئیس اداره ثبت اسناد و املاک نوشهر

شغل کاذب؛ چاره بیچارگی این روزها

در روزگاری که با وجود مشکلات بد اقتصادی حتی شاغل بودن نیز کفاف هزینه‌های روزمره را نمی‌دهد، بیکاری معضلی نفس‌گیر است. هزینه مسکن و خوراک به صورت افسار گسیخته بالا می‌رود و مردم از روزهای ابتدایی ماه تلاش می‌کنند، درآمد خود را تا پایان آن برسانند. حال اگر برای مدت کوتاهی، بیکاری چاشنی این روزها شود، شرایط وحشتناکی برای خانوار ایجاد می‌شود. حتی در این شرایط نیز برخی از افراد سرپرست خانوار به سختی امورات خود را می‌گذرانند و کسر حقوق، مشکلات زیادی برایشان به همراه دارد، چه برسد به بیکاری و قطع کامل حقوق! اینجاست که پدیده‌ای به‌عنوان شغل کاذب نمایان می‌شود. صمت در این گزارش سعی دارد به بررسی انواع مشاغل کاذبی که در سال‌های اخیر ایجاد شده‌اند، بپردازد.

کیمیا ملکی
editor@smtnews.ir



عکس: آیدا فریدی

تعداد مشاغل کاذب هر روز در جامعه ما بیشتر و بیشتر می‌شود. از گریه‌کن مراسم عزاداری گرفته تا دعانویس

کابوس وحشتناک بیکاری

پس از آنکه کابوس وحشتناک بیکاری به جان شاغلان افتاد، نخستین فکر چه می‌تواند باشد؟ با گذری کوتاه از خیابان‌های تهران، شغل‌های گوناگونی به چشم می‌خورد که شاید هیچ‌گاه به‌عنوان یک شغل به آنها نگاه نکرده باشیم و به‌راحتی از کنار آنها عبور کنیم. حتی بسیاری از این مشاغل در مواردی برای افراد ایجاد مشکل می‌کنند یا درآمد قطعی ندارند. از سوی دیگر، ممکن است کوتاه‌مدت باشند و با گذشت زمان نتوان به‌عنوان شغل از آنها صحبت کرد.

با این همه، نمی‌توان از دایره گسترده این مشاغل و نقش تاثیرگذار آنها در بطن اقتصاد ایران گذشت.

آنچه در ادامه می‌خوانید مروری کوتاه بر برخی از مشاغل کاذبی هستند که این روزها در گوشه‌وکنار شهر دیده می‌شوند.

کاسبی با جای پارک و پلاک‌پوشی

جای پارک هر خودرو ۵۰ هزار تومان! این جمله‌ای است که شاید به کرات شنیده باشید. این روزها، یکی از مشکلات شهرهای بزرگ، پیدا کردن جای پارک است. معضلی که می‌تواند منجر به دیر رسیدن هر روزه ما به محل کارمان شود. این موضوع، شغل کاذبی به‌نام «جای پارک بگیر» را ایجاد کرده است. برخی از افراد ساکن خیابان‌های شلوغ و پر از شرکت، ممکن است با ماشین‌خوابی‌های شبانه آشنا باشند؛ افرادی که جای پارک خود را هر روز صبح با دریافت ۵۰ هزار تومان می‌فروشند. شغل دیگری که به برخی از افراد کمک می‌کند تا مسیر نزدیک به محل کار خود را با ماشین شخصی طی کنند، «پلاک‌پوشی» است. این افراد، مسافت‌های کوتاه، مقابل دوربین راهنمایی رانندگی را پشت پلاک خودرو می‌دوند و پلاک را می‌پوشانند و در نهایت مبلغی را از صاحب هر خودرو دریافت می‌کنند که بستگی به کرم راننده و خواسته پلاک‌پوش دارد.

از ازدواج و طلاق تا تولد و مرگ

تا همین چند سال پیش، داشتن ساقدوش و سولدوش برای عروس و داماد مسئله مهمی برای برپایی جشن عروسی نبود، اما این روزها برخی از عروس و دامادها، به‌دلیل سلایق شخصی، مایل به استفاده از ساقدوش‌هایی در فیلم‌ها و عکس‌های یادگاری جشن عروسی‌شان هستند. این علاقه منجر به پیدایش شغل جدیدی به‌نام «ساقدوش کرایه‌ای» شده است. این افراد به میزان ساعتی که در مراسم حضور دارند، دستمزد دریافت می‌کنند. در این شغل، معمولا از افرادی استفاده می‌شود که ظاهری جذاب دارند. از دیگر مشاغل کاذبی که در این گروه جا می‌گیرد، شاهدان طلاق یا ازدواج است. زوج‌هایی که شاهدی برای ازدواج یا طلاق ندارند، به سراغ این افراد می‌روند. این افراد معمولا اطراف دادگستری‌ها یا دفاتر ازدواج و طلاق می‌ایستند. شاهدان عروسی و طلاق، با نگاه به جیب داماد یا میزان سکه‌های مهریه عروس، درخواست دستمزد می‌کنند. این روند برای درخواست‌کنندگان شاهدان طلاق، کمی سخت‌تر است. این شاهدان کرایه‌ای از ۵۰۰ هزار تومان تا ۵۰ میلیون تومان، بستگی به پرونده‌ای که شاهد آن می‌شوند، پول دریافت می‌کنند. گذشته از مراسم عقد و عروسی و طلاق، چند سالی است مراسم تولد نیز تجملاتی شده و یکی از شغل‌هایی که برای مراسم تولد کودکان از آنها استفاده می‌شود، عروسک‌های تن‌پوش با شخصیت‌های موردعلاقه بچه‌هاست. هزینه عروسک تن‌پوش برای مراسم، ساعتی ۲۰۰ هزار تومان و هزینه پرنسس، دلقک، سیلورمن و گلدمن ساعتی ۲۵۰ هزار تومان است. اما همیشه شادی باعث پیدایش شغل‌های جدید و کاذب نمی‌شوند. هزینه‌های سوگواری، این روزها به خودی خود بسیار بالاست، اما با چشم و هم‌چشمی‌ها و تجمل‌گرایی، هزینه‌های دیگری نیز به آن اضافه شده و برخی برای شلوغ شدن مراسم عزاداری، از افرادی استفاده می‌کنند که شغل آنها گریه در مراسم‌هاست که به اصطلاح به آنها «گریه کن» می‌گویند. اگر اهل تجمل گرایی باشید، شرکت‌های خدمات مجالسی هستند که در کنار فعالیت خود، تیمی مخصوص دارند تا مراسم شما را حسابی جگرسوز کنند!



نان به نرخ عربده‌کشی

از میان شغل‌های کاذب، قدمت شرخری از بقیه بیشتر است، چراکه از زمان‌های گذشته وجود داشته و هنوز هم در میان شغل‌های کاذب به چشم می‌خورد. اشخاصی در ازای قلدری و زور و کتک و تهدید بدهکاران، بدهی‌ها را وصول و در ازای آن پول دریافت می‌کنند.

اشخاصی که نان به نرخ عربده‌کشی در می‌آورند، با توجه به شرایط روز، وارد سبک دیگری از این کسب‌وکار شده‌اند. این روزها زنده کردن چک و پول جای خود را به تخلیه مسکن داده است. این گروه برای تخلیه خانه مستاجرانی که با زبان خوش، خانه را خالی نمی‌کنند وارد عمل شده و اسباب او را به خیابان می‌آورند.

این روند در مواقعی می‌تواند برعکس هم عمل کند. به‌عبارتی برای برخی خانه‌های شهر تهران که توسط سازمان‌های دولتی حکم تخریب دارند، گروه دیگری وارد عمل می‌شوند که بیشتر آنها را زنان تشکیل می‌دهند. در این شرایط، صاحب خانه یکی از این افراد را برای مدتی می‌گیرد تا در خانه ساکن باشد و هنگام اجرای حکم، گریه و زاری کند.

مشاغل کاذب این روزها چاره‌بیچارگی آدم‌ها شده‌اند!

داد بزنید، بازاریابی کنید

با گذر از خیابان‌های شهر و در مقابل برخی مغازه‌ها، افرادی را مشاهده می‌کنیم که با صدایی بلند و کاغذی در دست برای آن مغازه، مشتری جمع می‌کنند. قصه تراکت پخش‌کن‌ها که مشخص است؛ آدم‌هایی که شغل آنها سرما و گرما ندارد. دستمزد این شغل ساعتی ۴ تا ۶ هزار تومان است.

اما داستان دادبزن‌ها متفاوت است. این افراد را بیشتر حوالی خیابان انقلاب می‌بینیم. با جست‌وجو در سایت‌های اینترنتی، دستمزد آنها مشخص می‌شود. ماهی ۵ میلیون تومان با پورسانت! این افراد هر چه بهتر داد بزنند و مشتری جمع کنند، حقوق بیشتری دریافت می‌کنند. فصل کار این افراد بیشتر در روزهای پایانی سال است. این افراد با دادزدن، بازاریابی می‌کنند!

■ تابلوهای مقوایی پول‌ساز

ممکن است در مسیر محل کار تا منزل، با عبور از بزرگراه‌ها افرادی را می‌بینیم با یک کلاه حصیری که همیشه از شدت آفتاب، چهره‌ای سیاه دارند. این افراد با یک تابلوی مقوایی در دست که روی آن معمولا قیمت میوه یا خشکباری نوشته شده، سعی در جذب مشتری برای بساط یا وانتی که چند متر جلوتر ایستاده، دارند. این افراد برای صاحب آن مال، کار می‌کنند و حقوق ثابتی ندارند و به‌ازای هر چیزی که به فروش برسد، پایان روز حقوق دریافت می‌کنند. انتظار کشیدن برای جذب مشتری، قسمت اصلی کار آنهاست. سال‌های زیادی از داستان وانتی‌ها می‌گذرد و به‌دنبال آن کم کاری شهرداری که هیچ مدیریتی روی فعالیت این گروه ندارد، داستان نخ‌نمای دیروز و امروز است.

■ اینجا زمان می‌فروشند

«نوبت‌گیرها» مشغول خریدوفروش زمان هستند. آنها صبح علی‌الطلوع در صف بانک، تعویض پلاکی و مطب‌های برخی پزشکان ایستاده و نوبت می‌گیرند و نوبت گرفته‌شده اول را به افرادی که مشغله دارند و نمی‌توانند ساعت‌ها در صف صبر کنند، می‌فروشند.

کم کردن کیلومتر فقط با ۳۰۰ هزار تومان

گروی دیگری از فعالان مشاغل کاذب، «کیلومتر کم کن‌ها» هستند. برخی از افراد قبل از فروش خودرو خود به کیلومترسازها سر می‌زنند. برای کم شدن کیلومتر خودرو، تنها نیم‌ساعت زمان کافی است و هزینه لازم برای انجام این کار برای خودروهای پژو ۲۰۶ از ۵۰۰ تا یک میلیون تومان، پراید ۳۵۰ هزار تومان، مزدا ۳ حدود ۳۰۰ هزار تومان و سانتافه یک میلیون تومان است. این شغل می‌تواند عاملی باشد تا حسابی سر خریداران خودرو کلاه برود.

صافکارهای خیابانی، سبک جدیدی هستند که در گوشه خیابان می‌توان آنها را مشاهده کرد.

برخی از صافکارهایی که دیگر به هر دلیلی نمی‌توانند در مغازه فعالیت کنند، حالا این کار را کنار خیابان انجام می‌دهند که البته به‌دلیل فعالیت کنار خیابان، هزینه کمتری هم از صاحب خودرو می‌گیرند.

مشاغل کاذب جدید و پردرآمد

فهرست مشاغل کاذب به همین جا ختم نمی‌شود. کسب‌وکارهای دیگری هم هستند که در سرفصل‌های بالایی گزارش ما نمی‌گنجند. در ادامه برخی از این مشاغل را در یک سرفصل می‌آوریم. هرچند ارتباط چندانی با هم ندارند.

■ پیش‌بینی آینده با ۲ میلیون تومان!

این روزها بازار داغ فال و دعانویسی حسابی شلوغ شده است. افرادی برای آگاهی از آینده به سراغ فالگیری می‌روند و درآمد خوبی دارند. با گشت‌وگذار در فضای مجازی، قیمت‌های گوناگونی برای فعالیت آنها دیده می‌شود. نرخ فال قهوه ساده، حدود ۶۰ هزار تومان است. البته برای نوشتن دعا مخصوص خواستگار پولدار، حدود ۲ میلیون تومان دریافت می‌شود.

■ سگ خود را به ما بسپارید

چندسالی است بسیاری از افراد به نگهداری از حیوانات خانگی می‌پردازند. این افراد ممکن است شاغل باشند یا زمانی برای گشت‌وگذار سگ یا گربه خانگی خود نداشته باشند. اینجاست که به سراغ افرادی با عنوان سگ‌گردان می‌روند. سگ‌گردان‌ها اگر حرفه‌ای عمل کنند در ماه حدود ۷ میلیون تومان درآمد دارند که در مواردی بیشتر از حقوق یک کارمند است! نکته جالب این است که هر بار قانون منع سگ‌گردانی در جامعه اعلام می‌شود، دستمزد این افراد به جهت خطرهایی که وجود دارد، چندبرابر می‌شود.

■ مسافرکشی؛ شغل دوم و سوم

نخستین فکری که در همان ساعت‌های اولیه بیکاری به ذهن می‌آید، مسافرکشی است. شغلی که هر قدر در آن زمان بگذارید، به همان میزان درآمد به‌دست می‌آورید. برخی از افراد در مسیر رفت‌وآمد به محل کار خود اقدام به این کار می‌کنند. برخی دیگر نیز به سرعت پس از بیکاری به سراغ آن می‌روند. این روزها بیشتر از آنکه افراد تحصیلکرده را در دانشگاه‌ها ببینیم، پشت فرمان ماشین‌هایی می‌بینیم که برای رسیدن به مقصد، همراه‌شان شده‌ایم. آنهایی هم که در خیابان مسافر گذری سوار نمی‌کنند، با استفاده از اپلیکیشن‌ها به این شغل مشغول هستند. بازار اپلیکیشن‌ها هم در این زمینه حسابی داغ است و افراد زیادی این روزها به سمت آنها می‌روند.

■ ساز خیابانی پولساز

شغل دیگر، نوازندگی خیابانی است. برخی از نوازندگان خیابانی در مکان‌های مخصوص به خود مستقر می‌شوند و ممکن است با عبور از خیابانی که مسیر همیشگی‌مان است، آنها را ببینیم. به‌گفته خودشان این افراد روزانه بین ۵۰۰ تا ۸۰۰ هزار تومان درآمد دارند.

سخن پایانی

مشاغل کاذب هر روز در جامعه ما بیشتر و بیشتر می‌شود. از گریه‌کن، مراسم عزاداری تا دعانویس‌های آینده پیش‌بینی کن. زیر سایه مدیریت نادرست برای آینده جوانان و ایجاد شغل، صدها شغل کاذب دیگر و گاهی پردرآمدتر که شاید اسم آنها به گوش‌تان هم نخورده باشد، لابه‌لای آگهی‌های فضای مجازی به چشم می‌خورد. این مشاغل به‌دلایلی ایجاد شده‌اند، اما یکی از هزاران دلایل آن می‌تواند مشکلات مالی و قراردادهای پا در هوا مانده شرکت‌های گوناگون باشد. اینکه دولت چه زمان به کسب‌وکار و کاهش نرخ بیکاری فکری کند و چاره‌ای بیندیشد، مشخص نیست. برخی از این مشاغل کاذب درآمدی دارند که ممکن است چشم هر آدمی را بگیرد و در کنار آن، برخی دیگر از سر ناچاری جذب این مشاغل می‌شوند. به تعبیری دیگر، مشاغل کاذب این روزها چاره‌بیچارگی آدم‌ها شده‌اند!

یادداشت

اتاق اصناف هم خبر ندارد



علی فاضلی
عضو هیات‌رئیسه اتاق اصناف تهران

طبق قانون، فعالان صنفی برای شروع کسب‌وکار، نیاز به دریافت مجوز از اتحادیه مربوطه یا اماکن، شهرداری، وزارت کشور، اتاق‌های اصناف و بازرگانی و... دارند. متقاضیان بنا بر نوع فعالیت باید از هر از مراجع قانونی مربوطه، اقدام به کسب مجوز کنند. در این بین، گاهی موازی‌کاری برای صدور مجوز کسب برای برخی مشاغل دردسرهایی ایجاد می‌کند و برخی دیگر با ابهاماتی در نحوه و مرجع صدور مجوز مواجه هستند. مشاغل کاذب، از جمله این گروه هستند که ظاهرا فعالیت و صدور مجوز آنها زیر نظر هیچ اتحادیه و صنفی نیست. بسیاری از موسسه‌هایی که تاسیس می‌شوند هم همین وضعیت را دارند. با وجود کسب‌وکار غیرقانونی این دست از فعالان بازار، نه می‌توان مانع از فعالیت آنها شد و نه می‌توان واقعیت‌ها را نادیده گرفت.

سال‌های سال است دستفروشان مشغول کار هستند و هیچ‌وقت ساماندهی درستی درباره این فعالان انجام نشده است. در ساده‌ترین مثال با نگاهی به میدان ولیعصر تهران متوجه می‌شوید که تمام پیاده‌رو در اختیار دستفروشان قرار دارد. آیا این مشاغل به‌واسطه دریافت مجوز در سامانه سازمان مربوطه ثبت شده‌اند؟ آیا کالای مجاز می‌فروشند؟

در بسیاری از موارد، شاهد فروش کالاهای قاچاق توسط دستفروشان هستیم. این موضوع، تنها به تهران اختصاص ندارد و در تمام شهرهای کشور به همین صورت است. زمانی که دستفروشان با پهن کردن بساط در پیاده‌رو سد معبر کرده و مشکلاتی برای رفت‌وآمد در معابر عمومی ایجاد می‌کنند، این روند حتی ممکن است باعث بروز مشکلات اجتماعی و اخلاقی بین رهگذران شود.

برای مقابله با پدیده دستفروشی و ساماندهی این‌گونه مشاغل، قوانین زیادی وجود دارد، اما اراده‌ای برای ساماندهی این مشاغل نیست و هر روز شاهد بروز مشکلات بیشتری در این حوزه هستیم. از سوی دیگر، با وجود قوانین گوناگون، نظارت بر عملکرد دستفروشان نیز با کاستی‌هایی همراه است. هرچند در چند سال گذشته، شهرداری اقداماتی برای ساماندهی این مشاغل انجام داده، اما کافی نبوده است.

بخش دیگری از مشاغل کاذب شامل گروهی در شرکت‌های خدماتی می‌شوند که دارای عناوین گوناگونی هستند. متاسفانه شکایت‌های زیادی در این زمینه به اتاق‌های اصناف شده است. اتاق‌های اصناف نیز در بررسی این شکایت‌های مردمی، از اطلاعات کافی برخوردار نیستند و به همین دلیل، ابزار لازم برای برخورد با آنها وجود ندارد. در اصل ساختار یا سازمان ثبت‌شده برای فعالیت این‌گونه شرکت‌ها در دل اتحادیه‌های صنفی وجود ندارد. بارها از سوی اتاق اصناف، این موضوع پیگیری شده، اما نتیجه‌ای نداشته است.

به‌عنوان نمونه اتاق اصناف برای شرایط و نحوه فعالیت افرادی که از سوی این موسسات به‌عنوان «گریه‌کن» یا «ساقدوش» کرایه می‌شوند، ابهاماتی دارد. برای اصناف نیز جای سوال است که آیا این شرکت‌ها برای ارائه این خدمات مجوز دارند؟ این مجوز از کدام نهاد گرفته شده است؟ با وجود درخواست‌های مکرر اتاق اصناف، کسی نیست با اطلاع‌رسانی دقیق، این موضوع را توضیح دهد. بنابراین به نظر می‌رسد دولت، وزارت صنعت، معدن و تجارت و کمیته نظارت بر اصناف در هر شهر و شهرستان باید در این زمینه اقدام کند و این اقدامات باید با هماهنگی اتاق‌ها باشد.

در فرآیند اخذ مجوز و سازکار ساماندهی مشاغل، اتحادیه‌های صنفی تحت نظارت اتاق‌های اصناف، موظف به صدور مجوز برای بنگاه‌های کوچک و متوسط صنفی هستند. گروه دیگری نیز در بدنه مشاغل قرار دارند که ظرفیت لازم برای ایجاد بنگاه را ندارند و از فضای شهری برای فروش کالا استفاده می‌کنند.

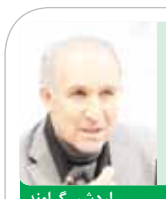
مانند مشاغل خانگی که ذات این فعالیت اقتصادی، هیچ مشکلی نداشته و راهی برای امرارمعاش است.

اما این رویه باعث مشکلات دیگری می‌شود. در این صورت، شهرداری با کمک وزارت کار موظف است برای این افراد، اماکن خاصی را در نظر بگیرد تا در روزهای مشخصی به‌طور سازمان‌یافته به فعالیت بپردازند. مانند آنچه در جمعه‌بازار یا شنبه‌بازارها اتفاق می‌افتد. شنبه‌بازارها با مجوز کمیته‌ای شامل نماینده وزارت صنعت، معدن و تجارت و اتاق اصناف برگزار می‌شوند.

در نهایت برای ساماندهی دستفروشان راهی جز همکاری سازمان‌ها و نهادهای یادشده نداریم و وجود دستفروشان برای امرارمعاش نیز واقعیتی انکارناپذیر است.

یادداشت

سهم مسکن در رشد مشاغل کاذب



اردشیر گراوند
کارشناس جامعه شهری

بـازار مسـکن سـهم قابل‌توجهـی در اشتغالزایی ایفا می‌کند، اما در سال‌های اخیر، تولید مسـکن، رکـود بی‌سـابقه‌ای را تجربه کرده اسـت و تعداد زیادی از کارگرانی که در این حوزه مشغول فعالیت بودند، برای تامین هزینه‌های زندگی به‌ناچار به مشـاغل کاذب روی آورده‌اند.

ضعف برنامه‌ریزی برای اشتغالزایی، تبعات جبران‌ناپذیـری در جامعـه دارد که منجر به خلق چنین مشاغلی شده و همانند علف‌های هـرز گسـترش پیدا کـرده اسـت، از این‌رو ضـرورت دارد بـا برنامه‌ریزی و اشـتغالزایی از بـروز چنین اتفاقاتـی جلوگیری کرد تا به چالـش غیرقابل‌کنترلی تبدیل نشـوند. نکته مهم در بحث فعالیت‌ها در کل دنیا این است که هرچه سطح فعالیت در جامعه بالاتر برود، ایـن امکان برای افـراد به‌وجود می‌آید که به یک شغل آبرومند دست پیدا کنند.

در گذشته، مشاغل مختلفی مثل کشاورزی و دامداری وجود داشـت که امروزه این‌گونه مشـاغل به‌دلیل توقع قشر تحصیلکرده برای پیدا کردن شغل مرتبط کمتر موردتوجه قرار گرفته اسـت، از طرفی وقتی دولت‌ها نتوانند مشـاغل مناسب برحسب نیاز افراد را در نظر بگیرند و نرخ بیکاری افزایش پیدا کند، شاهد به‌وجـود آمدن مشـاغل کاذب، کلاهبرداری و بزهکاری‌هـای مختلـف در سـطح جامعه می‌شویم.

نکته قابل‌توجه در حوزه مسـکن این است کـه برخلاف دوره‌های رکود و رونق اقتصادی کـه در بـازه زمانی معین ظهـور و بروز پیدا می‌کنند، رکود ساخت مسکن در دوره بسیار طولانی و ۷ ساله اتفاق افتاده و آسیب بسیار بزرگی به بدنـه بنگاه‌های اقتصادی مرتبط با حوزه مسکن وارد کرده است.

با تاثیر بازار مسکن بر صنایع مرتبط با خود، باید انتظار داشته باشیم که مشاغل کاذب در این حـوزه نیز به وجود بیایـد. وقتی جامعه تنوع اشـتغال ندارد، نرخ بیکاری بالا می‌رود و وقتی نرخ بیکاری بالا برود، شاهد خلق این گونه مسائل می‌شویم.

پدیده‌ای مثل ازدواج برپایه مسائل سیاسی، اجتماعـی و اقتصادی بنا شـده‌اند و امید به آینده نقش بسـیار مهمی در تشکیل خانواده دارد. وضعیـت تـورم اقتصادی بعـد از زمان جنگ به‌صـورت دائم روند صعـودی گرفت و امیدها برای بهتر شـدن اوضـاع اقتصادی کمرنگ‌تر شـد؛ این اتفاق زمانی رخ داده که اکنون بخش زیادی از جمعیت کشور در سن ازدواج هستند.

کشـور در حال حاضر نیـاز به یک آرامش چند سـاله دارد و باید با ساماندهی وضعیت معیشـتی و اقتصادی و ایجاد مشاغل جدید، مسـیر توسـعه برای همـه مردم همـوار و مشکلات اقتصادی مردم یکی پس از دیگری حل شود تا سـطح امید به زندگی در جامعه بالا رفته و مردم زندگی راحتی را تجربه کنند.

سهم پوچ کارگران از اشتغال و مسکن

محمد انوشه‌ئی
editor@smtnews.ir

تـلاش و فعالیـت برای گذراندن زندگی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار اسـت، زیرا تامین بسـیاری از نیازها در گرو کار و تلاشـی اسـت که درآمدی را نیز به‌همراه داشـته باشـد، از طرفی بیکاری یکی از بزرگ‌ترین مشکلاتی است که توازن و تعادل جامعه را بر هم می‌زند و باعث ایجاد بحران‌های متعددی در عرصه‌های مختلف زندگی فردی، اجتماعی، روانی، اقتصادی و حتی سیاسی می‌شود.

کارگران سـاختمانی در سـال‌های اخیر جزو افرادی بودند که نرخ بیکاری را بیشتر از اقشار دیگر تجربه کردند، چرا که روند سـاخت مسـکن در سـال‌های اخیر به‌شدت کاهش یافته و بیماری کرونا بسـیاری از مشاغل فصلی را به‌سمت مشـاغل کاذب سوق داد.در دولت‌های گذشته آن‌طور که باید به بازار مسـکن توجه نشـد، به‌طوری که سـهم این بخش در اقتصاد کشور به‌شدت کاهش یافت، در حالی که سـاخت مسـکن همیشه در اشتغالزایی سهم عمده‌ای ایفا کرده است.تقویت و توسعه بازار مسـکن، تاثیر مسـتقیمی بر کاهش بیکاری، افزایش تولید، کاهش آسـیب‌های اجتماعی و ارتقای وضعیت معیشتی مردم دارد. احیای بازار مسکن و رساندن آن به کارکرد و جایگاه اصلی در اقتصاد مطابق با نیازهای کشور در دولت سیزدهم باتوجه ویژه‌ای در حال پیگیری است که اگر اجرایی شود، تاثیر مستقیمی بر اشتغالزایی و کاهش نرخ بیکاری می‌گذارد. صمت در این گزارش به سهم کارگران از اشتغال و مسکن پرداخته است.



عکس: صمت

مسـکن علاوه بر اینکه باید هرچه سـریع‌تر صنعت کشـور را احیا کند، به خودی خود یک نیاز اساسـی است و ضرورت دارد در کشور سـالی ۲ میلیون واحد مسکونی ساخته شـوند تا این بازار حیاتی با افزایش عرضه، به تعادل برسد

تاثیر رکود عرضه مسکن بر رفاه جامعه



حمیدرضا سـیفی، رئیـس هیات‌مدیـره انجمن صنفی کارفرمایی استان تهران به صمت گفت: در حال حاضر ۱۴۰ صنعت مرتبط با ساختمان در کشور در حال فعالیت هستند، از این‌رو زمانی که صنعت ساختمان با رکود مواجه می‌شود، تمـام صنایع مرتبـط با خود را دچار مشـکل می‌کند. این موضوع می‌تواند با تاثیر مستقیم خود، درآمدزایی و اشتغال را بـا چالش‌های متعددی روبه‌رو کـرده و رفاه جامعه را به خطر بیندازد، همچنین اثر رکود مسکن علاوه بر اینکه رفاه جامعـه را تحت‌تاثیر قرار می‌دهـد، برخی اولویت‌های مهم کشور همچون فرزندآوری را به‌چالش می‌کشاند.

سـیفی بیان کرد: در حال حاضر هزینه‌های مسـکن، تا ۷۰ درصـد از درآمـد خانوارها را می‌بلعد و شـهروندان را با مشـکلات اساسـی روبـه‌رو می‌کند،بنابراین دهک‌های کم‌درآمـد بـرای تامین نیازهای اساسـی زندگـی خود با مشـکلات معیشـتی مواجه می‌شـوند، چرا که طبق آمار سازمان تامین اجتماعی، بیش از ۶۰ درصد جمعیت کشور حداقل‌بگیر به‌شمار می‌روند.

رئیس هیات‌مدیره انجمن صنفی کارفرمایی استان تهران تاکید کرد: مسکن علاوه بر اینکه باید هرچه سریع‌تر صنعت کشـور را احیا کند، به خودی خود یک نیاز اساسـی است و ضرورت دارد در کشـور سـالی ۲ میلیون واحد مسکونی ساخته شوند تا این بازار حیاتی با افزایش عرضه، به تعادل برسـد. این اولویت‌ها به‌خوبی نشان می‌دهد که ساختمان یک صنعت استراتژیک در کشور است.

تقویت همکاری دولت با بخش خصوصی

سـیفی، با تاکید بـر نقش بخش خصوصی در سـرعت بخشـیدن به ساخت‌وساز در کشور گفت: بخش خصوصی می‌تواند کمک شـایانی به تولید بخش مسـکن کند، چرا کـه اگر رکـود این بازار همچنان ادامه پیدا کند، اشـتغال بخش وسیعی از افراد جامعه به‌خطر می‌افتد. از سوی دیگر، دولت به‌تنهایی نمی‌تواند از پس ساخت سالی یک میلیون واحد مسـکونی در قالب طرح نهضت ملی مسـکن برآید و بایـد از تمـام ظرفیت‌های موجود بـرای افزایش بهره‌وری صنعت ساخت استفاده کند. اکنون حدود ۵۶ هزار شرکت پیمانکاری در کشـور در حال فعالیت هستند که می‌توانند سهم بزرگی در اشتغالزایی ایفا کرده و به‌طورمستقیم وارد ساخت‌وساز شـوند، چرا که دولت سیزدهم علاوه بر توجه ویژه به سـاخت مسکن در کشور، نگاه ویژه‌ای هم به بحث اشتغالزایی در سطح گسترده دارد.

وعده‌های دولت برای اشتغالزایی و ساخت مسکن

باتوجه بـه برخی آمارها طرح نهضت ملی مسـکن در مجموع به‌میـزان بالغ بـر ۷ میلیون نفر اشـتغال مسـتقیم و ۵.۲ میلیون نفر اشتغال غیرمستقیم (جمعا ۱۲.۲ میلیون نفر اشـتغال مستقیم و غیرمستقیم) در طـول دوره اجرای طرح ایجاد می‌شـود. یادآوری اینکه این حجم مربوط به طول دوره ساخت خواهد بود و باتوجه به انجام این طرح در ۲ دوره سـاخت؛ اشتغالزایی مستقیم و مستمر بر این اساس اتفاق خواهد افتاد. در همین راستا، نخسـتین جلسه شـورای‌عالی اشتغال در دولت، ۳ ماه بعد از شـروع به کار دولت سـیزدهم برگزار شد. دولت تشکیل سـریع این جلسـه را نشان از اهمیت حل مشکل اشتغال و اهتمام برای تحقق شـعار ایجاد یک میلیون شغل در سال دانسـت و با مقایسه زمان تشکیل این جلسه در این دولت و دولت پیشین تاکید داشت که هرچه سریع‌تر اشتغال در مسیر تحقق قرار گرفته است.

از این‌رو، حل بحران اشتغال یکی از ۴ محور اصلی وزارت کار معرفی شد. فعالیت زیست‌بوم ملی اشتغال، ایجاد حدود ۲۱۷ هزار فرصت شغلی جدید طی ۳ماهه اول شروع به کار دولت و توافق با ۲۶ دستگاه برای ایجاد یک میلیون و ۸۵۰ هزار شغل طی ۱۸ ماه نتیجه دومین جلسه‌ی شورای‌عالی اشـتغال بود که وزارت کار با ارائه گزارشـی از این جلسـه، اقدامات آن جلسـه را آغاز به کار ماشـین اشـتغال دولت سـیزدهم دانست. اقدامات دولت سـیزدهم، خاصه وزارت کار، در راسـتای تحقق وعده ایجاد یک میلیون شـغل در سـال، به‌شکل کامل‌تر در نمایشـگاه دستاوردهای ۶ ماهه وزارت کار رونمایی شد.

رابطه مسکن با نرخ بیکاری

رئیس هیات‌مدیره انجمن صنفـی کارفرمایی تهران در پایان گفت: آمار منتشرشده از نرخ بیکاری در کدام یک از حوزه‌های صنعت، خدمات یا کشـاورزی قرار دارد، سـپس آمار مربوط به هر حوزه به‌صورت جداگانه درصدبندی شود تا سـهم هر بخش از آن به‌صورت کامل شفاف‌سازی شود. بخش سـاختمان با تاثیرگذاری بر حوزه صنعت و خدمات می‌تواند نقش مهمی در کاهش نرخ بیکاری در جامعه ایفا کند، اما اینکه بگوییم گره اشتغالزایی به‌دست بازار مسکن باز می‌شود، درست به‌نظر نمی‌رسد.

> کشور باید زنجیره‌های ارزش دانش‌بنیان خود را از لحاظ داخلی و بین‌المللی تقویت کند تا بتواند از لحاظ زیرساختی به اشتغال برسد

صنعت، پیشران اقتصاد نیست



کمال اطهاری، کارشـناس اقتصادی به صمت گفت: اینکه صنعت می‌تواند پیشـران اقتصاد ایران باشد، یک دروغ بزرگ اسـت. تحقیقات، پژوهش‌ها و اقتصادسنجی‌های متعدد نشان داده که بخش مسـکن کشـور دچار بیماری هلندی شـده به ایـن منظور که بخـش خاصی از اقتصـاد، بخش‌های دیگر را تحت‌تاثیر خود قرار داده است.

درسـت از زمانی که بحث مسـتغلات رانتی و تراکم‌فروشی در کشـور مطرح شد، این موضوع اشتباه درباره بخش صنعت به‌وجود آمد و گمان رفت که صنعت ساخت‌وسـاز، باعث رشد اقتصادی در کشور شده و به‌طبع نرخ بیکاری را کاهش می‌دهد. این فرضیه نادرسـت از دولت نهم شـروع شد و همچنان ادامه دارد.

رابطه متعارض مسکن با بخش‌های مولد

اطهاری درباره تاثیر مسکن بر موضوع اشتغالزایی به صمت گفت: کشور باید زنجیره‌های ارزش دانش‌بنیان خود را از لحاظ داخلی و بین‌المللی تقویت کند تا بتواند از لحاظ زیرسـاختی به اشـتغال برسـد. در دولت نهم ساخت پروژهای مسکن مهر در کشور مطرح شد و تمام توجه‌ها را به خود معطوف کرد، اما با نگاهی به آمارها مشـاهده می‌کنیم که وضعیت اشـتغالزایی درکشـور با بحران جدی روبه‌رو شـده و تمام شهرهای کشور اشتغال از دست داده‌اند.

این کارشـناس خاطرنشان کرد: این اتفاق زمانی رخ داد که نیاز کشـور به نیروی کار برای ساخت‌وساز و توسعه طرح‌های مسکنی افزایش پیدا کرده بود، اما در عمل تنها در شهر تهران حدود ۳۰۰ هزار شـغل از دسـت رفت. از جهت دیگر در دولت هفتم پروژه‌های مسکنی به اندازه مسکن مهر وجود نداشت،اما بـا این حال اشـتغالزایی برای ۶۰۰ هزار نفر محقق شـد؛ این موضـوع رابطه متعارض مسـکن را با بخش‌های مولد کشـور به‌خوبی نشان می‌دهد.

وی افزود: به‌تازگی از سـوی وزارت راه و شهرسـازی اعلام شـده شـرایط ثبت‌نام در طرح نهضت ملی مسکن تغییر کرده و در شـرایط جدیـد، همه افـراد از جمله کارکنان و کسـانی کـه پیش از این حدود ۲۰ سـال پیـش وام دریافت کرده‌اند یا صاحب مسـکن هسـتند هم، می‌توانند در این طرح ثبت‌نام کنند. این اتفاق در حالی رخ داد که در یکی از شرایط مندرج برای ثبت‌نام نهضت ملی مسـکن آمده که متقاضیان، باید در ۵ سال گذشته، مالکیت زمین‌های مسکونی یا حتی واحدهای مسـکونی نداشته باشـند، همچنین، از ۲۲ بهمن سال ۱۳۵۷ نیز از امکانات نهادهای عمومی غیردولتی مربوط به مسـکن، که شـامل زمین و واحد مسـکونی، تسهیلاتی که برای خرید یا ساخت مسـکن هسـتند، اسـتفاده نکرده باشند.

مشکل، هزینه ساخت است

اطهاری درباره علت این اتفاق اظهار کرد: دولت زمین رایگان در اختیار سـازندگان قرار داده اسـت،اما هزینه‌های سـاخت، نرخ تمام‌شـده را به‌میزان قابل‌توجهی صعودی و در عمل امید بخش زیادی از دهک‌های پایین جامعه را برای خانه‌دار شدن کمرنگ می‌کند.

وی افـزود: خریـد واحدهـای پروژه نهضت ملی مسـکن نمی‌تواند از لحاظ طبقاتی به خانه‌دار شـدن اقشـار کم‌درآمد کمـک کند و با ورود دلالان و سـوداگران بـه این پروژه، این موضوع تشـدید می‌شـود. دولت جدید باید بـا برنامه‌ریزی و افزایش بهره‌وری اقتصادی، بازار مسـکن را در مسـیر توسعه قرار دهد تا دست واسطه‌ها از این بازار حیاتی کوتاه بماند.

سخن پایانی

وعده‌های مسـکنی باید باتوجه به زیرساخت‌های کشـور اجرا شـوند تا بتوانند نرخ بیکاری را کاهش دهند، درغیراین‌صورت نه‌تنها به اشـتغالزایی کمک نمی‌کنند، بلکه نرخ تورم مسـکن، افـراد کم‌درآمد جامعه را که بیشـتر کارگران هسـتند، با مشـکل مسکن و اشتغال روبه‌رو می‌کند. در سال‌های اخیر، بیش از ۲ میلیون از کارگران سـاختمانی روزمزد و کشاورزی در یک بازده زمانی ۱۸ ماهه بیکار شده‌اند و بـرای تامین مخـارج زندگی به‌ناچار به مشـاغل کاذب روی آورده‌انـد. با فرارسـیدن فصـل پاییز و رسـیدن فصل سرد سـال، به‌نظر می‌رسد کارگران فصلی، منابع درآمدی خود را از دسـت خواهند داد. از سوی دیگر، به‌دلیل تبعات اقتصادی، تورم فراگیر و بیکاری فزاینده در فصل‌های گرم سـال یعنی در بهار و تابسـتان، میزان درآمد این بخش از کارگران کشـور از ابتدای امسـال با کمبود و نزول شدیدی مواجه شـده اسـت، به‌همین دلیل بخش مهمی از کارگران کشـور در خطر سقوط معاش و مهلکه فقر قرار دارنـد، با این حال، انتظار این کارگران حمایت است تا بتوانند از این وضعیت نجات یابند.

قوه قضائیه
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره کل ثبت اسناد و املاک استان قزوین

آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی حوزه ثبتی قائم‌شهر

شناسه آگهی ۱۳۷۰۴۸۵ نوبت دوم

نظر به دستور مواد ۱ و ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمان‌هـای فاقد سـند رسـمی مصـوب ۱۳۹۰/۰۹/۲۰ املاک متقاضیانی که در هیات موضوع ماده یک قانون مذکور مسـتقر در واحد ثبتی قائم‌شـهر مورد رسیدگی و تصرفات مالکانه و بلامعارض آنـان محـرز و رای لازم صادر گردیده جهت اطلاع عموم به شـرح ذیل آگهی می گردد:

املاک متقاضیان واقع در قریه سارو کلاپلاک ۱۸ اصلی بخش ۱۶ ۵۴۶۴ فرعی به نام آقای مرتضی یدالهی نسـبت به ششدانگ یک قطعـه زمین که در آن احداث بنا شـده است به مسـاحت ۳۴۶.۰۹ متر مربع خریداری مع‌الواسطه از آقای حسن کوچک مالک رسمی.

لـذا به موجب مـاده ۳ قانون تعییـن تکلیف وضعیـت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقـد سند رسمی و ماده ۱۳ آیین‌نامه مربوطه این آگهـی در دو نوبت به فاصلـه ۱۵ روز از طریق این روزنامه محلی/ کثیرالانتشار در شـهرها منتشر و در روستاها علاوه‌بر انتشار آگهی، رای هیـات الصاق تا در صورتی که اشـخاص ذی‌نفع بـه آرای اعلام شـده اعتراض داشـته باشـند باید از تاریخ انتشار اولین آگهی و در روستاهـا از تاریخ الصاق در محل تا دو مـاه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم و رسید اخذ نمایند. معترض باید ظرف یـک ماه از تاریخ تسـلیم اعتراض مبادرت به تقدیـم داد خواست به دادگاه عمومی محل نماید و گواهی تقدیم داد خواست به اداره ثبت محـل تحویل دهد که در این صـورت اقدامات ثبت موکول به ارائه حکم قطعـی دادگاه است و در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم داد خواست به دادگاه عمومی محـل ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت می‌نماید و صـدور سند مالکیـت مانع از مراجعـه متضرر به دادگاه نیسـت. بدیهی اسـت برابر ماده ۱۳ آیین‌نامه مذکور در مورد قسـمتی از املاکی که قبلا اظهارنامه ثبتی پذیرفته نشده، واحد ثبتی با رای هیات پـس از تنظیم اظهارنامه حـاوی تحدید حدود، مراتـب را در اولین آگهـی نوبتی و تحدید حـدود به صورت همزمان بـه اطلاع عموم می‌رساند و نسـبت بـه املاک در جریان ثبـت و فاقد سابقه تحدید حـدود، واحـد ثبتی آگهـی تحدید حـدود را به صـورت اختصاصی منتشر می‌نماید.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۱/۰۶/۰۵ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۱/۰۶/۱۹

یونس قصابی – رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان قائم‌شهر

قوه قضائیه
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره کل ثبت اسناد و املاک لرستان

آگهی فقدان سند مالکیت

عصمت اندوهیان فرزند مهدی ش‌ش ۲۸۴ به شماره ملی ۴۱۳۱۷۴۲۰۵۵ طبق گواهی حضر وراثـت ۹۷۰۹۹۸۶۶۹۷۲۰۰۴۹۲ مورخ ۹۷/۵/۲۱ قاضی شورای حل اختلاف شعبه خرم‌آباد فوت نموده واحدی از ورثه به نام فرهاد خود کار با وکالت از کلیه ورثه طبق وکالتنامه‌های ۱۴۳۴۸ مورخ ۴۰۱/۰۵/۲۳ دفتـر ۲۲۲ کرج و ۱۰۸۷۹ مورخ ۴۰۱/۰۵/۲۷ دفتر ۴۰ خرم‌آباد و ۴۸۱۸۲ مـورخ ۴۰۱/۰۵/۲۶ دفتر ۱۶۹ کرج و طبق تقاضای شـماره ۲۵۳۶۲ مورخ ۱۴۰۱/۶/۱۴ با اسـتناد دو برگ استشـهادیه گواهی امضاء شـده وارده به شـماره ۲۵۳۶۲ مورخ ۱۴۰۱/۰۶/۱۴ دفتـر ۴۰ خرم‌آباد منضم به تقاضای کتبی دریافت سـند مالکیت المثنی نوبـت اول به این اداره مراجعه نموده و مدعی اسـت پنج‌دانگ مشاع از ششدانگ سند مالکیت دفترچه‌ای به شماره ۶۴۴۹۷۰ تحـت پـلاک ۹۷ فرعی از ۲۰۴۸ اصلی واقـع در بخش ۱ خرم‌آباد متعلق به عصمت اندوهیان می‌باشد که به علت سهل‌انگاری مفقود گردیده اسـت با بررسـی دفتر املاک معلوم شـد ششدانگ سـن مالکیت اولیه ذیل ثبـت ۱۵۰۰۸ صفحـه ۴۰۶ جلد ۱۰۸ به نام عصمت اندوهیان ثبت و صادر و تسلیم شده است که برابر سند قطعی ۳۱۷۳۰ مورخ ۶۵/۱۰/۱۳ دفترخانه ۵ خرم‌آبـاد بـه نامش ثبت گردیده اسـت کـه نامبرده برابر سـند قطعی ۸۸۰۶۰ مورخ ۸۶/۵/۱۶ دفتر ۹ خرم‌آباد یک دانگ مشـاع از مورد ثبت را به ابوالحسـن خود کار واگذار نمود و دفتر املاک بیش از این حکایتی ندارد لذا به اسـتناد تبصره یک ماده ۱۲۰ آیین‌نامه اصلاحی قانون ثبت مراتب در یک نوبت آگهی و متذکر می گردد هر کسـی نسـبت به ملک مورد آگهی معامله‌ای انجام داده یا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود می‌باشد بایستی ظـرف مـدت ۱۰ روز از تاریخ انتشـار ایـن آگهی اعتراض کتبـی خود را به پیوست اصل سند مالکیت یا سند معامله‌ای به این اداره تسلیم نماید بدیهی اسـت در صـورت عدم اعتراض در مهلت مقرر و یـا وصول اعتراض بدون ارائه سند مالکیت یا سند معامله رسمی نسبت به صدور سند مالکیت المثنی و تسلیم آن به متقاضی اقدام خواهد شد.

صید آقا نجفوند دریکوندی، رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان خرم‌آباد

آگهی فقدان سند مالکیت

نظر به اینکه آقای فرشاد رضاقلی بموجب وکالتنامه شماره ۲۵۸۲۳ ـ ۱۴۰۱/۴/۲۳ دفترخانه ۳۶۱ تهران بوکالت از عباس پیچک و لیلا ملکی مهابادی با اراده تقاضانامه شماره ۱۰۲۵۰۱۶۶۹۵ ـ ۱۴۰۱/۵/۳۰ و استشهادیه شماره ۳۳۵۰۵۳ ـ ۱۴۰۱/۵/۳ دفترخانه ۳۶۱ تهران یک قطعه آپارتمان مسکونی نوع ملک طلق با کاربری به پلاک ثبتی ۶۹۱۱ فرعی از ۶۷۶۱ اصلی ، مفروز و مجزا شده از ۱۳۱۹ فرعی از اصلی مذکور ، قطعه ۲ تفکیکی در طبقه ۱ و واقع در بخش ۰۲ ناحیه ۰۰ حوزه ثبت ملک نارمک تهران استان تهران به مساحت ۹۱/۴۹ متر مربع ، واقع درسمت جنوبی طبقه اول که (۲/۷۶) دو متر و هفتاد و شش دسیمتر مربع آن بالکن است . پارکینگ قطعه ۱ به مساحت ۱۱ مترمربع و انباری قطعه ۹ به مساحت ۲/۲ مترمربع بنام آقای عباس/ پیچک مالک سه دانگ موضوع سند مالکیت اصلی شماره چاپی ۲۵۳۱۷۸ سری الف سال ۹۶ با شماره دفتر الکترونیکی ۱۳۹۶۲۰۳۰۱۰۲۵۰۴۵۳۵۷ ثبت و بنام خانم لیلا / ملکی مهابادی مالک سه دانگ مشاع از شش دانگ عرصه و اعیان با شماره مستند مالکیت ۳۳۲۸۹ تاریخ ۱۳۹۶/۰۹/۰۲ دفترخانه اسناد رسمی شماره ۶۲۵ شهر تهران موضوع سند مالکیت اصلی بشماره چاپی ۲۵۳۱۷۹ سری الف سال ۹۶ با شماره دفتر الکترونیکی ۱۳۹۶۲۰۳۰۱۰۲۵۰۴۵۳۵۸ ثبت گردیده است بعلت جابجایی مفقود گردیده و درخواست صدور سند مالکیت المثنی پلاک موصوف را نموده است لذا مراتب در اجرای ماده ۱۲۰ آئین نامه قانون ثبت فقط در یک نوبت در یک روزنامه کثیرالانتشار (همین روزنامه) آگهی میشود تا چنانچه کسی ادعای انجام معامله نسبت به ملک مذکور و یا وجود اصل سند مالکیت نزد خود را داشته باشد از تاریخ انتشار این آگهی ظرف مهلت ۱۰ روز اعتراض خود را به انضمام اصل سند مالکیت به این منطقه ارائه نماید تا مورد رسیدگی قرار گیرد بدیهی است اصل سند مالکیت پس از رویت و ملاحظه به ارائه دهنده اعاده خواهد شد لیکن به اعتراض بدون ارائه اصل سند مالکیت ترتیب اثر داده نمی‌شود . در صورت عدم وصول واخواهی ظرف مهلت مقرر قانونی المثنی سند مالکیت پلاک مرقوم صادر و به متقاضی تسلیم خواهد گردید (شناسه آگهی : ۱۳۷۷۳۳۹) ۳

۱۲۷۸۱/م الف

غلامرضا غضنفری- سرپرست واحد ثبتی حوزه ثبت ملک نارمک تهران

خطر بیکاری جدی است

نبود تشکل کارگری مستقل مانع امنیت شغلی

از قرن هجدهم، جمعیت به مثابه یک سازه اجتماعی مطرح شد و به‌دنبال آن، آمارهای جمعیتی به‌عنوان ابزاری برای آسیب‌شناسی و برنامه‌ریزی مورد توجه سیاست‌گذاران و حاکمیت قرار گرفت. رصد آمار کار و اشتغال در ایران حکایت از آن دارد که در طول سال‌های گذشته، اغلب قراردادهای کاری، موقت و به‌شدت کوتاه‌مدت شده‌اند. این موضوع به‌منزله از میان رفتن امنیت و ثبات شغلی در میان کارگران و به‌ویژه قشر محروم جامعه است؛ قشری که ناچار است با حداقل دستمزد و تنها به بهانه تامین معیشت به سخت‌ترین کارها تن دهد. با توجه به آمار چشمگیر قراردادهای موقت و آثار آن بر زندگی و زیست مردم، انتظار می‌رود از این ارقام و نرخ‌های جمعیتی برای کنترل و ساماندهی شرایط و همچنین بازگشت امنیت استفاده شود. با این وجود در جامعه ما گویا هیچ عزمی برای ساماندهی و کنترل مسائل جمعیتی وجود ندارد؛ بنابراین هر روز بیش‌ازپیش شاهد به حاشیه رفتن کارگران و نادیده گرفتن آنها هستیم.



عکس: صمت

یکی از مهم‌ترین گلوگاه‌های مبارزه کارگری در کشور، نبود تشکل کارگری است. تشکل‌هایی که در حال‌حاضر به صورت دولتی و نیمه‌دولتی، فعالیت می‌کنند نیز عموما به جناح‌های سیاسی وابسته هستند و نظرات آنها را پیاده می‌کنند

مرضیه احقاقی
editor@smtnews.ir

خطر از دست رفتن شغل



زهرا کریمی، استاد دانشگاه در گفت‌وگو با صمت اظهار کرد: اقتصاد کشور در طول سال‌های گذشته با چالش‌های جدی روبه‌رو بوده و تحت‌تاثیر شرایط نامساعد اقتصادی، فرصت‌های شغلی متعددی در خطر از دست رفتن قرار دارند. وی افزود: در همین حال، بنگاه‌های صنعتی در شرایط پرابهام و وضعیت دشوار اقتصادی به فعالیت خود ادامه می‌دهند. نرخ ارز با نوسانات قابل‌توجهی روبه‌رو است و میزان خرید مردم دائم کاهش یافته؛ بنابراین بنگاه‌های اقتصادی در شرایط نامساعد اقتصادی هستند، موقعیت‌های شغلی لازم ایجاد نمی‌شود و تقاضا برای نیروی کار جدید کاهش یافته است.

کریمی گفت: همزمان عرضه نیروی کار در کشور در طول سال‌های گذشته افزایش یافته است. البته رشد عرضه نیروی کار، از یک سو به‌دلیل افزایش جمعیت در سن کار و از سوی دیگر، ورود فزاینده زنان تحصیلکرده به بازار کار بوده؛ درنتیجه درخواست شغل بیش از موقعیت‌های شغلی ایجادشده در کشور است. این استاد دانشگاه افزود: در چنین شرایطی، بنگاه‌های اقتصادی تمایل دارند قراردادهای کوتاه‌مدت با کارگران و نیروی کار خود ببندند تا در صورت لزوم به‌آسانی به تعدیل نیروی کار اقدام کنند.

وی افزود: البته سخت‌گیری قانون کار در مواجهه با بنگاه‌های اقتصادی که با مشکلات مالی روبه‌رو هستند و درخواست تعدیل نیرو دارند نیز در این شرایط موثر بوده است. براساس قانون، کارفرما نمی‌تواند نیروی کاری که قرارداد کوتاه‌مدت ندارد را به‌سادگی اخراج کند. به همین دلیل، صاحبان سرمایه و کسب‌وکار در شرایط دشوار کنونی، ترفندهایی برای دور زدن قانون به‌کار می‌گیرند که یکی از آنها، قراردادهای یک‌ماهه برای کارهای مستمر و طولانی است. در سال‌های اخیر، انعقاد قراردادهای کوتاه‌مدت میان کارگر و کارفرما به‌شدت افزایش یافته است. در حال‌حاضر کارگران در ایران با شرایط کاملا متفاوتی کار می‌کنند. افراط و تفریطی که در این سال‌ها شاهد آن بودیم، آسیب‌هایی را حتی به کارگران تحمیل کرده است. گروه به‌نسبت کوچکی از ثبات آهنین شغلی برخوردار هستند و بخش بسیار بزرگی از بی‌ثباتی شدید شغلی رنج می‌برند.

کریمی گفت: از مجموع موارد یادشده می‌توان این‌طور برداشت کرد که بخش زیادی از مشکلات ما به کساد و رکود نسبی اقتصاد ایران مربوط است. همزمان سخت‌گیری‌های قانون کار موجب می‌شود کارفرما با انعقاد قراردادهای کوتاه‌مدت از دشواری‌های قانون کار فرار کند. علاوه بر این، نبود تشکل‌های کارگری و کارفرمایی قوی و مذاکرات دسته‌جمعی و ایجاد فضایی مناسب برای چانه‌زنی و حل مشکلات، به بروز و تداوم چنین چالش‌هایی منجر شده است. وی در ادامه و در پاسخ به سوالی مبنی بر نقش دولت در ایجاد ثبات کاری، اظهار کرد: دولت وظیفه ایجاد امنیت، آرامش و ثبات در اقتصاد را بر عهده دارد. با گسترش امنیت، صاحبان سرمایه می‌توانند به فعالیت‌های بلندمدت تولیدی اقدام کنند، سرمایه‌ها به کشور وارد و فرصت‌های شغلی بسیاری ایجاد می‌شود. دولت باید برای بخش خصوصی انگیزه فعالیت ایجاد کند تا امکان سرمایه‌گذاری‌های مولد و بلندمدت فراهم شود. در حال‌حاضر با توجه به بی‌ثباتی که بر اقتصاد کشور سایه انداخته و در شرایطی که آینده تعاملات ما با دیگر کشورهای جهان، روشن و شفاف نیست، نمی‌توان به رشد سرمایه‌گذاری و بهبود شرایط کار در کشور چندان امیدی داشت. کریمی گفت: علاوه بر چالش‌های یادشده در بخش خارجی، تغییر مداوم قوانین و مقررات و کارآیی بسیار ضعیف نهادهای اجرایی، موانع جدی در مسیر رشد سرمایه‌گذاری، تولید و اشتغال در کشور است. توجه به این نکته ضروری به‌نظر می‌رسد که عملکرد بخش خصوصی انعکاسی از عملکرد بخش دولتی است. در کشورهای موفقی مانند کره جنوبی، تایوان و چین، دولت شرایط مناسبی برای فعالیت بخش خصوصی فراهم آورده است. رشد سرمایه‌گذاری به ایجاد فرصت‌های شغلی منتهی می‌شود. در چین که حزب کمونیست قدرت را در اختیار دارد، سرمایه‌های بخش خصوصی داخلی و خارجی اقتصاد را به حرکت درآورده و تحسین جهانیان را برانگیخته است؛ بنابراین دولت در ایجاد ثبات، تسهیل فرآیند توسعه و اشتغالزایی نقش ویژه‌ای دارد.

کریمی درباره کاهش امنیت شغلی در بخش خصوصی و حضور شرکت‌های پیمانکاری نیروی انسانی، گفت: قراردادهای کوتاه‌مدت که امنیت شغلی نیروی کار را به خطر می‌اندازد، در بخش خصوصی رواج بیشتری دارد، اما در طول سال‌های گذشته، نهادهای دولتی نیز بخشی از امور را به پیمانکاران سپرده‌اند.

واگذاری خدمات استخدام نیروی کار به شرکت‌های پیمانکاری از دهه ۱۹۹۰ در جهان مطرح شد و در ایران در دهه ۱۳۷۰ موردتوجه قرار گرفت. استخدام از طریق شرکت‌های پیمانکاری، مشکل استخدام و اخراج نیروی کار در بنگاه‌های بزرگ را از بین می‌برد. شرکت‌های پیمانکاری نیروی کار به‌دلیل ایجاد ناامنی و پایین نگاه‌داشتن مزد در ۳ دهه گذشته، موردانتقاد بسیاری واقع شده، اما کاملا از بین نرفته است. در کل، وضعیت بد اقتصادی همراه با ضعف تشکل‌های کارگری و کارفرمایی در ایران، شرایط کار در بسیاری از بنگاه‌ها را بی‌ثبات کرده، اما دلیلی در دست نیست که با بهبود شرایط اقتصادی این مشکل حل شود. در حال‌حاضر شرکت‌هایی نیز هستند که سودآوری بسیار خوبی دارند، اما با نیروی کار قراردادهای کوتاه‌مدت منعقد می‌کنند و به نیروی کار نیمه‌ماهر با تحصیلات دانشگاهی حداقل مزد را می‌پردازند. در واقع نیروی کار، نهادی برای چانه‌زنی و بهبود شرایط کار در اختیار ندارد. در شرایطی تشکلی برای پیگیری امور مربوط به کارگران وجود ندارد که وضعیت بازار کار مساعد نیست. ذکر این نکته ضروری است که در شرایط کساد، توان چانه‌زنی نیروی کار کاهش می‌یابد و نبود تشکل‌های قوی این ضعف را تشدید می‌کند.

قراردادهای کوتاه‌مدت که امنیت شغلی نیروی کار را به خطر می‌اندازد، در بخش خصوصی رواج بیشتری دارد، اما در طول چند سال گذشته، نهادهای دولتی نیز بخشی از امور را به پیمانکاران سپرده‌اند

همبستگی، ابزار مقابله با بی‌ثباتی



بهرام حسنی‌نژاد، فعال کارگری در گفت‌وگو با صمت اظهار کرد: سیاست‌های دولت و حاکمیت در چند دهه گذشته به بی‌ثباتی هرچه بیشتر بازار کار کشور منتهی شده و زمینه ارزان‌سازی نیروی کار را فراهم کرده است. وی افزود: سیاست‌های منتهی به ناامنی شغلی در کشور از دوران سازندگی آغاز شد و با شدت ادامه یافت، تا جایی‌که می‌توان ادعا کرد شرایط کارگران در هر دولتی بدتر از دولت قبل شد.

این فعال کارگری خاطرنشان کرد: انعقاد قراردادهای کوتاه‌مدت میان کارگر و کارفرما، لغو دستورالعمل‌های ۳۶ و ۳۸ روابط کار (طبقه‌بندی مشاغل) و همچنین جلوگیری از تشکیل تشکل‌های مستقل کارگری، از دلایل بروز شرایط کنونی و از میان رفتن ثبات شغلی است. وی افزود: با تداوم سیر بی‌ثبات‌سازی کار، امنیت شغلی کارگران از میان رفته است. در چنین فضایی، زندگی و معاش کارگران هر روز دشوارتر از قبل می‌شود. به‌ویژه آنکه با توجه به روند رو به رشد تورم، شاهد افزایش هزینه‌های تامین معیشت خانواده‌ها هستیم. متاسفانه هیچ سیاستی برای بهبود شرایط در دستور کار دولت نیست و امیدی به بهبود وجود ندارد. این اقدام به ارزان‌سازی نیروی کار در کشور منتهی می‌شود.

حسنی‌نژاد درباره اثرات فرآیند خصوصی‌سازی در اقتصاد و از بین رفتن امنیت شغلی کارگران گفت: خصوصی‌سازی، اثرات مستقیم و منفی آشکاری بر از میان رفتن امنیت شغلی کارگران و ترویج بی‌ثباتی در این بخش داشته است. کمااینکه بخشی از نتایج آن را در عملکرد شرکت‌هایی همچون آذراب و هفت‌تپه در طول سال‌های گذشته مشاهده کرده‌ایم. علاوه بر این، صنایع بسیار دیگری با خصوصی‌سازی اقدام به تعدیل نیروی انسانی خود کرده‌اند که هیچ‌گاه اخبار قوی از آنها منتشر نشده و انعکاس رسانه‌ای لازم را نداشته‌اند.

این فعال کارگری تاکید کرد: متاسفانه باید بپذیریم خصوصی‌سازی در کشور به اشتباه‌ترین شکل ممکن انجام شد و گویی اموال عمومی به تاراج رفت و به افراد غیرمتخصص و ناکارآمد واگذار شد. در واقع از خصوصی‌سازی برای کسب درآمدهای رانتی استفاده و این اقدام در نهایت به ضرر صنایع منتهی شد. وی در ادامه خاطرنشان کرد: ایجاد تشکل‌های قوی کارگری، مهم‌ترین راهکار برای مقابله با این شرایط است. با این وجود در طول سال‌های گذشته بسیاری از نهادهای دولتی و حتی وزارت تعاون و کار و رفاه اجتماعی که انتظار می‌رود از حقوق کارگران دفاع کند، هم مانع تشکیل تشکل‌های قوی کارگری بوده‌اند. در واقع موانعی در مسیر همبستگی کارگران ایجاد شده، چراکه احتمال می‌رود این همبستگی به ابزاری برای مقابله با بی‌ثباتی شغلی بدل شود.

حسنی‌نژاد گفت: یکی از مهم‌ترین گلوگاه‌های مبارزه کارگری در کشور، نبود تشکل کارگری است. تشکل‌هایی که در حال‌حاضر به صورت دولتی و نیمه‌دولتی فعالیت می‌کنند نیز عموما به جناح‌های سیاسی وابسته هستند و نظرات آنها را پیاده می‌کنند؛ بنابراین نقش آنها در ایجاد همبستگی برای رسیدن کارگران خواسته‌های صنفی‌شان، نزدیک به صفر است.

سخن پایانی

در دهه‌های اخیر، قرارداد میان کارگر و کارفرما به ابزاری برای کارفرمایان یا صاحبان سرمایه با هدف استثمار حداکثری از نیروی کار بدل شده و بر همین اساس، هر روز قراردادهای کاری کوتاه‌مدت‌تر می‌شوند. در چنین شرایطی، کارگران حتی امکانی برای تشکل‌یابی و دفاع از حقوق قانونی و مشروع خود هم ندارند، چراکه هر فعالیت صنفی و تلاش برای آگاهی‌بخشی جمعی به‌منزله بیکاری کارگران و محروم شدن آنها از حقوق ابتدایی و کمترین درآمدها برای تامین زندگی خواهد بود. در این میان، دولت به‌عنوان قوه مجریه، خود را از ساماندهی و اجرای قوانین کار، کنار کشیده و سایر نهادها نیز نظارتی بر اجرای قوانین کار ندارند. در این موقعیت، دست سرمایه‌داران برای بهره‌مندی هرچه بیشتر از توان کارگران باز گذاشته شده و خصوصی‌سازی‌های بی‌اندازه و اشتباه، نیروی کار را با فشارهای مضاعفی روبه‌رو کرده، چراکه بخش خصوصی خود را متعهد به نیروی کار نمی‌داند و تنها به‌دنبال سودسازی بیشتر است. توجه به این نکته ضروری به‌نظر می‌رسد که سرمایه بی‌رحم به‌دنبال کسب سود حداکثری است؛ بنابراین برای بهبود و اصلاح شرایط حاکم بر روند کار، انتظار می‌رود سازکارهای قانونی حاکم بر عملکرد کارگران اصلاح شود و دولت به وظایف حمایتی خود از مردم یا جامعه بازگردد. در غیر این‌صورت، این شرایط هر روز دشوارتر خواهد شد.

یادداشت

سرمایه بی‌رحم است



فرامرز توفیقی
فعال کارگری

در دهه‌های اخیر، شرایط ناپایداری بر نظام کاری کشور حاکم شده و نبود ثبات شغلی به‌عنوان چالشی فراگیر، مطرح است. در ماده ۷ قانون کار، مصوب ۱۳۶۹ تاکید شده: «قرارداد کار عبارت است از قرارداد کتبی یا شفاهی که به موجب آن، کارگر در قبال دریافت حق‌السعی، کاری را برای مدت موقت یا مدت غیرموقت برای کارفرما انجام می‌دهد.»

در ادامه در تبصره یک این ماده آمده: «حداکثر مدت موقت برای کارهایی که طبیعت آنها جنبه غیرمستمر دارد از سوی وزارت کار و امور اجتماعی تهیه خواهد شد و به تصویب هیات وزیران خواهد رسید.» در تبصره ۲ ماده ۷ قانون کار نیز چنین آمده: «در کارهایی که طبع آنها جنبه مستمر دارد، در صورتی که مدت در قرارداد ذکر نشود، قرارداد دائمی تلقی می‌شود.»

با این وجود در بیش از ۳ دهه گذشته، هیچ دولتی اقدام عملیاتی برای اجرایی شدن این ماده قانونی، انجام نداده و بدین ترتیب شاهد شرایط کنونی و اثرات سوء آن بر زندگی کارگران هستیم.متاسفانه در این سال‌ها هیچ‌گاه مشاغل با ماهیت موقت و مشاغل با ماهیت دائم مشخص نشده‌اند، کارفرماها نیز از این خلأ قانونی سوءاستفاده کرده و قراردادها را کم‌کم به سمت قراردادهای موقت سوق داده‌اند، تا جایی که شاهد گسترش قراردادهای یک‌ساله، ۶ ماهه، ۳ ماهه، یک ماهه و حتی قراردادهای سفیدامضا هستیم. با این وجود در چند دهه گذشته، هیچ دولت، درصدد اصلاح این فرآیند برنیامده است. حال این سوال مطرح می‌شود، کارگری که با قراردادهای کوتاه‌مدت یک یا چند ماهه به‌کار گرفته می‌شود، یا قبل از شروع به کار امضا می‌دهد که تمام حق و حقوق خود را دریافت کرده، چه امنیت شغلی دارد؟

توجه به این نکته ضروری به‌نظر می‌رسد که نبود ثبات در کار، عوارض متعددی را برای جامعه به‌دنبال دارد. از جمله آنکه امکان برنامه‌ریزی بلندمدت و میان‌مدت از خانواده‌ها سلب می‌شود. کاهش امید به آینده، کاهش نرخ موالید، ایجاد استرس‌های زندگی و به تبع آن بیماری‌های روحی و روانی، بداخلاقی اجتماعی، نزاع خانوادگی و... همگی از پیامدهای از بین رفتن ثبات شغلی هستند.

در ادامه و در ارزیابی نقش فرآیند خصوصی‌سازی در گسترش یا کاهش ثبات‌کاری باید تاکید کرد که متاسفانه فرآیند خصوصی‌سازی در کشور به اشتباه‌ترین شکل ممکن اجرایی شده که از آن با عنوان خصولتی‌سازی یاد می‌شود. در واقع نهادهای سودساز به اطرافیان تصمیم‌گیران منتقل شده‌اند و در این میان، شایستگی و توانمندی مدیران هیچ‌گاه به بوته نقد و آزمایش گذاشته نشده است. این در حالی است که در سایر کشورها، این فرآیند طبق ضوابط کاملا مشخصی اجرایی خواهد شد، اما در نبود ضوابط، عملا حقوق کارگران نادیده انگاشته می‌شود.

صاحب سرمایه به‌دنبال آن است از کارگران تا زمانی استفاده کند که صرفه اقتصادی و بهره‌وری کافی برای او داشته باشند و به محض آنکه احساس کرد از صرفه اقتصادی یک کارگر کاسته شده و فردی را با قابلیت‌های یکسان و هزینه کمتر می‌تواند جایگزین کند، بلافاصله اقدام می‌کند. در واقع ذات سرمایه بی‌رحم است.

در پایان و در ارزیابی عملکرد دولت‌ها در ایجاد ثبات شغلی و امنیت کاری باید تاکید کرد که عملکرد تمامی دولت‌های پیشین برای ایجاد ثبات شغلی، بسیار ضعیف بوده است. این ضعف در تمام دولت‌ها وجود داشته و می‌توان گفت، قوه مجریه به وظایف قانونی خود عمل نکرده است.

ماده ۷ قانون کار، اجرایی نشده و هیچ قوه مقننه‌ای نیز دولت‌ها را در این‌باره مورد پرسش قرار نداده است. اجرای قانون تنها راه اصلاح شرایط و اصلاح تفکرات سوداگرانه، تنها راه برخورد با این شرایط است. با این وجود در عمل نشانه‌ای از بهبود مشاهده نمی‌شود.

اعطای ۴۱ هزار میلیارد ریال تسهیلات توسط بانک سپه

بیش از ۴۱ هزار میلیارد ریال در قالب ۹۵ هزار فقره تسهیلات تکلیفی تا پایان مردادماه سال‌جاری توسط بانک سپه در حوزه‌های ودیعه مسکن، ازدواج، فرزندآوری، وام بدون ضامن و قرض‌الحسنه خوداشتغالی کمیته امداد امام(ره) و بهزیستی پرداخت شد. به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی بانک سپه؛ این بانک به‌منظور اجرای تکالیف ابلاغی از سوی بانک مرکزی و تثبیت حضور در صدر جدول پرداخت تسهیلات بدون ضامن در بین بانک‌های کشور از تاریخ ابلاغ این طرح از بهمن‌ماه ۱۴۰۰ تا پایان مردادماه سال‌جاری بالغ بر ۲۷۴ هزار فقره پرونده و معادل ۷۵ هزار و ۴۶۸ میلیارد ریال تسهیلات پرداخت کرد که از این تعداد بیش از هجده هزار میلیارد ریال به ۶۶ هزار فقره پرونده در مردادماه اختصاص داشت.

تسهیلات قرض‌الحسنه ازدواج برای هریک از زوج‌هایی که تاریخ ازدواج آن‌ها بعد از ۱۳۹۷/۰۱/۰۱ بوده، ۱۲۰ میلیون تومان برای زوج‌های زیر بیست‌وپنج سال و زوجه‌های زیر بیست‌وسه سال نیز ۱۵۰ میلیون تومان بود که بانک سپه بالغ بر ۱۲هزار میلیارد ریال را در مرداد ماه به هشت هزار و ۴۶۸ پرونده پرداخت کرد. بانک سپه همواره در پرداخت تسهیلات قرض‌الحسنه ازدواج با کارمزد ۴ درصد، در زمره بانک‌های برتر کشور قرار داشته است.

این بانک همچنین در حوزه تسهیلات فرزندآوری طی مردادماه سال جاری برای ۱۴هزار و ۶۶۶ فقره پرونده، معادل ۶هزارمیلیارد ریال اختصاص داده است.

اختصاص دو هزار و ۲۹۱ میلیارد ریال به دو هزار و ۶۵۸ فقره پرونده تسهیلاتی قرض‌الحسنه خوداشتغالی به مددجویان کمیته امداد امام خمینی(ره) و نیز اختصاص ۵۶۳ میلیارد ریال به ۶۴۸ فقره پرونده تسهیلاتی قرض‌الحسنه خوداشتغالی به مددجویان بهزیستی، از دیگر اقدامات حمایتی از واحدهای تولیدی و رفع نیازهای تسهیلاتی خرد مشتریان بانک سپه بوده است.

تسهیلات کمک ودیعه مسکن نیز براساس مصوبه شورای پول و اعتبار در بانک سپه به بیش از ۳ هزار فقره پرونده‌ای که از شرایط دریافت آن در مردادماه برخوردار بودند، به مبلغ یک هزار و ۷۵۷ میلیارد ریال پرداخت شد. این درحالی است که اولویت با کسانی است که پیش از این تسهیلات مذکور را دریافت نکرده‌اند.

بانک سپه از ابتدای سال جاری علاوه بر رصد و پایش شرایط بازار پولی و مالی کشور، با انجام اقدامات بهبود دهنده شاخص‌های کارایی، نوآوری و بهره‌وری همسو با اجرای طرح تحول راهبردی، رشد مقرر را به‌صورت متوازن در ابعاد مختلف دنبال می‌کند و کماکان با حمایت از واحدهای تولیدی و رفع نیازهای تسهیلاتی خرد مشتریان در نظام بانکی و اقتصاد کشور اثرگذار است.

آگهی تحدید حدود اختصاصی

در اجرای مفاد رأی شماره ۱۴۰۰۶۰۳۰۱۱۴۷۰۰۰۸۲۲ مورخ ۱۴۰۰/۸/۴ و اصلاحی ۱۴۰۰۶۰۳۰۱۱۴۷۰۰۲۱۰۳ مورخ ۱۴۰۰/۱۲/۱۴ صادره از هیأت قانون تعیین تکلیف مستقر در ثبت زیبا دشت و به استناد ماده ۱۳ قانون و ماده ۱۳ و ۱۴ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سندرسمی، چون تحدید حدود ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی در آن به مساحت ۷۹/۶ مترمربع پلاک ۶ فرعی از ۲۳۸ اصلی مفروز و قسمتی از پلاک ۲۳۸ اصلی واقع در بخش ده تهران مورد تقاضای مریم سلیمی فرزند علی اصغر به شماره شناسنامه ۶۹۰۵ کد ملی ۰۰۵۶۲۶۸۹۷۱ صادره از تهران تاکنون بعمل نیامده و عمل به تبصره ماده ۱۵ قانون ثبت مقدور نبوده است. لذا عملیات تحدید حدود ملک مذکور در ساعت ۱۱ صبح روز یکشنبه تاریخ ۱۴۰۱/۰۷/۱۰ در محل وقوع ملک شروع و بعمل خواهد آمد. بدینوسیله باطلاع مجاورین پلاک ثبتی موصوف می رساند در روز و ساعت مقرر در محل حضور به هم رسانند. چنانچه اعتراضی به حدود و حقوق ارتفاقی داشته باشند ظرف مدت یک ماه از تاریخ تنظیم صورتمجلس تحدید حدود اعتراض خود را به اداره ثبت اسناد و املاک زیبادشت تسلیم و رسید دریافت دارند و در اجرای تبصره ۲ ماده واحده اصلاح مواد ۱۶ و ۲۰ قانون ثبت مصوب ۷۳/۳/۲۵ مجلس محترم شورای اسلامی ظرف مدت یکماه دادخواست اعتراض خود را به مرجع قضایی تقدیم و گواهی آن را به دفتر این اداره تسلیم و رسید اخذ نمائید. تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۰۶/۱۹ تاریخ تحدید: ۱۴۰۱/۰۷/۱۰ (شناسه آگهی: ۱۳۷۷۳۳۵)

۱۲۷۸۰/م الف

منوچهر کاظم اصلانی- رئیس واحد ثبتی حوزه ثبت ملک زیبادشت تهران

یادداشت

ظلمی که به معدنکاری روا می‌شود



بهمن آرمان
اقتصاددان و استاد دانشگاه

معدنداران مدت‌هااست که نسبت به این موضوع گله‌مند هستند که برای واردات ماشین‌آلات و تکنولوژی روز با محدودیت و ممنوعیت‌های فراوانی، چه داخلی و چه خارجی، روبه‌رو هستند و به این دلیل میزان بهره‌وری این حوزه اقتصادی بسیار پایین‌تر از استانداردهای جهانی است.

مشکلات موجود از یک‌سو متاثر از سیاست‌های دولت است، که مانع فعالیت‌های بخش خصوصی مولد می‌شود و از سوی دیگر حاصل جو پرتنش موجود در روابط خارجی کشور است که راه حضور شرکت‌های پیشرفته معدنی در ایران را سد کرده است.

کشور ما به‌علت اینکه جایگاه خوبی از نظر برخورداری از مواد معدنی دارد، بلافاصله پس از برجام اول، یکی از شرکت‌های معدنی بزرگ کره‌جنوبی به نام پسکو (PESCO) که دومین شرکت بزرگ فولاد جهان است و کمابیش ۲.۵ برابر کل فولاد ایران را تولید می‌کند، تیمی را برای مطالعه سرمایه‌گذاری به ایران فرستاد؛ نتیجه‌ای که از مطالعات آنها حاصل شد، این بود که ایرانی‌ها از ابزار و تکنولوژی منسوخ استفاده می‌کنند و صنایع آنها بهره‌وری کافی ندارند. خطوط راه‌آهن و بنادر بزرگی که کشتی‌های باری بتواند در آن پهلو بگیرند، ندارند و مشکلات بزرگ و کوچکی از این دست.

محدودیتی که برای واردات ماشین‌آلات معدنی وجود دارد، ظلمی است که در حال حاضر به کسانی که در این بخش کار می‌کنند، تحمیل شده تا تولیدات داخلی به فروش برسند، در صورتی که برخی از این تولیدات مربوط به ۶۰ سال پیش هستند و از تکنولوژی بسیار قدیمی استفاده می‌کنند.

همان روالی که پیش از این درباره خودرو اعمال شده بود، درباره معدن هم پیاده شده و چندین سالی است که ابزار و دستگاه‌های لازم در اختیار معدنکار قرار نمی‌گیرد و به‌همین دلیل شاهد افزایش آسیب‌ها و مرگ معدنکاران و از سوی دیگر کاهش برداشت و تولید هستیم.

برای عبور از این مشکل، قبل از هر چیز باید زمینه‌ای فراهم شود که بتوانیم روابط مستقیم و سازنده‌ای با جهان داشته باشیم. کشور ما از ابتدای انقلاب تاامروز تحت تحریم‌هایی بوده که روز به روز سخت‌تر و شدیدتر شده و وجود این تحریم‌ها، دسترسی به تکنولوژی را ناممکن کرده است.

آثار و نتایج این سیاست در حال حاضر قابل‌لمس است، به‌عنوان مثال، واحدهای تولیدی فولاد نگران تامین سنگ‌آهن مورد نیاز خود هستند، زیرا امکان دسترسی به تکنولوژی لازم برای اکتشاف و برداشت از معادن سنگ‌آهن را نداریم، بنادر مناسب برای پهلو گرفتن کشتی‌های بزرگ مواد معدنی، سنگ‌آهن و زغال‌سنگ نداریم. حداکثر ظرفیت بنادر ما برای پهلو گرفتن کشتی‌های حمل بار، اسکله‌ای ۱۰۰ هزار تنی است که مجتمع فولاد مبارکه در بندرعباس احداث کرده و این اسکله هم به‌دلیل اینکه سال‌ها است، لایروبی نشده، نمی‌تواند به کشتی‌های بیش از ۴۰ هزار تن، اجازه پهلوگیری بدهد، در صورتی که برای حمل بار باید از کشتی‌هایی بالای ۴۰۰ هزار تن استفاده کرد تا هزینه حمل، مقرون به صرفه باشد.

نگاهی به وضعیت کشورهای حاشیه خلیج‌فارس سطح تفاوت را نمایان می‌کند. بنادر بزرگ و مجهز آنها در چند سال اخیر تا چه میزان رشد و رونق تجاری را برای آن کشورها به‌ارمغان آورده است و کشور ما بعد چهل و اندی سال دست و پنجه نرم کردن با تحریم‌ها به جایگاه امروز رسیده است.

در حال حاضر باوجود اینکه ایران جزو کشورهای بزرگ و صنعتی نیست، اما یکی از ۱۰ کشور نخست در زمینه انتشار گازهای گلخانه‌ای است، زیرا ما نمی‌توانیم گاز همراه نفت را کنترل و آن را به گاز مایع تبدیل و صادر کنیم یا به‌عنوان ماده اولیه در کارخانه‌های پتروشیمی مورداستفاده قرار دهیم.

همه این دردسرها برمی‌گردد به تنش‌های موجود در روابط خارجی و اتکای صرف کشور ما به ۲ کشور روسیه و چین، در حالی که روسیه قادر به تولید تکنولوژی نیست و چین هم تنها از طریق سرمایه‌گذاری شرکت‌های اروپایی، ژاپنی و مانند آن می‌تواند وارد مراودات تجاری شود، بنابراین تا زمانی که شرایط سیاسی کشور بهبود پیدا نکند و صاحبان فن و دانش در رأس امور قرار نگیرند، وضع به همین منوال است؛ اما اقتصادی که مبتنی بر تولید نیست، تکنولوژی نمی‌خواهد و کشور رانتی به افراد صاحب دانش نیاز ندارد.

گفت‌وگو

گفت‌وگوی صمت درباره چالش‌های سخت‌ترین شغل دنیا

فقط وعده می‌دهند

گیتا جاودانی
editor@smtnews.ir

به‌طور حتم شنیده‌اید که برای نمایش درجه سختی یک کار، آن را بعد از معدنکاری قرار می‌دهند؛ «فلان شغل بعد از معدن، سخت‌ترین کار دنیا است»، اما معدنکاری چه ویژگی‌هایی دارد که کسی شغلی سخت‌تر از آن سراغ ندارد؟

کار سخت و آسیب‌رسان بدنی، گذران عمر در دشوارترین وضعیت مکانی، دستمزد ناعادلانه، نادیده گرفته شدن حقوق قانونی و... که می‌توان این فهرست را ادامه داد،برای مثال نبود امنیت شغلی را هم که اضافه کنیم، موضوع به‌طورکامل روشن می‌شود.

گفت‌وگوی صمت با علی ضمیری، از فعالان کارگری معدن «همکار» و عضو سابق شورای اسلامی کار، درباره چالش‌های شغلی کارگران زغال‌سنگ است. با ما همراه باشید.



عکس: صمت

با اینکه حقوق کارگران حوزه معدن بسیار پایین است، بسیاری از معادن یا در حال تعدیل نیرو هستند یا به‌کل تعطیل شده‌اند، زیرا فعالیت برای معدنداران چندان به صرفه نیست

◉ حداقل و حداکثر تحصیلات کارگران چقدر است و آیا تاثیری در دستمزد آنها دارد؟

مدرک تحصیلی کارگران از سیکل تا لیسانس است و کارگرانی داریم که با مدرک دانشگاهی در بخش استخراج، مشغول به کار هستند.

اگر کارگری نخواهد در استخراج زغال‌سنگ کار کند یا معدن تعطیل شود، چه شغل جایگزینی وجود دارد؟

در منطقه ما اگر کسی بخواهد شغل معدنکاری را رها کند، باید به‌دنبال کشاورزی یا کارهای آزاد برود، اما متاسفانه به‌خاطر خشکسالی کشاورزی هم درآمد خوبی ندارد، برای همین بیشتر تصمیم می‌گیرند معدنکاری را ادامه دهند.

◉ شما چطور کار بهره‌برداری و استخراج را انجام می‌دهید؟

همه کار استخراج معدن به‌دست کارگران انجام می‌شود. بیشتر معادنی که در کرمان زغال‌سنگ استخراج می‌کنند، مکانیزه نیستند و با ابزار قدیمی مثل «ماشین چال» و «پیکور» که با هوای فشرده و هدایت دستی کارگر کار می‌کنند. در این فرایند به صورت دستی دستگاه را روی محوطه دارای زغال می‌اندازند و زغال را از دل کوه درمی‌آورند. بعد با بکارگیری فرایند کربن، زغال را از پایین تونل به خارج منتقل می‌کنند.

در این دستگاه هوای فشرده با ضرباتی که به سوزن پیکور می‌زند، زغال را از دل کوه می‌کند و پایین می‌ریزد و بعد کارگران زغال را به بیرون منتقل می‌کند، اما این ابزار مربوط به ۵۰ سال پیش است، بنابراین تغییری در استخراج زغال‌سنگ صورت نگرفته و کار به همان شیوه قدیمی انجام می‌شود.

◉ معدنی سراغ دارید که از دستگاه‌های جدید استفاده کند؟

بنده هنوز در معادن زغال‌سنگی که به‌طور کامل و دائم در حال استخراج زغال هستند، دستگاه‌های مکانیزه ندیده‌ام. در معدن ما هم به روش ۵۰ سال پیش هنوز با پیکور و ابزارآلات این‌چنینی زغال استخراج می‌شود، البته شنیده‌ام معادن طبس به دستگاه‌های مکانیزه برای استخراج زغال مجهز شده‌اند.

◉ استفاده از ابزار مکانیزه چه تاثیری در تامین ایمنی کارگران دارد؟

امنیت در تونل‌های معدن زغال‌سنگ چندان بستگی به دستگاه ندارد، بستگی به استحکاماتی دارد که زیر زغال می‌زنند. استحکامات سقف در معادن مختلف به اسامی مختلف معروف است و ما به آن «سرلاح» می‌گوییم، از تخته‌هایی صاف تشکیل شده است که به‌طورمعمول ۲۰ الی ۳۰ سانتیمتر عرض و ۲ الی ۳ متر طول، بسته به شرایط استخراج آن محل دارد و برای جلوگیری از ریزش سقف روی سر کارگر استفاده می‌شود.

در کارگاه‌هایی که ضخامت زغال‌شان بالا است، «سرلاح» از چوب روسی ساخته می‌شود، البته در بعضی از معادن پیشرفته از استحکامات فلزی استفاده می‌شود که زیر آنها جک می‌زنند، اما در معدن ما متاسفانه هنوز از همان استحکامات قدیمی استفاده می‌شود.

دستگاه تاثیر زیادی روی مسئله ایمنی ندارد، البته فشار کار را از روی کارگر برمی‌دارد و همین باعث می‌شود که کارگر کمتر دچار فرسودگی جسمی شود، چون کار بدنی سنگینی انجام نمی‌دهد و تنها کنار دستگاه می‌ایستد و آن را هدایت و کنترل می‌کند.

◉ چرا همه معادن برای استخراج از دستگاه استفاده نمی‌کنند؟

چون برای معادن زغال‌سنگ هزینه چندانی نمی‌شود. زغال‌سنگ صنعت مظلومی است. ما با این همه سختی ماده معدنی را استخراج می‌کنیم و از دل زمین بیرون می‌آوریم، اما متاسفانه نرخ آن آنقدر پایین است که کفاف هزینه‌های کار را نمی‌دهد و به این ترتیب امیدی هم نیست که معادن تجهیز شوند.

از طرف دیگر، با اینکه حقوق کارگران این حوزه بسیار پایین است، بسیاری از معادن یا در حال تعدیل نیرو هستند یا به‌کل تعطیل شده‌اند، زیرا فعالیت برای معدنداران چندان مقرون به صرفه نیست.

◉ معدنی که شما در آن مشغول به کار هستید، دولتی است یا خصوصی؟

معدن ما زیرمجموعه معادن دولتی زغال‌سنگ کرمان است و «همکار» نام دارد، اما قراردادهای ما «انجام معین» است، یعنی مثل قدیم نیست که کارگر قرارداد دولتی داشته باشد.

قرارداد «معین» به‌طورمعمول برای انجام یک عمل مشخص منعقد می‌شود. در این نوع قرارداد، پیش از شروع کار، زمان دقیق پایان آن مشخص نیست.

در این حالت، کارفرما، برای انجام همان کار به‌صورت مشخص با فرد یا گروهی قرارداد می‌بندد، به‌همین دلیل قرارداد معین، موقتی است و به‌محض انجام کار یا اتمام پروژه، به خودی خود به‌پایان می‌رسد.

در قرارداد معین، نیروی کار تعهد می‌کند که با دریافت مزدی مشخص و تحت شرایط توافق‌شده، فعالیت مدنظر کارفرما را انجام دهد. در این نوع قرارداد به‌شکل معمول ابزار یا مواد اولیه را کارفرما تهیه می‌کند و تعیین محل کار نیز برعهده او است.

یکی از اصول قرارداد دائم، درج نشدن تاریخ اتمام قرارداد است؛ اما در قرارداد کار معین، از آنجا که برای انجام یک کار مشخص قرارداد بسته می‌شود، باوجود نبود تاریخ اتمام، قرارداد، دائم تلقی نمی‌شود و در دسته قراردادهای موقت قرار می‌گیرد.

پیش از این، گفته شده بود که قراردادهای ما دائمی می‌شود، اما متاسفانه هنوز هیچ خبری نیست و فقط به ما وعده می‌دهند و به هیچ‌کدام از آنها عمل نمی‌کنند.

یادم می‌آید که در قدیم زغال‌سنگ ارج و قرب زیادی داشت، اما الان ندارد و نرخ آنقدر نیست که بخواهد هزینه‌ها را پوشش دهد. با اینکه زغال‌سنگ چینی به‌اندازه تولیدات ایران مرغوب نیست، زغال‌سنگ وارداتی از چین جای تولید داخل را گرفته است.

تولیدات داخلی که کارگران کشور خودمان با سخت‌ترین شرایط استخراج می‌کنند، مورداستفاده قرار نمی‌گیرد، اما زغال‌سنگ چینی به بازار می‌آید و جای آن را می‌گیرد. اگر بخواهند ماشین‌آلات جدید بخرند، پول کارگر را چگونه باید بدهند؟ الان در بسیاری از معادن پرداخت دستمزد کارگر با مشکل روبه‌رو است و هزینه‌ها به‌سختی تامین می‌شود. برای همین است که کارفرمایان باتوجه به افزایش دستمزد کارگران همیشه نالان هستند و گله دارند.

حقوق کارگر صنعت مس، بالای ۴۰ میلیون تومان است، اما حقوق کارگر زغال‌سنگ بین ۱۰ تا ۱۵ میلیون است که بسته به استخراج زغال کمی بیشتر یا کمتر می‌شود و زندگی کردن با این حقوق برای کارگر معدن که با مریضی‌های ناشی از کار دست و پنجه نرم می‌کند، بسیار سخت است.

به این ترتیب، هر ماشین یا دستگاهی که برای این کار مورداستفاده قرار می‌گیرد، قدیمی است، زیرا تهیه ابزار جدید اصلا مقرون به صرفه نیست.

◉ اگر در معادن از ابزار جدید استفاده شود، فرصت شغلی کارگرها به‌خطر نمی‌افتد؟

بستگی دارد. اگر جایی هزینه زیادی برای خرید ماشین‌آلات صرف شود، به‌طورمسلم سرمایه‌گذار نیروی کار را کاهش می‌دهد، البته شرایط معادن بسیار متفاوت است و در تمام معادن نمی‌توان از دستگاه‌های جدید استفاده کرد. درباره زغال‌سنگ باید بگویم تنها جاهایی می‌توان از ابزار و ماشین‌آلات جدید استفاده کرد که زغال شکستگی نداشته باشد.

زغال به‌صورت لایه‌لایه است. وقتی لایه‌ها پشت‌سر هم به‌صورت منظم قرار گرفته باشند و شکستگی یا لایه سنگ بین آنها نباشد، دستگاه می‌تواند همه آنها را بکند و بدون هیچ مشکلی از بدنه کوه جدا کند، اما وقتی شکستگی بین لایه‌های زغال افتاده باشد، دیگر نمی‌توان برای استخراج آن از دستگاه استفاده کرد.

البته چند سال است که قول داده‌اند دستگاه‌های جدیدی برای قسمت‌هایی که قابل‌بهره‌برداری به‌وسیله دستگاه است، تهیه شود که به‌خاطر هزینه‌های سرسام‌آور معدنکاری، در حال حاضر مقرون به صرفه نیست.

◉ پس مهم‌ترین علتی که در معادن ما از ماشین‌آلات جدید استفاده نمی‌شود، هزینه‌های بالای معدنکاری است؟

بله، بازسازی و نوسازی معادن هزینه‌بر است و اگر بخواهد چنین کاری بکند، بودجه بسیار زیادی لازم دارد، پس چون هزینه بالا است، زیر بار آن نمی‌رود و کمکی هم از جانب دولت نمی‌شود.

دستگاه‌هایی که برای معادن روباز استفاده می‌شود، کمابیش همان ماشین‌آلات راهسازی است، مثل لودر، بولدوزر، بیل مکانیکی و امثال آن.

معدن ما در حال حاضر بیل مکانیکی برای خود ندارند و باید بیل را برای یکی، دو هفته اجاره و با آن کار کنند.

ماشین‌آلاتی هم که داریم مثل بولدوزر و لودر بعد از چندین سال استفاده، دچار فرسودگی شده‌اند و باید آنها را تعمیر و قطعات‌شان را تعویض کرد. به‌ندرت پیش می‌آید که ابزار موردنیاز نوسازی شود، چون نرخ بسیار بالا است.

◉ کهنگی وسایل چه تاثیری روی کار کارگران دارد؟

برای مثال لودر یا بولدوزرها ممکن است به‌خاطر کار زیادی که چندین چند سال از آنها کشیده شده است، خراب شود، بنابراین در روزهایی که در دست تعمیر است، کار کارگری هم که با آن کار می‌کند، تعطیل می‌شود، به‌عنوان مثال، شاید جایی لازم باشد که خاکریزی یا مقداری از زغال برداشت شود و بولدوزر یا لودر مقدمات کار را انجام دهد و مسیر را آماده کند، اما وقتی ماشین‌آلات خراب باشند، به‌طورمسلم کار ما هم چند روز می‌خوابد یا به‌تاخیر می‌افتد.

علاوه بر این، همه کارها در معدن مثل زنجیر متصل است، بنابراین اگر یک وسیله خراب باشد، مشکلات زیادی برای دیگر بخش‌های دیگر هم به‌وجود می‌آید. تعلل در کار ایجاد می‌شود و تولید هم کمتر خواهد شد و برای مثال اگر قرار است هر ماه ۹ هزار تن زغال‌سنگ تولید کنیم، وقتی ابزار و امکانات مناسب نداشته باشیم یا ماشین‌آلات خراب باشد، تولید کم می‌شود.

◉ شاید هزینه واردات ماده معدنی ارزان‌تر از تولید تمام می‌شود؟

تا جایی که می‌دانم واردات ربطی به نرخ تولیدات، کمبود ماشین‌آلات و مانند آن ندارد. اینکه چرا واردات انجام می‌شود و چه کسانی نفع می‌برند، معلوم نیست، اما زغال وارداتی کیفیت زغال ایران را ندارد.

زغال استخراج‌شده در منطقه ما به‌دلیل کیفیت و کنسانتره خوبی که از آن تولید می‌شود، در کارخانجات فولاد مورداستفاده قرار می‌گیرد، به‌علاوه نرخ زغال از سال گذشته تغییر کرده، اما آنقدر نیست که جوابگوی زحمات کارگران و هزینه‌های معادن باشد. باید نرخ زغال در حد حقوق واقعی کارگران معادن و هزینه‌های این صنعت افزایش پیدا کند تا این صنعت فراموش‌شده به‌مشکل برنخورد وکارگرانی که در این صنعت کار می‌کنند، لااقل یک زندگی معمولی داشته باشند و مجبور نباشند همه حقوق خود را صرف درمان مریضی‌های ناشی از کار خود کنند و چیزی هم از این حقوق برای گذران زندگی باقی بماند.

البته شرایط ما بسیار سخت است. زغال‌سنگ ما با شرایط سخت استخراج می‌شود و زغال بسیار خوب و باکیفیتی است، حالا چرا باتوجه به این شرایط از چین وارد می‌شود، چیزی نمی‌دانم.

◉ زغال‌سنگ تولیدی صادر نمی‌شود؟

قرار بود زغال ما صادر شود و هنوز هم صحبت‌هایی هست و قرار است اقداماتی در این زمینه انجام شود. بعضی نماینده‌های مجلس هم قول‌هایی داده‌اند که پیگیری کنند تا زغال‌سنگ در بورس انرژی عرضه یا صادر شود، البته هنوز هیچ اقدامی نشده است و با این شرایط کاری که الان وجود دارد، معلوم نیست کار به کجا برسد.

معدنکاری جزو مشاغل سخت و زیان‌آور است و طبق قانون، کارگر معدن بعد از ۱۵ سال باید بازنشسته شود، اما متاسفانه این قانون در کشور ما اجرا نمی‌شود. الان کارگرهایی داریم که بالای ۲۰ سال است کار می‌کنند. معلوم است که این افراد به‌شدت فرسوده می‌شوند، مگر کارگر چقدر می‌تواند کار معدن بکند؟ باید برای آنها فکری کرد، زیرا دیگر توان کار ندارند، به هر صورت ما از همه طرف متضرر می‌شویم و حاصل دسترنج‌مان هم که قیمتش از پارسال راکد مانده است.

◉ تشکل‌های صنفی دارید؟

دقیق نمی‌دانم، اما تا جایی که اطلاع دارم، فعالیتی ندیدم. کارگران معادن با شرایط بسیار سختی کار می‌کنند و با بدترین فشارها از نظر کاری و روحی روبه‌رو هستند. ما تقاضاهایی داریم و می‌خواهیم فکری برای بازنشستگی‌مان بکنند؛ برای آینده این کارگرانی که بعد از ۲۰ سال، هنوز دارند معدنکاری می‌کنند.

کارگری که با ۲۰ تا ۲۳ سال کار، بازنشست می‌شود، خانه‌نشین است و حقوق بسیار کمی هم می‌گیرد و درد هم دارد، با بیماری‌های زیادی مثل درد کمر و استخوان دست و پنجه نرم می‌کند. زانوهایش ساییدگی پیدا کرده، دندان‌هایش نابود شده است و وقتی بازنشسته می‌شود، از هیچ نظر امنیت ندارد. مریض است و گوشه خانه افتاده و باید با شرایط بسیار سخت زندگی‌اش بسازد. حقوقی که از اول به او می‌دادند، بسیار پایین بوده و موقع بازنشستگی باز هم کمتر می‌شود، در حالی که بچه‌هایش بزرگ شده‌اند و باید ازدواج کنند و... .

شرایط بازنشستگی ما معدنکارها بسیار نامناسب است و تا به حال هیچ کاری برای ما نکرده‌اند.

حقوق‌های‌مان بسیار کم است. چه آنهایی که کار می‌کنند و چه آنهایی که بازنشسته‌اند. باید حقوق آنقدر باشد که بتواند جوابگو باشد، در واقع شرایط جوری است که فقط فشار روی کارگر است. وسایل اگر نباشد، فشار روی کارگر است؛ تجهیزات معدنی نباشد، فشار روی کارگر است؛ دستمزد پایین است و هزار جور مشکل دیگر هم داریم.

از مسئولان خواهش می‌کنیم که نرخ زغال‌سنگ را به حدی برسانند که در واقع جوابگوی این همه مشکلات کارگران معدن باشد.

درباره ماشین‌آلات موردنیاز در شغل ما می‌شود به موتور دیزل و برقی اشاره کرد که برای بیرون بردن زغال از داخل تونل به‌کار می‌رود. این موتورها کارشان این است که واگن‌هایی که زغال استخراج‌شده در آنها ریخته شده، به بیرون تونل ببرند یا لکوموتیوهایی که زغال را از داخل تونل بیرون می‌آورند، بعد از سال‌های زیاد کار کردن کهنه و فرسوده شده‌اند و به‌همین علت، زمان حرکت در داخل تونل‌ها دود زیادی تولید می‌کنند و آسیب زیادی به ریه می‌زنند، البته بیشتر وقت‌ها خراب هستند و کارگران مجبورند زغال استخراج‌شده را دستی به بیرون از تونل انتقال دهند که این امر بسیار زمانبر است. بهتر است از لکوموتیوهای به‌روز و جدید استفاده شود که این موضوع برمی‌گردد به حمایت دولت از صنعت زغال‌سنگ. اگر واردات زغال کمتر صورت گیرد و زغال‌سنگ خود ایران دارای ارزش و حتی برای صادرات اقداماتی انجام شود، شاید ابزارها و ماشین‌آلات جدید در معادن به کار گرفته شوند تا هم زغال‌سنگ ایران ارزش واقعی خود را به‌دست بیاورد و هم کارگران به حق قانونی خود برسند.



علی ضمیری

با اینکه زغال‌سنگ چینی به اندازه تولیدات ایران مرغوب نیست، زغال‌سنگ وارداتی از چین جای تولید داخل را گرفته است

بررسی نقش اینترنت اشیا و هوش مصنوعی در امنیت شغلی

خیال‌تان راحت، شغل‌تان را از دست نمی‌دهید

مهتاب دمیرچی
editor@smtnews.ir

با توسعه هوش مصنوعی ترس یا فوبیای آن برای برخی صاحبان شغل و حتی دانشمندان نمایان شد؛ این که با چه دنیایی مواجه می‌شویم، پرسشی بود که این افراد با نمود هوش مصنوعی در زندگی روزمره از خود می‌پرسند، اما جالب است، بدانید کارشناسان، انقلاب صنعتی چهارم را فرصتی غیرقابل‌برگشت برای کشورهای در حال توسعه می‌دانند و معتقدند این جهش بزرگ در عصر اطلاعات، برای کشور ما فرصتی طلایی است و می‌تواند عقب‌افتادگی‌های موجود را به‌سرعت جبران کند. صمت در این گزارش به بررسی نقش فناوری و هوش مصنوعی در امنیت شغلی پرداخت.



افرادی که تا سال ۲۰۳۰ در توسعه هوش مصنوعی پیشتاز باشند، تا آخر قرن حاکمان جهان هستند

فناوری، متهم شماره یک بیکاری

پژوهشگران علوم اجتماعی معتقدند افرادی که تا سال ۲۰۳۰ در توسعه هوش مصنوعی پیشتاز باشند، تا آخر قرن، حاکمان جهان خواهند بود، به‌همین دلیل، در برنامه توسعه کشورها، کاربرد وسیع هوش مصنوعی در نظام تولید و اشتغال، اهمیت زیادی پیدا کرده است. بیایید کمی به عقب‌تر برویم، به سال‌های ۱۷۶۰ میلادی تا کمابیش یک قرن بعد از آن؛ درست زمانی که اعتراضات کارگری در اثر بیکاری و کمبود شغل به اوج رسید، تا حدی که بسیاری از کارگران در تقابل با کارفرمایان، شروع به تخریب ماشین‌هایی کردند که جای آنها را در خط تولید گرفته بودند. آنها معتقد بودند هیولاهای آهنی از کار بیکارشان کرده‌اند و از آنجا بود که ترس از دست دادن امنیت شغلی به‌دلیل رسوخ فناوری در دل نیروی کار ریشه گرفت، در ظاهر ماجرا از تعداد نیروی کار در مشاغل کاسته شده، اما نیازمندی به نیروی کار ماهر هم افزایش پیدا کرده است. اکنون صحبت از هوش مصنوعی و کارکرد ربات‌ها در زندگی بشری است. بسیاری معتقدند با فراگیر شدن هوش مصنوعی تعداد زیادی از مشاغل امروزی از بین خواهد رفت و همین گزاره، ترس از فناوری را در دل بشر امروزی زنده کرده است.

هاوکینگ: آینده بشر با هوش مصنوعی خطرناک است



بهروز مینایی بیدگلی، رئیس دانشکده مهندسی کامپیوتر دانشگاه علم و صنعت در گفت‌وگو با صمت درباره ترس از توسعه فناوری و دنیای مبتنی بر هوش مصنوعی که برای برخی افراد به یک دغدغه ذهنی تبدیل شده است، گفت: نظریات ضد و نقیض زیادی در این‌باره وجود دارد؛ برای مثال استیون هاوکینگ معتقد بود آینده بشریت با هوش مصنوعی خطرناک است؛ همان گونه که تلفن‌های هوشمند، اینترنت و شبکه‌های پیام‌رسان، دنیایی بسیار متفاوت از قبل برای بشر به‌وجود آورد، رسوخ هوش مصنوعی در زندگی اجتماعی بشر به‌طور قطع دارای پیامدهای اخلاقی است که موجب نگرانی‌هایی برای بشر می‌شود. منشأ این نگرانی آنجا است که اگر هوش مصنوعی ابزار دست متقلبان و هنجارشکنان اجتماعی شود، راه سوءاستفاده هوشمندانه‌تری به‌وجود می‌آید که کنترل آن در مسیر قانون، امری دشوار است. به گفته این پژوهشگر، امانگرانی از اینکه هوش مصنوعی جای شغل‌ها را بگیرد، بیهوده است و فوبیا از فناوری در نهایت به خود انسان ضرر می‌زند، چرا که پردازش‌های سریع هوشمند اطلاعات می‌تواند پاسخگوی بسیاری از مسائل و مشکلات باشد و باید به‌عنوان یک فرصت به آن نگاه کرد. وی افزود: در آینده، هوش مصنوعی کمک کننده و به‌طوردقیق‌تر دستیار انسان است و می‌تواند انسان را سریع‌تر و در بستر مطمئن‌تر به اهدافش برساند، در واقع هوش مصنوعی کمک زیادی به دیده شدن افراد با هر توانایی می‌کند، بنابراین ماشین‌ها و هوش مصنوعی هیچ‌گاه جای انسان را نمی‌گیرند؛ در واقع هر جایی که نیاز به راه‌حل باشد، بهترین کمک کننده به انسان هستند. گفتنی است، در آینده بسیار نزدیک، هوش مصنوعی در بسیاری از مسائل زندگی ما وارد می‌شود. اگر ما هم بتوانیم کارکردهای هوش مصنوعی را در نظام شغلی کشورمان فعال کنیم، بهترین یاورها را در هر زمینه‌ای داریم.

آیا ربات‌ها جای انسان را می‌گیرند؟

وی در پاسخ به این پرسش که آیا می‌توان رباتی در حد انسان خلق کرد یا خیر؟ گفت: پاسخ این پرسش نقطه اختلاف‌نظر میان فیلسوفان و فناوران است. گروه نخست به‌صراحت پاسخ منفی داده‌اند و معتقدند منطق و شعور انسانی در ماده نمی‌گنجد؛ اما گروه دوم خلق ربات همسان با انسان را در آینده‌ای دور محتمل می‌بینند، در واقع اینکه از لحاظ عقلی و منطقی چنین اتفاقی امکان‌پذیر است یا خیر؛ بسیاری از فلاسفه غرب مخالفند و معتقدند هیچ‌گاه ماده نمی‌تواند صاحب منطق و روح شود و مانند یک انسان حیات و آگاهی داشته باشد. مینایی در تشریح هوش مصنوعی قوی و هوش مصنوعی ضعیف گفت: هوش مصنوعی قوی یعنی خلق ماشینی که با انسان برابری کند؛ گفتنی است، علم، بروز هوش مصنوعی قوی و ایجاد حیات در آزمایشگاه را محال نمی‌بیند و امری ممکن می‌داند، اما هوش مصنوعی ضعیف، درست همان فرآیندی است که امروز شاهدش هستیم؛ برای مثال اتومبیل‌های خودران، ربات‌های عامل و ... آنچه امروز همه ما از هوش مصنوعی می‌شناسیم، در مرتبه ضعیف آن است؛ اما اگر این هوش بتواند یک برون‌داد قوی داشته باشد، می‌تواند برخی فعالیت‌های انسان‌گونه در عرصه خلاقیت را هم انجام دهد، در واقع با توسعه هوش مصنوعی ضعیف می‌توانیم برخی نمودهای خلاقانه را هم در ماشین‌ها ببینیم؛ نظیر هواپیماهای بدون خلبان یا ربات‌هایی که به دقت انسان یا حتی بیشتر در برخی کارکردها سرآمد هستند.

وی افزود: برای بروز خلاقیت هنری و محاسباتی در ماشین‌ها نیازی به هوش مصنوعی قوی نیست و تنها با داشتن داده‌های بسیار زیاد و به‌عبارتی فراداده (big data) ماشین‌های مبتنی بر هوش مصنوعی می‌توانند آثاری را خلق کنند که حاوی خلاقیت است، برای مثال در کشور خودمان چندی پیش، اشعار جدید شاهنامه فردوسی توسط یک ربات سروده شد یا در مثالی دیگر ماشینی که توسط پژوهشگران دانشگاه MIT ساخته شد، می‌تواند مقاله‌های علمی را به‌نگارش دربیاورد، به‌گونه‌ای که تشخیص آن برای داوران علمی میسر نیست. اما، در همین مسیر هم کم و کاستی‌های زیادی وجود دارد و هنوز راه‌های نرفته بسیاری پیش‌روی علم است.

به گفته مینایی، باید داده‌های بسیار زیادی داشت تا بتوان رباتی را خلق کرد که مانند حافظ شعر بگوید یا مانند یک نویسنده ماهر قصه بنویسد؛ در شرایط فعلی، هوش مصنوعی یک کپی کار حرفه‌ای است و هنوز فاصله زیادی با فیلم‌های علمی ـ تخیلی دارد، در واقع هوش مصنوعی که امروز بشر به آن رسیده است، راه رفته انسان را می‌پیماید و برای خلق اثری جدید، باید به‌اندازه کافی نمونه یا داده داشته باشد؛ شاید نگارش مقاله علمی برای ماشین‌ها راحت‌تر باشد، اما خلق آثار هنری بدون دخالت انسان در حال حاضر ممکن نیست.



بشر در آستانه یک تحول عظیم

حمید بهنگار، مدیرعامل یک شرکت دانش‌بنیان در زمینه اینترنت اشیا و رئیس کمیته اسکادا، تله متری و اینترنت اشیا در گفت‌وگو با صمت درباره اهمیت هوش مصنوعی در دنیای امروزی گفت: به تعبیر دانشمندان آلمانی، بشر در آستانه انقلاب صنعتی چهارم قرار گرفته است؛ به‌فراخور آن، فناوری‌های نوظهوری نظیر اینترنت اشیا، هوش مصنوعی، متاورس، رباتیک و ...، ابزارهای شکل‌گیری این انقلاب در جهان هستند که روز به روز به توسعه آن افزوده می‌شود. گفتنی است، اینترنت اشیا یک فرآیند زیرساختی است که بعد از شکل‌گیری آن سایر فناوری‌های نو می‌توانند برمبنای آن توسعه پیدا کنند، در واقع وقتی اینترنت اشیا در پروژه‌ای پیاده‌سازی می‌شود، می‌توان فناوری‌های دیگر را بر این بستر توسعه داد.

اینترنت اشیا، راهی برای امنیت شغلی

بهنگار بااشاره به ارزیابی خود از تاثیر توسعه اینترنت اشیا در امنیت شغلی مشاغل در کشور گفت: شرکت‌های دانش‌بنیان در کشور ما متولیان اصلی اینترنت اشیا و کاربردهای آن در کشور است؛ به‌گونه‌ای که ترکیب فناوری اطلاعات با صنایع مختلف در حال شکل‌گیری است که به‌نوعی موجب همگرایی فناوری می‌شود و زمینه‌ساز توسعه سایر صنایع به کمک فناوری اطلاعات در کشور است. توسعه اینترنت اشیا، زمینه‌ساز توسعه و پیشرفت در کشور است و به‌اعتقاد من، باید نسبت به توسعه آن در مشاغل و کاربردی‌تر کردن آن خوش‌بین بود؛ این امر وابسته به چند مولفه است؛ در ابتدا ما باید در مسیر توسعه و کاربرد اینترنت اشیا گام‌های زیادی برداریم؛ چرا که این فناوری می‌تواند فاصله توسعه‌یافتگی ما را با کشورهای پیشرو کم کند و زمینه‌ساز خلق فرصت‌ها در کسب‌وکار و ایجاد امنیت شغلی شود؛ ضمن آنکه بیشتر کشورها با کاربردهای اینترنت اشیا می‌توانند فرصت‌های جدید ارزآوری و توسعه و کسب درآمد را تجربه کنند.

این کارشناس در پاسخ به این پرسش که در صورت رخداد انقلاب صنعتی چهارم آیا مشابه همان فرآیندی را که در انقلاب‌های پیشین مشاهده شد، می‌بینیم، گفت: در مقیاس جهانی فرآیندی در حال اوج گرفتن است که منجر به توانمندی در مسیر همگرایی صنایع می‌شود و دارای ۳ رکن به نام IT فناوری اطلاعات، OT فناوری عملیاتی و ET مهندسی فناوری است. با تلفیق این ۳ مهارت و گنجاندن آن در توانمندی‌های فردی یک انسان شاغل در جامعه، نباید نگرانی درباره رخداد انقلاب صنعتی چهارم داشته باشیم.

ایجاد شغل‌های جدید

بهنگار بااشاره به تولد شغل‌های جدید گفت: در آینده شغل‌هایی چون متخصص هوش مصنوعی در دامپزشکی دام‌های سبک شکل بگیرد یا متخصص اینترنت اشیا در حمل‌ونقل خودروهای شهری، در واقع اگر فردی با این ۲ برچسب، مهارت‌های خود را ارتقا دهد، برای مواجهه با انقلاب صنعتی چهارم آماده شده است. گفتنی است، در عرصه اینترنت اشیا، افرادی که این آگاهی را کسب نکنند، پیشرفت نمی‌کنند و افرادی که این آمادگی‌ها را کسب می‌کنند، در نهایت می‌توانند همگام با تحولات انقلاب صنعتی چهارم همسو شوند.

انقلاب صنعتی چهارم، فرصتی استثنایی برای ما

وی این تحولات را فرصتی غیرقابل‌برگشت برای کشورهای در حال توسعه دانست و گفت: این انقلاب برای کشورهای در حال توسعه یک فرصت غیرقابل‌برگشت است و برای کشور ما فرصت طلایی را فراهم می‌آورد تا بتواند جایگاه خود را در صنعت تثبیت و آن خلأ و عقب‌افتادگی‌هایی را که داشته است، به‌سرعت جبران کند و منجر به ایجاد جهشی بزرگ شود.

بهنگار گفت: اینترنت اشیا در آینده نزدیک تبدیل به الفبای مهارت‌ها می‌شود. این امر تنها به اینترنت اشیا مربوط نمی‌شود؛ در کل مربوط به مهارت‌های فناوری اطلاعات است که اینترنت اشیا یک بخش مهم آن است، در واقع همگرایی در فناوری راهکار اصلی است و این مهارت می‌تواند چند مهارت غیرمرتبط را با یکدیگر تلفیق و در نهایت راه را برای ورود افراد ماهر برای اداره کشور باز کند.

اخلاق در فناوری یک ایده مهم

وی افزود: همزمان با توسعه فناوری‌های نوظهور، موضوع اخلاق در فناوری موردتوجه قرار می‌گیرد. رشد فناوری باید با اخلاق‌مداری همراه باشد، برای مثال، در بحث حریم خصوصی باید مشخص شود که افراد می‌توانند به چه میزان از اطلاعات دسترسی داشته باشند و چه میزانی به دولت و سایرین اختصاص دارد؛ اگر این موضوعات به‌درستی پایه‌گذاری شود؛ آن نقطه خطری که متصور می‌شویم، رخ نمی‌دهد، اما در صورت نبود چنین روندی، این تحولات از کنترل خارج می‌شود. گفتنی است، تبعات منفی آن به‌دلیل انحصارگرایی که همیشه بشر دنبال آن بوده است، رخ می‌دهد، در کل اینها مسائلی است که باید به‌صورت چندجانبه و از منظر دین، اخلاق، فلسفه، دانش و روانشناسی به آن پرداخته شود.

به سوی آینده‌ای بهتر

به‌گفته بهنگار، همواره راه‌های مطمئنی برای رفع این نگرانی‌ها وجود دارد و می‌توان نسبت به آینده دید بهتری داشت؛ چرا که ما روز به روز به دنیایی نزدیک می‌شویم که بسیاری از کارهای غیرضروری بشر مرتفع و بسیاری از دغدغه‌ها، بیماری‌ها و مشکلات و مسائلی که امروز موجب معضلات و حتی مرگ و میر است، حل می‌شود و کمتر شاهد پاندمی‌های رخداده خواهیم بود. در این شرایط است که تاب‌آوری بشر در مقابل مشکلات بیشتر می‌شود و آینده‌ای به‌سمت فضا، هوای پاک و دنیای آزادتر همراه با عدالت فردی و اجتماعی رقم می‌خورد، همچنین توزیع عدالت‌محور منابع، رویکرد مثبت ماجرا است که در نتیجه می‌توان توسعه همه‌جانبه اینترنت اشیا را انتظار داشت که البته نیازمند یک مدیریت جامع و کامل است. گفتنی است، از آنجایی که حرکت در مسیر فناوری مانند راه رفتن روی یک شمشیر دولبه است، اگر ما درست رفتار کنیم، می‌توانیم به بهترین نحو ممکن از آن بهره‌مند شویم.

فناوری می‌تواند فاصله توسعه‌یافتگی ما را با کشورهای پیشرو کم کند و زمینه‌ساز خلق فرصت‌ها در کسب‌وکار و ایجاد امنیت شغلی شود

سخن پایانی

نکته مهم در انقلاب‌های پیشین این بود که اینترنت، ابزاری فراگیر نبوده است، به‌همین دلیل، آگاهی عموم مردم از توسعه و پیشرفت صنعت کم بود و به‌همان میزان، مردم مجبور به تحمل آسیب‌های اجتماعی در مراحل اولیه انقلاب‌های پیشین می‌شدند، اما امروز با توسعه فناوری اطلاعات و تبدیل شدن آن به یک رکن در زندگی مردم، آگاهی هم به همین نسبت افزایش پیدا کرده است، در واقع، با ورود موج فناوری با پیش‌آگاهی می‌توان خودتقویتی، خودآمادگی و خودبرنامه‌ریزی کنیم، بنابراین باید مهارت‌هایی را به خود اضافه کنیم که در این موج جدید بتوانیم موج‌سوار باشیم و جا نمانیم.

به‌گفته کارشناسان، یکی از این راه‌ها این است که ما بر همگرایی صنایع تمرکز کنیم؛ به این معنا که اگر در صنعت ریخته‌گری فعال هستیم یا در هر صنعت دیگر، بخش مهمی به نام فناوری اطلاعات به آن اضافه کنیم.

یادداشت



تقابل هوش مصنوعی با حافظ و شکسپیر

احسان رضایی
نویسنده و منتقد ادبی

ویلیام شکسپیر، بزرگ‌ترین ادیب زبان انگیسی را در نظر بگیرید؛ پژوهشگران در پژوهشی با یکی حساب کردن کلمات تکراری و هم‌ریشه، فهمیدند این نویسنده شهیر انگلیسی کل آثار خود را با ۱۵هزار واژه نوشته است؛ این بیشترین تعداد واژگانی است که یک نویسنده انگلیسی استفاده کرده است. در رتبه بعدی جان میلتون، خالق «بهشت گمشده» است که کل آثار خود را با ۹هزار واژه و چارلز دیکنز با ۵هزار و ۷۰۰ واژه و در نهایت آگاتا کریستی با ۲۸۶۰واژه تمام آثار خود را نوشته‌اند. شکسپیر از ۷هزار واژه تنها یک‌بار استفاده کرده است. حال با این گستردگی زبانی آیا ربات‌ها می‌توانند آثار ادبی خلق کنند؟

اجزای سازنده زبان کلمات هستند و از طرفی اساس کار ماشین‌های هوشمند هم محاسبه است؛ در واقع محاسبه حالت‌های ممکن در یک اتفاق و اینکه کدام‌یک از حالت‌ها احتمال وقوع بیشتری دارد. حال پرسشی مطرح می‌شود که آیا ما می‌توانیم توالی کلمات را حدس بزنیم؟ پاسخ دقیق این است که خیر؛ چرا که علاوه بر همه واژگانی که در بزرگ‌ترین فرهنگنامه‌های زبان‌های زنده دنیا درج شده است؛ همواره واژگان جدیدی زاده می‌شوند و در پس آن معانی جدیدی به‌وجود می‌آیند، حتی یکی از وجوه عظمت هر ادیبی به این است که چه تعداد واژه و معنای جدید برای واژگان کهن به‌کار می‌برد.

دانشمندان در پاسخ به این پرسش که آیا ما به این سمت می‌رویم که ماشین‌های داستان را بیش از گذشته به‌کار ببریم؟ معتقدند، به‌نظر می‌رسد بله. به احتمال زیاد داستان‌های شاهکاری نخواهیم داشت، به این دلیل که نمونه شاهکارهای ادبی آن‌قدر زیاد نیست که هوش مصنوعی بتواند تحلیل خوبی از آن داشته باشد؛ اما متون ادبی تولیدشده به‌قدری زیاد است که ما با یک بیگ‌دیتا مواجه خواهیم بود و ماشین می‌تواند این بیگ‌دیتا را تحلیل کند و نتایجی به ما بدهد که حتی فکرش را نمی‌کردیم، به آنها دست یابیم. کازوئو ایشی‌گورو، یکی از بزرگ‌ترین نویسندگان حال حاضر دنیا، در آخرین سخنرانی خود این مباحث را بیان کرده که احتمال می‌رود، در آینده ماشین‌های داستانگو جای نویسندگان را بگیرند و از این اتفاق بسیار هم خوشحال بود؛ چرا که معتقد بود هوش مصنوعی موضوعات را جور دیگر می‌بیند و می‌نویسد و این همان هدفی است که ادبیات دارد. بنا بر پژوهش آلن تورینگ در سال ۱۹۵۱ یک ماشین وقتی هوشمند تلقی می‌شود که بتواند با انسان حرف بزند و ضمن این گفت‌وگو، مخاطب آن تشخیص ندهد که این انسان است که سخن می‌گوید یا ماشین. این معیار بسیار ساده است، اما در عین حال از پیچیدگی‌های زیادی برخوردار است، چرا که زبان، ابزار انتقال دانش و احساسات است، اما این محصولی که برای تبادل اطلاعات بشر اختراع شده است، خودش به‌اندازه دانشی که می‌خواهد از طریق آن انتقال دهد، پیچیده است.

یک رمان‌نویس امریکایی به نام سیگل ساموئل، آزمایشی انجام داد و در پروژه‌ای ۲ بخش از رمان خود را به ماشین داد و از آن خواست که ادامه این ۲ بخش را بنویسد. در یک بخش، ماشین برای این موضوع که چرا گربه‌ها به فرقه مذهبی خاصی از یهودی‌ها تعلق ندارند، طنز جالبی نوشت و در بخشی دیگر فهمید که شخصیت اول رمان غمگین است و دلیل دیگری برای غمگین بودن پیشنهاد داد. نویسنده نتیجه گرفت که ماشین نه‌تنها خلاقیت نویسنده را کم نمی‌کند، بلکه زیاد هم می‌کند و این جمله را به‌کار برد که هوش مصنوعی به من کمک می‌کند تا مانند ماشین فکر نکنم.

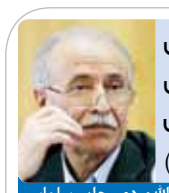
سلمر برینگجورد، نخستین کسی که یک ماشین داستانگو اختراع کرد، در مقدمه کتابش ۳ دلیل برای خلق اختراع خود آورده بود؛ دلیل نخست این بود که صنعت داستانگویی ما رشد زیادی داشته است و ما به‌هرحال نیاز به داستان‌هایی داریم که پاسخگوی صنعت سرگرمی ما باشند و به‌همین‌دلیل ما به ماشین‌های داستانگو نیاز داریم.

دلیل دوم این بود که نوشتن داستان خوب توسط ماشین باعث می‌شود، بفهمیم داستان از کجا می‌آید و شاید به این آرزو برسیم که شکسپیرها و حافظ‌های دیگری داشته باشیم و سومین دلیل که از همه جالب‌تر است، اینکه داستان با احساسات و عواطف و هوش بشری نسبت تنگاتنگی دارد، اگر یک داستان از صفر تولید کنیم، متوجه می‌شویم که خلاقیت ادبی چیست، احساسات با هوش چه نسبتی دارد و عواطف از کجا می‌آید؟ همه اینها یعنی اینکه ما می‌توانیم انسان را بهتر بشناسیم و همه مکاتب اخلاقی این موضوع را بیان کرده‌اند که وقتی خودمان را بشناسیم، آدم‌های بهتری خواهیم شد، در نتیجه ساختن ماشین‌های داستانگو به ما کمک می‌کند تا آدم‌های بهتری شویم.

یادداشت

تحول بانکداری با بانک‌های خصوصی

(بخش نخست)



الله‌وردی رجایی سلماس
مدیرعامل اسبق بانک سامان

در چند ماه گذشته برخی دارندگان تریبون و کارشناسان اقتصادی و بانکی در مجالس رسمی و غیررسمی حملاتی به بانک‌های خصوصی کرده و آنها را مسبب همه مشکلات اقتصادی در گذشته و حال دانسته و اختلاس، دزدی، گرانی، فقر، عدم توسعه، تورم و خلاصه همه ناهنجاری‌ها و نابسامانی‌های کشور را به گردن بانک‌ها انداخته‌اند. متاسفانه کسی هم پیدا نشده پاسخ این حملات را با ذکر و یادآوری خدمات بسیار ارزنده‌ای که این بانک‌های (منظور بانک‌های دارای مجوز از بانک مرکزی) در طول ۲۰ سال گذشته به مردم و اقتصاد کشور ارائه کرده‌اند، به مخالفان بانک‌های خصوصی بدهد؛ هرچند باید اذعان کرد این بانک‌ها هم تحت‌تاثیر اتخاذ سیاست‌های اقتصادی نادرست و دخالت‌های صاحبان قدرت به‌ویژه سهامداران عمده ایرادات و اشکالات فراوانی داشته‌اند و آسیب‌هایی را به سهامداران و سپرده‌گذاران وارد کرده‌اند که اگر نظارت و کنترل موثر و مستمری ازسوی نهادهای ناظر صورت می‌گرفت می‌توانست آن آسیب‌ها را به حداقل برساند. باوجود نارسایی‌ها، اگر بخواهیم به خدمات بسیار مهم و ارزنده‌ای که این بانک‌ها در جهت رفاه حال مردم و اشاعه بانکداری الکترونیک به اقتصاد کشور کرده‌اند، اشاره کنیم، کافی است صادقانه وضعیت بانکداری قبل از سال‌های دهه ۸۰ را با دوران پس از تاسیس آنها مقایسه کنیم. آنهایی که سن‌شان بیشتر از ۴۰ سال است و در سال‌های قبل از دهه ۸۰ در بانک‌هایی که همه دولتی بودند حساب داشتند یا برای انجام کارهای بانکی به آنها مراجعه می‌کردند، با یادآوری آن روزهای بانکداری، به‌خوبی می‌توانند پیشرفت خارق‌العاده و تحولات اعجاب‌انگیز سیستم بانکی امروزی را با آن زمان مقایسه کنند. این گروه از مردم یادشان نرفته که وقتی برای کار ساده‌ای مثل دریافت و پرداخت از حساب خودشان یا دیگران نزد بانک یا پرداخت قبوض آب و برق و تلفن و گاز یا دریافت و پرداخت چک و کارهای دیگری مثل ارسال و دریافت حوالجات، تقاضای دسته چک، تقاضای تسهیلات، ضمانتنامه، گشایش اعتبار اسنادی، پرداخت اقساط وام و صدها کار دیگر به بانک مراجعه می‌کردند، باید ساعت‌ها معطل می‌شدند. صف‌های طولانی برای دریافت و پرداخت وجه از حساب‌های جاری و پس‌انداز و پرداخت قبوض و مواجه شدن با رفتار گاهی نامطلوب کارکنان بانک‌ها، نباید فراموش شده باشد. حالا اینکه بگوییم بانک‌های خصوصی باعث افزایش حجم نقدینگی و تورم شده‌اند، در حالی که همین افزایش تورم و حجم نقدینگی کم و بیش در دوران قبل از تاسیس آنها و در زمان قدرت انحصاری بانک‌های دولتی هم وجود داشته (به‌ویژه در سال‌های ۱۳۷۳ و ۱۳۷۴) و برخوردهایی از این دست خط بطلان کشیدن بر زحمات کسانی است که با کمترین امکانات و صرفا با هدف ایجاد تحول در نظام بانکداری و خلاصی یافتن از انحصار بانک‌های دولتی در جهت خصوصی‌سازی اقتصاد و واگذاری بخشی از خدمات دولتی به بخش خصوصی که از قوانین برنامه‌های پنج‌ساله اول، دوم و سوم نشأت می‌گرفت، به‌پا خاستند و ابتدا موسسات اعتباری غیربانکی و سپس بانک‌های خصوصی را با مجوز بانک مرکزی راه انداختند و دیدیم چه تحول شگرفی در این صنعت به‌وجود آمد. تمام آن دفاتر و هزاران سند جورواجور در چرخه فعالیت بانک‌های قدیمی برچیده شد و به‌جای آنها کامپیوتر جایگزین شد.

آن صف‌های طولانی در مقابل شعب بانک‌ها و اوقاتی که در این صف‌ها تلف می‌شد از بین رفت و با پیاده کردن سیستم‌های نوین بانکداری حالا کار به جایی رسیده که اصلا نیازی به مراجعه فیزیکی به بانک‌ها نیست و همه خدمات بانکی از طریق تلفن، موبایل و اینترنت به عموم مردم ارائه می‌شود.

این تحول را نخستین بار بانک‌های خصوصی با استفاده از دانش بومی در کشور به‌وجود آوردند؛ چه از نظر شکلی و چه از نظر محتوایی، با مکانیزه کردن حساب‌ها آرامشی را برای مشتریان خود به ارمغان آوردند. شرایط فعلی را در مقایسه با گذشته می‌توان یک تحول بزرگ تعبیر کرد.

در واکاوی عوامل پایداری اقتصاد مطرح شد

ایجاد امنیت شغلی در سایه ثبات اقتصاد

مریم غدیرپور
editor@smtnews.ir

اغلب اقتصاددانان و فعالان بخش خصوصی عقیده دارند ثبات اقتصاد ایران می‌تواند به بهبود وضعیت فضای کسب‌وکار و امنیت شغلی منجر شود. از دید مسئولان نیز ثبات در اقتصاد یکی از اهداف مهم است. برخی از اقتصاددانان رشد سرمایه‌گذاری در کشور را عامل ثبات می‌دانند و بعضی دیگر بکارگیری دانش سرمایه‌های انسانی را.

آنچه که اکنون در ایران اتفاق افتاده فاصله گرفتن اقتصاد کشور از استانداردهای یک اقتصاد باثبات جهانی است. بنا بر عقیده صاحب‌نظران مشکل از آنجا آغاز می‌شود که در ایران رشد اقتصادی به‌معنی افزایش تولید ناخالص ملی و افزایش سرمایه‌گذاری اقتصاد رخ نداده است؛ حتی اکنون ایران با معضل انباشت مشکلات مواجه است و همین امر عاملی شده تا سرمایه‌های مالی و انسانی کشور را ترک کنند.

در شکل ناخوشایندتری نبود ثبات اقتصادی موجب عدم ثبات در اشتغال کشور شده است؛ به‌بیان دیگر، حتی اگر هیچ مشکلی به شرایط گذشته افزوده نشود، این جریان خروجی سرمایه مالی و انسانی باعث تحلیل و از بین رفتن ظرفیت رشد اقتصاد کشور در آینده خواهد شد.

صمت در ادامه عوامل ایجادکننده ثبات در اقتصاد کشور و همچنین علت بی‌ثباتی را در گفت‌وگویی با صاحب‌نظران بررسی کرده است.



اقتصادهای پایدار زمینه‌ای برای برنامه‌ریزی آسان فراهم می‌کنند تا نارضایتی عمومی کاهش یابد، زیرا در این صورت دولت‌ها دلیلی برای باقی ماندن در قدرت به مردم ارائه می‌دهند

رشد اقتصاد، در گرو ثبات اقتصاد است



مرتضی الله‌داد، اقتصاددان و استاد دانشگاه در تعریفی کلی از ثبات اقتصادی و عوامل بی‌ثباتی اقتصاد در نگاه کلان به صمت گفت: همه اقتصادها به‌استثنای شرایط بی‌ثباتی، پایدار هستند.

آنها تمایل دارند نوساناتِ نسبتا گسترده اقتصاد را به‌عنوان بخشی از ثبات «طبیعی» آن در نظر بگیرند.

وی در اشاره به تعریف شاخص‌های ثبات اقتصاد اظهار کرد: افزایش تولید کالاها و خدمات طی یک دوره معین که منجر به رشد اقتصاد شود، می‌تواند عاملی برای تعریف ثبات اقتصاد باشد؛ بنابراین ثبات اقتصادی یک تولید ناخالص داخلی واقعی است.

این اقتصاددان با تاکید بر اینکه همه دولت‌ها به‌دنبال ثبات اقتصاد هستند، افزود: اقتصادهای پایدار زمینه‌ای برای برنامه‌ریزی آسان فراهم می‌کنند تا نارضایتی عمومی کاهش یابد، زیرا در این صورت دولت‌ها دلیلی برای باقی ماندن در قدرت به مردم ارائه می‌دهند.

وی ادامه داد: ثبات و پایداری اقتصاد از پیامدهای مهم سیاست‌های منطقی مبتنی بر واقعیت‌های موجود در ارتباطات بین‌المللی است و به‌طور مستقیم بر بهبود و ارتقای محیط کسب‌وکار مؤسسات و آحاد مردم تاثیرگذار است، زیرا وقتی ثبات اقتصادی شکل بگیرد، به‌طور طبیعی پس‌لرزه‌ها و مشکلاتی همچون قاچاق و گسترش آن نیز مدیریت می‌شود که این مسائل ایجاد یک وضعیت اقتصادی منسجم را به‌دنبال دارد.

الله‌داد با تاکید بر اینکه تلاش برای حفظ ثبات اقتصادی اغلب منجر به ایجاد تورم می‌شود، افزود: تا زمانی که رشد اقتصاد به‌علت سلامت بنیان اقتصاد ایجاد شود، تورم عدد کوچکی در اقتصاد است. در واقع رشد اقتصادی غالبا با ثبات اقتصادی همراه است.

وی با اشاره به اینکه ایران با تجربه تورم حدود ۶۰ درصدی از جمله کشورهایی است که براساس استانداردهای بین‌المللی محل امنی برای سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی نیست، گفت: این موضوع به‌نوعی بر عدم ثبات اقتصادی ایران صحه می‌گذارد.

برون‌رفت از بی‌ثباتی

این استاد دانشگاه در پاسخ به این پرسش که راهکار برون‌رفت از شرایط بی‌ثباتی اقتصاد ایران چیست بیان کرد: سرمایه‌گذاری در بخش تولید در تمام دنیا به‌عنوان عامل مهمی برای رسیدن به ثبات اقتصادی کاربرد دارد.

به‌طور مثال در کشوری نظیر آلمان، سرمایه‌گذاری در بخش تولید طی دوران بحران اقتصادی اروپا در سال ۲۰۱۱ عامل نجات این کشور بود.

در حقیقت آلمان با تکیه بر این راهکار مانند سایر کشورهای اتحادیه اروپا دچار تغییرات نزولی اقتصاد نشد و توانست همچنان به‌عنوان کشوری با پایداری اقتصاد به تعاملات جهانی بپردازد و از گزند آسیب‌های بی‌ثباتی در امان بماند.

وی با بیان اینکه ایران کشوری وابسته به درآمدهای نفتی است، توضیح داد: ایران ثبات اقتصادی را در مقاطعی تجربه کرده که این ثبات را مرهون درآمدهای نفتی بوده است.

الله‌داد اظهار کرد: تا زمانی که بازار ارز و عرضه آن وابستگی شدید به نفت داشته باشد طبیعی است که بی‌ثباتی اقتصادی و نارسایی‌هایی در بازار ارز وجود داشته باشد.

برای رفع این چالش ابتدا باید رویکرد دولت به خام‌فروشی و وابستگی به درآمد حاصل از فروش نفت و منابع طبیعی تغییر پیدا کند.

وی توضیح داد: درآمد نفت قابل‌کنترل نیست و بستگی به عوامل خارجی دارد. این مسئله به اقتصاد کشور فشار می‌آورد و در نهایت این فشار منجر به بی‌ثباتی اقتصاد می‌شود.

این استاد دانشگاه خاطرنشان کرد: عرضه و تقاضا تعیین‌کننده نرخ نفت است و در اقتصاد نفت‌محور ایران، درآمد نفت در همه بخش‌ها اثرگذار است؛ بدون اینکه بتواند قیمت نفت و مقدار فروش و عرضه آن را کنترل کند.

وی یادآور شد: وضعیت مصرف جهانی نفت به رشد اقتصاد در کشورهایی که مصرف‌کننده اصلی این انرژی هستند بستگی دارد؛ بنابراین موضوع اصلی ثبات اقتصادی به نقش نفت در اقتصاد ایران برمی‌گردد. این اقتصاددان دیگر راهکار بازگشت ثبات به اقتصاد ایران را استقلال بودجه کشور از درآمدهای نفتی دانست و گفت: زمانی که درآمد حاصل از نفت در حساب ملی قرار گیرد، در اثر نوسانات حاصل از قیمت نفت، نخستین اثر آن در بازار دیده می‌شود؛ به‌طوری که با کاهش نرخ نفت توان عرضه ارز کاهش پیدا می‌کند و در نتیجه تولیدات داخلی کاهش و نرخ ارز افزایش می‌یابد.

آسیب هدفمندی یارانه‌ها به ثبات اقتصادی

وی در ادامه خاطرنشان کرد: آسیب‌شناسی اجرای هدفمندی یارانه‌ها نشان داد این سیاست نتوانسته به اهداف موردنظر دست پیدا کند.

ضمن درستی کلیت سیاست هدفمندی یارانه‌ها شیوه‌ای که با حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی در پیش گرفته شده، زمینه را برای تحقق عدالت بیشتر یا توزیع بهتر درآمدها و حمایت از اقشار آسیب‌پذیر فراهم نکرده است.

الله‌داد با تاکید بر اینکه این شیوه اجرای هدفمندی یارانه‌ها نمی‌تواند برای همیشه جوابگو باشد، گفت: باید تجدیدنظری در روش اجرا صورت گیرد تا بتوان علاوه بر هدفمند کردن یارانه‌ها، با شناسایی اقشار آسیب‌پذیر روش‌هایی را برای حمایت از این قشر اتخاذ کرد.

وی در اختیار گذاشتن کالا به‌جای تخصیص پول نقد به مصرف‌کننده را از راه‌های درست اجرای هدفمندی یارانه‌ها عنوان کرد و گفت: در واقع برای حمایت از مصرف‌کننده باید یارانه در اختیار تولیدکننده قرار گیرد تا تولیدکننده با کاهش نرخ تمام‌شده، کالایی مطابق با قدرت خرید مصرف‌کننده تولید کند.

این استاد دانشگاه یادآور شد: موارد گفته‌شده تنها بخشی از راهکارهای کلان برای خروج از بی‌ثباتی اقتصادی است.

لازمه داشتن اقتصاد با پایداری بالا، بسیج تمامی بخش‌های دولت است تا تولید رونق گیرد. در این شرایط ثبات به لایه‌های زیرین اقتصاد راه می‌یابد و امنیت شغلی که زیرمجموعه ثبات اقتصادی است برقرار می‌شود.

> میزان تولید ناخالص داخلی، درآمد سرانه و نرخ رشد اقتصاد، از مهم‌ترین شاخص‌های عملکردی اقتصاد کلان است. تا زمانی که روند این سه شاخص صعودی نشود، هیچ کشوری در هیچ جای دنیا رنگ پایداری اقتصادی را نخواهد دید

بی‌ثباتی اقتصاد منجر به فرار سرمایه می‌شود



سید مرتضی افقه، اقتصاددان و استاد دانشگاه درباره چگونگی ایجاد ثبات در بخش اقتصاد کلان به صمت گفت: میزان تولید ناخالص داخلی، درآمد سرانه و نرخ رشد اقتصاد، از مهم‌ترین شاخص‌های عملکردی اقتصاد کلان است. تا زمانی که روند این سه شاخص صعودی نشود، هیچ کشوری در هیچ جای دنیا رنگ پایداری اقتصاد را نخواهد دید.

وی عمده‌ترین زیان بی‌ثباتی اقتصاد کشورها را از بین رفتن امنیت شغلی و فرار سرمایه‌های مالی و انسانی دانست و گفت: میزان تولید و درآمد سرانه، بیانگر میزان متوسط رفاه اقتصادی افراد جامعه است؛ بنابراین نرخ رشد اقتصادی هر جامعه با معیار سرعت افزایش یا کاهش تولید ناخالص داخلی بیان می‌شود. در نتیجه رشد اقتصادی بهبود یا کاهش سطح رفاه عمومی را نشان می‌دهد.

افقه افزود: شاخص‌هایی چون بیکاری و فقر عموما تحت تاثیر تولید و رشد اقتصاد قرار دارند؛ به‌نحوی که رشد اقتصادی بالاتر، در بلندمدت به کاهش نرخ بیکاری و سطح فقر می‌انجامد.

کنترل نقدینگی و ثبات اقتصادی

وی با تاکید بر اینکه تورم در مفهوم کلی اقتصاد به‌شدت آسیب‌زا است، گفت: با افزایش پرداخت نقدینگی (مانند آنچه با افزایش حقوق و دستمزد اتفاق افتاد) بدون اینکه بتوان تولید را افزایش داد، در عمل نتیجه‌ای به‌دست نمی‌آید؛ بنابراین برای شکل‌گیری ثبات اقتصادی باید به سمت ایجاد شرایطی پیش رفت که زمینه را برای افزایش سرمایه‌گذاری به‌منظور افزایش تولید فراهم کند و اشتغالزایی به‌دنبال داشته باشد.

این استاد دانشگاه ادامه داد: یارانه دولتی باید به سمت سرمایه‌گذاری در بخش‌های تولید هدایت شود و در قالب بسته‌های تشویقی به آن تعلق گیرد تا عامل رونق تولید باشد؛ نه اینکه در قالب یارانه معیشتی به‌شکل نقدینگی در دوری باطل دوباره به اقتصاد برگردد.

وی افزود: تامین نشدن منابع لازم برای سرمایه‌گذاری، کمبود سرمایه در گردش بنگاه‌ها، عدم نگهداری موجودی قطعات و مواد اولیه، عدم ثبات نرخ ارز و تامین ریال برای تولید باعث رکود تولید شده است.

افقه متذکر شد: کم‌عمق بودن بازار سرمایه ما باعث شده تامین مالی بخش‌های تولید از طریق بورس آن‌گونه که مرسوم کشورهای صنعتی و پیشرفته است، صورت نگیرد، این در حالی است که بخش اعظمی از نیاز تولید به منابع پولی باید از بازار سرمایه تامین شود.

اشتغالزایی در نبود ثبات اقتصادی

این اقتصاددان بیکاری و نبود امنیت شغلی را عمده‌ترین نتیجه بی‌ثباتی اقتصادی دانست و اظهار کرد: ایجاد اشتغال امن همیشه دغدغه اقتصادهای پایدار است. بدون‌شک جلوگیری از گسترده‌تر شدن دامنه مشاغل کاذب نخستین و مهم‌ترین مسئله پیش روی اقتصاد ایران در حال حاضر است.

وی در ادامه خاطرنشان کرد: روند نامطلوب سطح رفاه خانوارها طی سال‌های ۱۳۹۵ به بعد، به اندازه‌ای اهمیت دارد که می‌تواند همتراز با چالش بیکاری و حتی فراتر از آن قرار گیرد.

افقه افزود: تحولات بودجه خانوار نشان می‌دهد سطح رفاه خانوارها، طی سال‌های ذکرشده به‌طور مستمر کاهشی بوده است. این سیر کاهشی در دوران وفور درآمدهای نفتی اتفاق افتاده و خانوار پس از آن با مواجه شدن با رکود تورمی در سال‌های ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱ افت بسیار شدیدتری از سطح رفاه را تجربه کرده‌اند.

این استاد دانشگاه اذعان کرد: رشد اقتصادی بالای غیرتورمی پایدار و اشتغال‌زا در حد متوسط سالانه ۶ درصد، حداقل میزان رشد موردنیاز برای فائق آمدن بر چالش بی‌ثباتی اقتصاد است. هرچند در حد مطلوب قرار دادن شاخص‌های اقتصادی بسیار مشکل است.

وی اضافه کرد: برای رسیدن به حد مطلوب اشتغالزایی و ایجاد امنیت شغلی عملکرد دولتمردان باید به‌گونه‌ای باشد که رشد غیرتورمی ۸ درصدی برای هر سال محقق شود.

بخش خصوصی و ثبات اقتصاد

افقه بر این باور است که حضور فعال بخش خصوصی در کنار دولت می‌تواند به ایجاد ثبات در اقتصاد کمک کند، چراکه رفتار بخش خصوصی نیز مبتنی بر انگیزه و انتخاب‌های آزاد است. همچنین رشد و ثبات اقتصادی از دل بنگاه اقتصادی بیرون می‌آید.

وی افزود: عملکرد بخش خصوصی با انگیزه‌های طبیعی سودمحور در فضای رقابتی، زمانی که در مسیر درست قرار گیرد منجر به ثبات اقتصادی می‌شود.

این اقتصاددان ادامه داد: هرچه اقتصاد از فضای رقابتی و سودمحور فاصله بگیرد، از رشد پایدار دورتر می‌شود؛ بنابراین اهداف بنگاه مبتنی بر انگیزه‌هایی غیر از سود، در شرایطی محقق می‌شود که یا مالکیت غیرخصوصی بر بنگاه حاکم باشد یا بخش خصوصی با بهره‌گیری از رانت، تحقق این اهداف را پیگیری کند.

وی با تاکید بر اینکه اگر فعالیت بخش خصوصی با رانت همراه شود فساد اقتصاد را در برمی‌گیرد، گفت: وجود فساد مالی و اداری در تمام سطوح موجبات خروج سرمایه و نیروی انسانی را فراهم می‌آورد.

افقه گفت: اقتصاد در صورتی می‌تواند به رشد پایدار دست پیدا کند که بنگاهداری به‌طور کامل برعهده بخش خصوصی باشد. دولت قوی و بخش خصوصی ضعیف، یا دولت ضعیف و بخش خصوصی قوی، ناممکن است؛ دولت ضعیف و بخش خصوصی ضعیف، ممکن اما نامطلوب است و دولت قوی و بخش خصوصی قوی تنها گزینه ممکن و مطلوب برای رسیدن به توسعه اقتصادی پایدار است.

سرمایه انسانی و ثبات اقتصادی

این استاد دانشگاه سرمایه انسانی را جزئی تعیین‌کننده در کمیت و کیفیت ثبات اقتصادی دانست و اذعان کرد: اینکه چگونه استعدادهای انسانی، از طریق آموزش تجهیز می‌شوند و اینکه سرمایه انسانی تجهیزشده چگونه بکار گرفته می‌شود، علامتی مهم در آینده‌شناسی هر کشور محسوب می‌شود.

افقه تاکید کرد: در جوامعی که برای استعدادهای انسانی ارزش قائل می‌شوند، می‌توان مطمئن بود که باقی ظرفیت‌های مادی نیز به‌نحو مطلوب و کارآ، مورد استفاده قرار خواهند گرفت؛ مسئله‌ای که ثبات اقتصادی یک کشور را تضمین می‌کند.

سخن پایانی

نبود امنیت شغلی فرزند ناخلف بی‌ثباتی در بخش‌های کلان اقتصاد است. صاحب‌نظران بر این باورند که فرار سرمایه و خروج منابع انسانی جزو معضلاتی که در حال حاضر به‌شدت گریبان کشور و دولتمردان را گرفته است. اگر فضای اقتصاد کلان در این بی‌ثباتی بماند دیری نخواهد پایید که اقتصاد تا مرز فروپاشی پیش می‌رود و فقیر هر روز فقیرتر می‌شود. برای پیشگیری از این اتفاق ناگوار دولت‌ها بسته به شرایط باید با اعمال راهکارهایی از فروپاشی اقتصاد جلوگیری کنند. به‌اعتقاد اقتصاددانان راهکارهای دستیابی به ثبات اقتصادی بسیار است، اما آنچه در بالا ذکر شد در واقع مهم‌ترین و کلان‌ترین این موارد است که باید دولتمردان به‌طور جدی موردتوجه قرار دهند.

گزارش صمت از وضعیت دستفروشی در تهران

زیر پوست شهر

یکی از راه‌های کسب درآمد، به‌ویژه در شرایط فعلی، شغلی است که نیاز به پرداخت مالیات، اجاره‌بها و قبوض سنگین نداشته باشد. در چنین شرایطی، روی آوردن افرادی که کسب‌وکاری ندارند به دستفروشی زیاد می‌شود. حکایت دستفروشی، جدید نیست و از گذشته وجود داشته است. کارشان فصل خاصی ندارد، در گرمای طاقت‌فرسای تابستان و هوای بسیار سرد زمستان، در هر شرایطی، به کار خود ادامه می‌دهند. صمت در این گزارش به چالش‌های پیش‌روی این دست از مشاغل پرداخته با این توضیح که نمی‌توان خرده‌ای به فعالیت دستفروشان گرفت، چراکه امرارمعاش از این راه از جبر روزگار است. در مقابل شاید ساماندهی دستفروش‌ها ، مهم‌ترین کاری باشد که در نهایت به سود جامعه خواهد بود.

امیرمحمد درویش
editor@smtnews.ir



عکس: آیدا فریدی

بعضی از دستفروش‌ها، اجاره اندکی به شهرداری یا صاحب مغازه‌ای که جلوی آن بساط خود را پهن کرده‌اند، پرداخت می‌کنند و در اصطلاح موزاییک می‌خرند

از حق آب و گل تا رقابت با مغازه‌دارها

بیشتر دستفروش‌ها مدعی هستند بیکاری اذیت‌شان می‌کند و معیشت خانواده‌هایشان به مشکل برخورده است، اما یکی از مغازه‌داران می‌گفت دستفروشی را می‌شناسد که گردش حساب میلیونی دارد و صاحب چند مغازه در یکی از پاساژهاست، اما دست از دستفروشی بر نمی‌دارد. به‌گفته بسیاری از دستفروش‌ها ، دستفروشی به‌دلیل سود خوبی که دارد، بسیار اعتیادآور است.

هرچند سابقه دستفروشی در ایران به گذشته‌های دور بازمی‌گردد، اما رشد چشمگیر آن در یک دهه اخیر، با وجود بحران اقتصادی موجود، به‌عنوان یک پدیده خاص موردتوجه قرارگرفته است.

بعضی از دستفروش‌ها، اجاره اندکی به شهرداری یا صاحب مغازه‌ای که جلوی آن بساط خود را پهن کرده‌اند، پرداخت می‌کنند و در اصطلاح موزاییک می‌خرند، متری ۳۰ هزار تومان، در همان محدوده هم بساط خود را پهن می‌کنند و اگر کوچک‌ترین تجاوزی به حریم بغل‌دستی کنند، امکان درگیری وجود دارد. تا آنجا که برخی دستفروش‌ها در بسیاری از معابر حق آب و گل دارند.

در عین حال دستفروش‌ها به‌دلیل سرعت بالا در جابه‌جایی مکانی و سرعت در تغییر نوع کالای فروشی خود می‌توانند سطح رقابت در بخش خرده‌فروشی را افزایش داده و به تسهیل بیشتر مصرف کمک کنند. به‌عنوان مثال، مالکان بسیاری از مغازه‌ها می‌دانند، اگر نرخ فروش خود را بیش‌ازحد بالا برده یا تنوع کالاهایشان پایین بیاید، وارد رقابتی بزرگ با دستفروش‌ها می‌شوند و ممکن است به مرور زمان، مشتری‌های خود را از دست بدهند. خلاصه اینکه دستفروشی برای خود عالمی دارد؛ بار خود را به خیابان می‌برند و اگر تمام باری فروش برود، دست خالی اما شاداب و خندان راهی خانه می‌شوند.

پرداخت اجاره‌بها به شهرداری

افرادی که اجاره‌بهای خود را به شهرداری پرداخت نکنند، کارشان همیشه با خطر مواجه است و این امکان وجود دارد که بساط‌شان جمع‌آوری شود. بارها مشاهده شده، اکیپ‌های گشت شهرداری با عنوان سد معبر، برخوردهایی با دستفروش‌ها داشته و تمام کالاهای آنها را جمع‌آوری کرده‌اند.

در این میان، کسانی هم هستند که در ازای محیطی که بساط خود را پهن کرده‌اند، اجاره‌ای به شهرداری پرداخت می‌کنند. این اجاره‌بها می‌تواند به صورت فروش موزاییک یا تعیین فضای اختصاصی با متراژبندی قدم‌هایشان باشد. در واقع زمین را متری ۳۰ هزار تومان به فروش می‌رسانند. اکثر این افراد با درنظر گرفتن میزان تردد، گوشه‌های خیابان، جلوی مغازه‌ها و ورودی مترو را برای پهن کردن بساط انتخاب می‌کنند.

گشتی در خیابان‌های شهر

خبرنگار صمت، برای بررسی نحوه کار دستفروش‌ها و اینکه بیشتر چه چیزهایی به فروش می‌رسانند، به خیابان‌های تهران رفت تا از نزدیک شاهد کار آنها باشد.

یکی از پرترددترین خیابان‌ها، جنب ایستگاه تاکسی مترو صادقیه است. چیزی که نظرم را به خود جلب کرد، آویزان کردن لباس‌های رنگی از رگال‌هایی بود که در پیاده‌رو خودنمایی می‌کرد. تعداد بسیار زیادی لباس که مخاطبانش خانم‌ها بودند و طوری لباس‌ها را زیرورو می‌کردند، انگار مشابه آنها وجود ندارد. قیمتی که فروشنده به مشتریان می‌گفت، باورکردنی نبود؛ پیراهن فقط ۷۰ هزار تومان. عجیب به‌نظر می‌رسید، اما واقعی بود. دستگاه کارتخوانش لحظه‌ای آرامش نداشت و مدام کار می‌کرد.

– کمی صبر کردم تا سرش خلوت شود.

– سلام آقا. قیمت پایین اجناس شما جالب توجه. خواستم بدونم این لباس‌ها دست‌دوم هستند یا نو؟

– حق داری تعجب کنی. این لباس وارداتیه به صورت کیلویی از بندر خریده می‌شه و به همین دلیل، قیمت تمام‌شده اونها برای من کمتره. بنابراین اونهارو با سود کمتر و قیمت منطقی‌تر می‌فروشم.

کمی جلوتر، پارچه‌ای روی زمین پهن شده و تعدادی کفش رنگ‌ورو رفته روی آن بود. صاحب این بساط، پیرمردی تقریبا ۷۰ ساله یا شاید بیشتر بود. از ظاهر کفش‌ها مشخص بود، دست‌دوم هستند. کنارش ایستادم و پرسیدم:

– آقا چرا کفش‌های بهتری برای فروش نیاوردی؟

– خرید کفش بهتر، پول می‌خواد. این کفش‌هارو از گوشه‌وکنار خیابان جمع می‌کنم. بعدش می‌برم خونه و یه‌دستی به سر و روشون می‌کشم. بعضی‌ها که پول برای خرید کفش نو ندارند هم مشتری این کفش‌ها هستند.

فردای آن روز به تئاترشهر رفتم؛ خیابانی که از ورودی پارک دانشجو تا جمهوری، دستفروش‌ها زیادی بساط پهن کرده‌اند. انواع لباس، زیورآلات و مواد غذایی به چشم می‌خورد. کاملا مشخص است با چراغی که بالای سر خود روشن کرده‌اند، اجاره خود را به شهرداری پرداخت کرده و خیالشان راحت است. یک مأمور شهرداری هم آنجا بود که به‌نظرم مسئولیت دریافت پول را داشت. شخصی هم برای اجاره‌بها مشغول چانه‌زدن بود.

متری ۲۵ تومن حساب کن، بذار کار کنم. جایی نمیرم که، تا آخر شب اینجام. الان ندارم بدم، آخر شب بقیه پول‌رو تقدیم می‌کنم.

مأمور شهرداری کوتاه آمد و تقریبا نصف پول را گرفت.

در این مسیر، تا چشم کار می‌کند دستفروش‌هایی دیده می‌شوند که اجناس متنوعی دارند و حتی حضورشان بیشتر از مغازه‌ها حس می‌شود. این خیابان مکان مناسب برای کسانی است که علاقه به خرید از دستفروش‌ها دارند. اجناسی که در بساط آنها دیده می‌شود، ممکن است در مغازه وجود نداشته باشد. اگر هم باشد، قطعا با نرخ بالایی به فروش می‌رسد.

در این بساط‌ها، کفش‌هایی با قیمت ۱۰۰ هزار تومان، لباس‌های ۵۰ تا ۷۰ هزار تومانی و همچنین عطر و ادکلن که از ۱۲۰ تا ۲۳۰ هزار تومان قیمت دارند، دیده می‌شوند. دستفروش‌ها در این خیابان درآمد خوبی دارند. یکی از دستفروش‌ها می‌گفت درآمدش روزانه بین ۶۰۰ تا ۸۰۰ هزار تومان است که نصف آن، هزینه خرید کالا می‌شود و الباقی سود است.

خیابان آزادی گوشه‌ای دیگر از این شهر است که برای تکمیل این گزارش به آنجا رفتم. شهرداری این خیابان را برای ساماندهی دستفروش‌ها، مشخص کرده و با اختصاص دادن فضای بسیار بزرگی به بساطی‌ها، سعی بر ساماندهی دستفروش‌ها کرده است. هر طرف را که نگاه می‌کنم، غرفه کفش و لباس است. دستفروش‌ها از پهن کردن بساط روی زمین، به داشتن یک غرفه رسیده‌اند. شاید روزانه چندین هزار نفر از این بازارچه بازدید می‌کنند. فروشندگان حال و روز خوبی دارند و از اینکه ساماندهی شده‌اند، احساس رضایت می‌کنند.

در اینجا بالای هزار مدل کفش همچنین انواع ساعت، عطر، شلوار، لوازم موبایل، کیف و... وجود دارد. درآمدشان هم بسیار زیاد است.

یکی از فروشندگان کیف و کفش در پاسخ به تاثیر ساماندهی وضعیت کسب‌وکار گفت:

ـ شکر خدا خوبه. شرایط نسبت به قبل خیلی تغییر کرده. بعد از ساماندهی و دریافت غرفه، مشتری بیشتر شده و درآمدمان هم خیلی بالا رفته. اگه قبلا ماهی ۲ میلیون داشتم، الان در ماه ۱۰ میلیون تومان درآمد دارم.

تعدادی از دستفروش‌ها هم مغازه‌دارانی هستند که جلوی مغازه خود بساط کرده و شخصی را برای فروش استخدام کرده‌اند. در حقیقت دستفروشی می‌تواند شغل دوم برخی از افرادی باشد که نیاز به درآمد بیشتر دارند یا حتی شغل اصلی برای افرادی باشد که به‌دنبال کار پردرآمدی هستند.

بازارچه سیار در زیرزمین

مدت زیادی است دستفروش‌های مترو با آرامش خیال مشغول کار هستند و تعدادشان هم روز به روز افزایش می‌یابد. از کودک گرفته تا جوان و پیرمرد، چیزی برای فروش دارند. پله‌های مترو را هم اشغال کرده‌اند. گویا قصد ندارند از این شهر زیرزمینی دل بکنند.

صدای بلندگوی مترو اعلام می‌کند «قطار آماده ورود به ایستگاه است، لطفا از لبه سکو فاصله بگیرید» هر طور شده خودشان را بین جمعیت جا می‌کنند تا زودتر وارد قطار شوند. بعضی از وسیله‌هایشان آن‌قدر بزرگ است که باعث مزاحمت مسافران می‌شود. منتظر می‌مانند تا در قطار بسته شود و بلافاصله اجناس خود را تبلیغ کنند؛ «مسواک، خمیردندون، نخ دندون»

یک ساک چرخ‌دار را روی زمین می‌کشید و لابه‌لای جمعیت رد می‌شد و مرتب تکرار می‌کرد «مسواک، خمیر دندون، نخ دندون... آقا ببخشید اجازه بدین رد شم.» تا اندکی آرام گرفت، نفر بعد صدایش را در گلو انداخت «خانم‌ها و آقایان محترم، قابل‌توجه کسانی که صبونه نخوردن، نون شیرمال دارم، داغ و تازه فقط ۱۰ هزار تومن، بدو جا نمونی» گویا محصولاتی که برای فروش داشت، بیشتر از سایرین مشتری داشت و تقاضا برای خرید زیاد بود. با رسیدن به ایستگاه، از قطار پیاده شد و واگن خود را عوض کرد. تعدادی دیگر از دستفروش‌ها با اجناس جدید وارد قطار شدند. رفته‌رفته داشت تعدادشان از جمعیت مسافران بیشتر می‌شد.

یک جعبه بزرگ چرخ‌دار را روی زمین می‌کشید که به پای مسافران می‌خورد. گویا برای مردم عادی شده، چراکه کسی اعتراضی نداشت. در قطار بسته شد و پسر جوانی که صاحب آن جعبه بزرگ چرخ‌دار بود، با صدایی دو رگه شروع به تبلیغ اجناس خود کرد «کابل شارژ، پاوربانک، محافظ کابل» تا دید کسی توجه نمی‌کند، صدای خود را بلندتر کرد و مجدد همان جملات را گفت. سعی می‌کرد با صدایش مسیر را باز کند.

اندکی سکوت در داخل واگن حکمفرما شد که جوانی دیگر این سکوت را شکست؛ «سوزن نخ‌کن‌های جادویی دارم. توی سه سوت برات نخ می‌کنه. فقط ۱۰ تومن، توی هر خونه‌ای لازم می‌شه». به‌نظر می‌رسید دستگاه کوچک پر کاربرد است، اما حداقل در این واگن خریدار نداشت.

وقتی قطار به ایستگاه تئاترشهر رسید؛ انگار درهای قطار به روی یک نمایشگاه کوچک کفش و لباس باز شد. تعدادی کفش روی زمین بود و فروشنده داد می‌زد: «انواع کفش کتونی در تمام سایزها، فقط ۱۵۰ تومان. کفش‌های باکیفیت و عالی دارم در رنگ‌بندی متنوع.»

در کنارش چند خانم با رگال‌های لباس ایستاده بودند و انواع شال و لباس می‌فروختند. مشتری هم بسیار داشتند و تجمعی بزرگ در آن قسمت شده بود.

به ایستگاه برگشتم و منتظر ورود قطار بودم. کودکی فال‌فروش با سر و وضع بهم ریخته و موهای آشفته که یک عروسک کوچک هم در بغل داشت در کنارم ایستاد. دمپایی تابه‌تا که هرکدام یک رنگ داشتند پوشیده بود. قطار به ایستگاه رسید، وارد که شدم با نگاه معصومانه‌ای که پر از التماس بود، گفت: «عمو می‌شه یه فال ازم بخری؟»

برخی دلشان برایش می‌سوخت و از او فال می‌خریدند.

در نهایت به ایستگاه صادقیه رسیدم. آشفته‌بازاری است اینجا، انواع ساندویچ، آب‌میوه، آب‌معدنی، دسته‌های گل و.... حتی یک نفر هم ایستاده بود و مشغول فروش کتاب‌های روانشناسی بود که عکس خودش هم روی آن بود و می‌گفت خودش نویسنده این کتاب است.

مترو واقعا تبدیل به بازارچه‌ای بزرگ شده و در بساط دستفروش‌های آن، همه چیز پیدا می‌شود.

دستفروشی این روزها اگرچه تغییر شکل داده، اما همچنان همان بخش غیرقابل‌تفکیک از اقتصاد شهرهاست

سخن پایانی

دستفروشی این روزها اگرچه تغییر شکل داده، اما همچنان همان بخش غیرقابل‌تفکیک از اقتصاد شهرهاست که باید برای آن یک راه‌حل قانونی و البته منطقی پیدا کرد. بار گرانی‌ها و افزایش بیکاری قطعا باعث سوق پیدا کردن تعدادی به سمت بازار غیررسمی دستفروشی می‌شود، اما اگر این بازار رسمیت پیدا کند، می‌توان در مقابل مافیایی که پشت‌پرده آن شکل گرفته و این بازار را به هر سمتی که می‌خواهد هدایت می‌کند، ایستاد. گاهی در این میان، زنان سرپرست خانوار را مشاهده می‌کنید که با توجه به شرایط اجتماعی و اقتصادی جامعه، مجبور به دستفروشی شده‌اند.

دریچه

حفظ کرامت و معیشت دستفروشان

با توجه به اینکه بساط‌گستری، چهره شهر را زشت می‌کند و کاری خارج از چارچوب و قوانین مدیریت شهری است، نیاز به ساماندهی آن در جامعه احساس می‌شود. چند سالی است شهرداری تهران وعده داده بود برای ساماندهی دستفروشان از روش‌های نوینی استفاده می‌کند، اما دوباره همان طرح انضباط اجتماعی که بسیاری آن را اسم‌رمز برخورد با دستفروشان می‌دانند، اجرایی شد.



سخنگو و عضو کمیسیون فرهنگی و اجتماعی شورای اسلامی شهر تهران در گفت‌وگو با صمت با بیان اینکه برخی دست‌های پشت‌پرده از نیاز اقتصادی دستفروشان سوءاستفاده می‌کنند، گفت: وجود مافیا به این معنا نیست که هرکسی دستفروشی می‌کند، عضوی از مافیاست، اما تجربه نشان داده گاهی دست‌های پشت‌پرده از نیاز طبقه متوسط و ضعیف سوءاستفاده کرده و با برخی حمایت‌ها، چنین گروهای مافیایی ایجاد می‌کنند. بدون شک بسیاری از دستفروشان به‌دنبال این هستند که از محل دستفروشی امرارمعاش کنند.

سامان‌بازارها

علیرضا نادعلی تاکید کرد: یکی از راه‌های بهبود چهره شهر، ساماندهی دستفروشان است. در این بین، سامان‌بازارها می‌توانند کمک بزرگی برای رفع این مشکل باشند. مدیریت شهری می‌تواند دستفروشان و کسانی که با بساط‌گستری، شهر را دچار به‌هم‌ریختگی می‌کنند در «سامان‌بازارها» گردهم آورد. در این صورت، دستفروشان نیز کالاهای خود را در غرفه‌های مشخصی عرضه کرده و تا حد زیادی، تکلیف مشتریان و متقاضیان کالا برای مراجعه به محل موردنظر مشخص خواهد شد. هرچند ساماندهی و جانمایی فعالیت دستفروشان همچنان موافقان و مخالفان خود را دارد، هنوز برخی از این سیاست استقبال می‌کنند و برخی هم اجرای این سیاست را دارای مشکلات جدی می‌دانند. وی با اشاره به اظهاراتی درباره لایحه ساماندهی دستفروشان که در گذشته مطرح شده بود، گفت: مدیریت شهری در ساماندهی دستفروشان از تجربه‌هایی که در گذشته داشته، استفاده کرده و دقت لازم را داشته است. برخی معتقدند شاید امکان اجرای این طرح در سطح کلان وجود ندارد و بدون شک برای موفقیت طرح، بسترهایی باید فراهم شود. موضوع ترافیک در جانمایی این فضا از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در این فرآیند باید به دستفروشان و کسانی که در فضای فعالیت دستفروشان تردد می‌کنند، توجه کافی شود.

نادعلی با تاکید بر حفظ کرامت و معیشت دستفروشان پایتخت، گفت: با توجه به وسعت جغرافیایی و جمعیت تهران باید برای انسجام هرگونه فعالیت شهری، به حکمرانی انضباط شهری توجه شود.

انضباط منجر به حفظ حقوق عمومی شهروندان خواهد شد. در رعایت انضباط شهری، توجه به سود شخصی، باعث تضییع حقوق عمومی نمی‌شود؛ بنابراین دستفروشان حتما باید ساماندهی شده و مکان مشخصی برای امرارمعاش داشته باشند. علیرضا نادعلی درباره ساماندهی دستفروشان پایتخت اظهار کرد: به‌عنوان کسی که در کمیسیون فرهنگی و اجتماعی حضور دارم و باید با نگاه فرهنگی اظهارنظر کنم، همواره بر حفظ کرامت و معیشت دستفروشان تاکید دارم.

شهربان و حریم‌بان شهرداری



مدیرعامل شهربان و حریم‌بان شهرداری تهران نیز درباره ضرورت ساماندهی دستفروشان، گفت: تعداد دستفروشان از ۳۱ هزار نفر به ۵ هزار و ۸۰۰ نفر رسیده و طبق برنامه‌ریزی‌های انجام‌شده باید این تعداد را نیز کاهش دهیم. امیرفتاحیان با اشاره به روند افزایش شاغلان این حوزه اظهار کرد: کاهش تعداد دستفروشان بدون هیچ‌گونه درگیری فیزیکی و تقابل جدی با آنها در موضوع سد معبر، انجام شده است. فتاحیان با بیان اینکه مقررشده همین تعداد از دستفروش نیز کاهش یابد، ادامه داد: با وجود افزایش نرخ تورم و مشکلات معیشتی، سد معبر و دستفروشی افزایش نداشته است. وی درباره ساماندهی دستفروشان از سوی شهربان و حریم‌بان شهرداری گفت: قوانین شهرداری تهران باعث می‌شود، نگاه جدی و با چارچوب نسبت به ساماندهی دستفروشان داشته باشیم.

شنبه
۱۹ شهریور ۱۴۰۱- ۱۳ صفر ۱۴۴۴ - ۱۰ سپتامبر ۲۰۲۲- شماره ۲۱۴۷-پیاپی ۳۴۶۵

صمت
صنعت معدن تجارت

منشور اخلاق حرفه‌ای روزنامه‌نگاری در روزنامه صمت: www.smtnews.ir/about.html

صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی و مطبوعاتی «صمت»
مدیرمسئول: ناصر بزرگمهر
سردبیر:عاطفه خسروی

تلفن: ۸۲۱۹۰ - نمابر: ۸۸۷۱۳۷۳۰- پیامک: ۳۰۰۰۸۲۱۹۰
سازمان آگهی‌ها: ۳-۸۸۷۲۲۷۳۲ -نمابر آگهی ها: ۸۸۷۲۴۲۱۱-۰۹۰۲۶۲۹۱۴۸۸
امور مشترکین: ۸۸۷۲۲۷۳۵ - روابط عمومی: ۸۸۱۰۵۳۰۹
توزیع و سازمان شهرستان‌ها: ۸۸۷۲۲۷۳۵
تهران، خیابان قائم‌مقام فراهانی - کوچه آزادگان شماره ۲۶ - کد پستی ۱۵۸۶۷۳۳۸۱۱
روابط عمومی: pr@smtnews.ir آگهی: ads@smtnews.ir
امور استان‌ها: ostanha@smtnews.ir
چاپخانه: انتخاب رسانه

info@smtnews.ir
www.smtnews.ir
instagram.com/smtnewspaper
telegram.me/smtnews
tozi.smtnews@gmail.com

روزنامه صمت با رتبه ۱
در میان روزنامه‌های تخصصی مقام ۱
در میان روزنامه‌های اقتصادی مقام ۲

عضو انجمن مدیران روزنامه‌های غیردولتی
عضو انجمن مدیران رسانه
عضو تعاونی مطبوعات

کارتون روز



بدون شرح

طرح: حسین علیزاده

لزوم پایش اقتصادی دقیق شستا

این روزها گفتمان غالب، ناتوانی در پایایی و استمرار کار صندوق‌های بازنشستگی به‌ویژه تامین اجتماعی است.
اظهارات نمایندگان مجلس و مقامات امر بر این مسئله تاکید مدام دارد که خروجی‌های سازمان ـ تنها با محوریت ارائه خدمات به بیمه‌شدگان و وابستگان آنها ـ به‌شدت زیاد است و تامین اجتماعی نمی‌تواند با این روند فعلی ادامه دهد؛ حتی گاهی از عبارت «وحشتناک» برای توصیف خروجی‌های بیمه‌ای و حقوقی سازمان استفاده می‌شود. نکته اینجا است که در بحث خروجی‌ها یا همان مصارف سازمان، تا حد زیادی ساده‌سازی انجام می‌گیرد، به‌گفته برخی از جامعه هدف یا همان وابستگان به سازمان، آنچه اتفاق می‌افتد، این است: «یک‌طرفه به قاضی رفتن»؛ اما چرا این ادعا مطرح می‌شود؟ پاسخ ساده است؛ تنها اعداد رسانه‌ای میزان پرداختی به جامعه هدف عموما زیر خط فقر است و از هزینه‌های داخلی خود سازمان و شرکت‌های زیرمجموعه شستا کمتر سخن به‌میان می‌آید.

پیش‌نیاز مشخص شدن حساب و کتاب‌ها، وجود یک شورای‌عالی عادلانه با حضور دست بالای نمایندگان کارگران و بازنشستگان با قدرت اجرایی و نظارتی بالا است تا بتوان به مسائل مالی شرکت‌ها با قدرت رسیدگی کرد؛ این شورا باید اعمال نفوذ داشته باشد.

آیا تحقیق و تفحص به سوالات پاسخ می‌دهد؟

آیا جواب سوالات در جریان تحقیق و تفحص از سازمان تامین اجتماعی مشخص می‌شود؛ نگاهی به محورهای تحقیق و تفحص، نشان می‌دهد که هزینه‌های سربار شستا یا حقوق مدیران سازمان و زیرمجموعه‌هایش، به وضوح در این محورها نیست، اما برخی از آنها را به‌نوعی می‌توان در همین راستا تعبیر کرد. ۷ تیر امسال، نمایندگان مجلس شورای اسلامی با درخواست تحقیق و تفحص از عملکرد سازمان تامین اجتماعی و شرکت‌های وابسته به آن در ۱۳ محور موافقت کردند که محورهای تحقیق و تفحص به شرح زیر است:

۱-عملکرد غیرشفاف شرکت شستا به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین شرکت‌های کشور از لحاظ مالی.
۲-انتصابات با صلاحیت‌های غیرحرفه‌ای و بیشتر با نگاه سیاسی و رفاقتی.
۳-عدم اطلاع‌رسانی صحیح و به‌موقع درباره ورود شرکت شستا به بورس.
۴-بی‌عدالتی در توزیع اعتبارات درمانی، به‌نحوی که برخی مناطق با ۵ هزار بیمه‌گر فاقد درمانگاه هستند.
۵-ضعف در خدمات‌رسانی بیمارستانی و تمرکز خدمات فوق‌تخصصی و ویژه تنها در بیمارستان میلاد تهران که باعث سرگردانی بیماران شهرستانی شده است.
۶-ضعف مدیریت در برخی استان‌ها نظیر استان اردبیل.
۷-نبود عدالت در پرداختی‌ها در داخل سازمان و فاصله فاحش در پرداخت‌ها.
۸-ضعف در استفاده از امکانات مشارکتی نظیر مهمانسراها و مراکز اقامتی و فرسوده شدن آنها.
۹-ضعف در استفاده از اداره بدون کاغذ (paperless) و تاخیر در حذف دفترچه‌های کاغذی.
۱۰-اعمال‌نظر در میزان درصد از کارافتادگی و غیرعلمی بودن درصد تعریف‌شده برای اشخاص.
۱۱- حمایت نکردن از کارگران ساختمانی در بحث بیمه کارگران ساختمانی و مدنظر قرار دادن درآمد و منفعت به‌جای حمایت از کارگران و قالیبافان. ۱۲-فاصله زیاد بین حقوق بازنشستگان سازمان تامین اجتماعی با بازنشستگان سایر دستگاه‌ها. محورهای یک، ۲ و ۷، به‌نوعی به سوالات ما اختصاص دارد؛ «عملکرد غیرشفاف شستا»، «انتصابات سیاسی و رفاقتی» و «فاصله فاحش پرداختی‌ها در داخل و خارج سازمان» که همان تبعیض میان همکاران سازمان و غیرهمکاران است که می‌تواند تا حدودی به ابهامات موجود در زمینه عدم تعادل منابع و مصارف سازمان پاسخ گوید؛ آیا در جریان این تحقیق و تفحص، شفاف و روشن مشخص می‌شود که چند درصد هزینه‌های ماهانه شستا و سازمان، صرف مخارج داخلی ـ از حقوق کارکنان گرفته تا پاداش مدیران ـ می‌شود و چطور می‌توان با صرفه‌جویی در این هزینه‌ها، بحران سازمان را به تعویق انداخت یا متوقف کرد؟

رویکرد نمایندگان مجلس چیست؟

۱۹ مرداد، نایب رئیس کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی گفت: تحقیق و تفحص از سازمان تامین اجتماعی و شرکت‌های وابسته به آن به‌زودی در مجلس کلید می‌خورد. علی بابایی کارنامی، مسئول کمیته تحقیق و تفحص از تامین اجتماعی در مجلس شورای اسلامی با بیان این مطلب که مسئولیت تحقیق و تفحص از شستا امر مهمی است که از سال ۱۳۹۲ تاکنون انجام نشده، به ایلنا گفت: شستا مجموعه بزرگی است که فعالیت اقتصادی شرکت‌های آن، تضمین‌کننده پایداری منابع سازمان تامین اجتماعی محسوب می‌شود، البته مسئولیت تیم تحقیق و تفحص مجلس تنها محدود به شستا و شرکت‌های آن نیست و شامل خود سازمان تامین اجتماعی و صندوق آن نیز می‌شود. او تاکید کرد: از نظرات و ظرفیت مشاوره سایر ارگان‌های بازرسی مانند دیوان محاسبات و سازمان بازرسی کل کشور نیز در فرآیند تحقیق و تفحص از شستا و تامین اجتماعی بهره خواهیم برد. فرآیند تحقیق و تفحص مجلس از این مجموعه‌ها به‌صورت دقیق و در اسرع وقت آغاز خواهد شد.

کارگران و بازنشستگان چه می‌خواهند؟

اما کارگران و بازنشستگان چه انتظاری از این تحقیق و تفحص دارند؛ نخستین خواسته، «حضور نمایندگان جامعه ذی‌نفعان در جلسات تحقیق و تفحص» است؛ سیداحمد حسینی، فعال صنفی بازنشستگان خوزستان در این رابطه می‌گوید: باید درباره عملکرد سازمان و زیرمجموعه‌هایش در تمام استان‌ها به‌درستی و با دقت تمام تحقیق شود؛ جامعه ذی‌نفعان یعنی کارگران و بازنشستگان که صاحبان اصلی این دارایی‌ها هستند، باید در تمام نشست‌ها، چه در سطح استانی و چه در سطح کشوری شرکت کنند و در جریان ریز محاسبات و بازرسی‌ها قرار بگیرند؛ باید به‌دقت بدانیم تامین اجتماعی هر ماه به‌طور دقیق چقدر چقدر هزینه می‌کند؛ این هزینه‌ها در چه بخش‌هایی است و چه میزان از آن برای غیربیمه‌شدگان صرف می‌شود. حسین اکبری، فعال صنفی کارگران و بازنشستگان نیز در این رابطه می‌گوید: به‌عقیده من، جهت‌گیری فرادستان در ارتباط با مسائل مالی تامین اجتماعی، امری جدا از سیاست‌گذاری‌های کلی در حوزه تامین اجتماعی نیست و این سیاست‌گذاری‌ها در راستای کاهش یا سلب حمایت‌های حداقلی از کارگران و بیمه‌شدگان سازمان و وابستگان و بازماندگان آنها است، به‌عبارتی، وقتی مسائلی مانند واگذاری سهام بانک رفاه مطرح می‌شود، به این معنا است که در پی سلب مالکیت جمعی طبقه کارگر هستند، در واقع می‌خواهند تامین اجتماعی را خصوصی‌سازی کنند، سهامی را که مال غیر است، قصد دارند خصوصی‌سازی کنند. در چنین شرایطی، وقتی حساب و کتاب‌های شستا و ریز درآمد ـ هزینه‌ها برای کارگران روشن نیست، هر روز منابع بیشتری از ید اختیار بیمه‌شدگان خارج می‌شود. به‌گفته وی، پیش‌نیاز مشخص شدن حساب و کتاب‌ها، وجود یک شورای‌عالی عادلانه با حضور دست بالای نمایندگان کارگران و بازنشستگان با قدرت اجرایی و نظارتی بالا است تا بتوان به مسائل مالی شرکت‌ها با قدرت رسیدگی کرد؛ این شورا باید اعمال نفوذ داشته باشد. اکبری در ادامه می‌گوید: نتایج تحقیق و تفحص‌ها عموما بیرونی نمی‌شود و در اختیار کارگران و بازنشستگان قرار نمی‌گیرد؛ آنچه بیرونی می‌شود، فقط مسائل ساختاری، سیاسی و سازمانی است و هیچ زمان، اطلاعات دقیقی از پایش اقتصادی سازمان و شرکت‌های زیرمجموعه در اختیار بیمه‌شدگان قرار نمی‌گیرد. تشکل‌های صنفی کارگران، بازنشستگان و نمایندگان آنها باید آنچنان قدرت و توانمندی داشته باشند که بروند به نمایندگان مجلس و نهادهای نظارتی بگویند که ما باید در تحقیق و تفحص حضور فعالانه داشته باشیم و در جریان ریز داده‌های پایش اقتصادی قرار بگیریم؛ اکنون بعد از ۵ ماه اعتراض و اتحاد بازنشستگان بر سر مسئله مستمری‌ها، فضای مناسبی به‌وجود آمده تا این مطالبه با جدیت مطرح و پیگیری شود؛ باید نمایندگان بیمه‌شدگان در بطن تحقیق و تفحص حاضر شوند و قابلیت نفوذ بالا به‌ویژه در بحث پایش و نظارت مالی داشته باشند. بازنشستگان باید این خواسته را از کانون‌ها و تشکل‌های خود با قدرت تمام بخواهند.

سیداحمد حسینی نیز می‌گوید: وقتی برای اجرای مصوبات شورای عالی کار، ماه‌ها تعلل می‌کنند و ادعا می‌شود منابع ریالی برای پرداخت مستمری‌ها فراهم نیست، حق بازنشستگان به‌عنوان مالکان اصلی دارایی‌های سازمان است که در جریان ریز اطلاعات تحقیق و تفحص به‌ویژه در حوزه مسائل اقتصادی و درآمد ـ هزینه‌های سازمان قرار بگیرند و از نزدیک به ماجرا نظارت کنند تا دریابند تا چه حد اسراف احتمالی یا ریخت‌وپاش در زیرمجموعه‌های سازمان وجود دارد.

این بار چه اتفاقاتی در راه است؟

هیچ جدول دقیقی از درآمد ـ هزینه‌های تامین اجتماعی نداریم؛ انگار همه‌چیز در پرده و استتار است و بیمه‌شدگان نامحرم هستند! باوجود همه اینها، آیا تحقیق و تفحصی که از تابستان امسال آغاز شده، می‌تواند واجد شرایط لازم باشد، حضور نماینده‌های بیمه‌شدگان، پایش اقتصادی دقیق و انتشار شفاف داده‌ها، نخستین خواسته جامعه هدف است؛ آیا این بار هم مثل بارهای قبلی، یک‌سری داده‌های عمومی و سازمانی تهیه می‌شود و فقط به انتشار بخشی از آنها رضایت می‌دهند یا نتایج تحقیق، با مشارکت کارگران تهیه و در اختیار صاحبان اصلی صندوق قرار می‌گیرد؛ باید منتظر بمانیم و ببینیم....

دریچه

راه‌های جلوگیری از گسترش مشاغل کاذب

عوامل گوناگونی در تشکیل و ایجاد شغل‌های کاذب نقش دارند، از جمله آنها می‌توان به نبودن تناسب، میان تعداد قبول‌شدگان دانشگاه‌ها، در رشته‌های متنوع و شغل‌های موجود در جامعه نام برد. تعداد زیادی از دانشجویان از یک رشته فارغ‌التحصیل می‌شوند، در صورتی که اصلا جامعه به این تعداد نیروی انسانی در این زمینه شغلی نیاز ندارد و همین امر شروع بحران بیکاری را کلید می‌زند، همچنین گاهی اوقات برای شروع شغل متناسب با مدرک دانشگاهی، نیاز به یک سرمایه اولیه است، که فرد قادر به فراهم کردن آن بدون پشتیبانی نخواهد بود، در واقع بحث وجود مشکلات مالی پیش خواهد آمد. از موارد دیگر تاثیرگذار بر وجود آمدن شغل کاذب می‌توان به اعتیاد، طلاق، عدم‌تربیت مناسب شخصیتی و بسیاری موارد این‌چنینی اشاره کرد.

از راه‌های جلوگیری از شکل گرفتن مشاغل کاذب و کنترل کردن گرایش جامعه به این سمت باید به ترمیم و ارتقای زیرساخت اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی بپردازیم، در ادامه این زیرساخت‌ها را بررسی می‌کنیم.

■ شغل مناسب با رشته دانشگاهی

زمانی که نیازسنجی صحیح برای جامعه انجام نگیرد، مشکلاتی از همین قبیل شکل خواهد گرفت، اما وقتی به بررسی بیشتر این موضوع در ریشه می‌پردازیم، به مسئله تحریم‌ها و فشار ناشی از آنها در آسیب‌های متعددی که بر جامعه ایرانی متحمل شده است، برمی‌خوریم؛ آسیب‌هایی که اجازه رشد و فراهم‌سازی بستر مناسب برای ایجاد شغل‌های رشته‌های مختلف را محدود کرده است.

■ ایجاد فرصت شغلی با توسعه سرمایه‌گذاری

باز هم قبل از هر چیزی بحث آگاهی داشتن به نیاز جامعه مطرح است. برای کمک کردن به سرمایه‌گذاری باید بودجه‌ای در نظر گرفته شود، به‌ویژه در بخش‌های خصوصی. این موضوع بدون شک به رشد شغل‌های جدید کمک خواهد کرد و علاوه بر آن ایجاد انگیزه و علاقه‌مندی مضاعف برای تلاش در جامعه را به‌وجود خواهد آورد. سختگیری نکردن و ساده‌تر کردن مراحل ایجاد یک شغل و از بین بردن موانع برای یک کارآفرین، یکی دیگر از اقدامات مهم در این زمینه است.

■ کنترل نرخ مهاجرت

مهاجرت یکی از مواردی است که تعادل موجود در جامعه را از بین می‌برد و خللی که در جامعه ایجاد می‌کند، عوارض گسترده‌ای را شامل می‌شود. وقتی جوان‌ها دست به مهاجرت می‌زنند، با مشکل کم شدن نیروی انسانی در مبدأ و همچنین کم شدن فرصت‌ها و شغل‌های موجود در مقصد روبه‌رو می‌شویم. توجه کنید که وقتی از مهاجرت می‌گوییم منظورمان فقط مهاجرت از کشوری به کشور دیگر نیست، بلکه مهاجرت می‌تواند از روستا به شهر یا شهرستان به کلانشهرهایی مثل تهران و اصفهان باشد، در نتیجه ایجاد فرصت‌های شغلی در شهرهای کوچک و ایجاد شرایط رفاه مناسب و ایجاد امکانات بیشتر، می‌تواند نرخ مهاجرت را کاهش دهد، به‌راستی اگر امکانات لازم و درآمد کافی در یک شهر برای جوانان ما وجود داشته باشد، آنها مجبور به ترک وطن خود نخواهند شد، اما متاسفانه تمرکز اقتصادی و امکانات رفاهی در کلانشهرها، جوانان را به‌سمت مهاجرت سوق می‌دهد.

■ نگاهی دوباره به نظام آموزشی کشور

هر جامعه‌ای در دوران مختلف نظام آموزشی با توجه به شرایط دچار تغییراتی می‌شود، در واقع هر نظام آموزشی نیاز به بروزرسانی با نگاه ویژه به شرایط جامعه دارد. گاهی مدیران نظام آموزشی با اضافه کردن و ایجاد رشته‌های تحصیلی تازه در دانشگاه‌ها می‌توانند نقش بسیار مهمی در اشتغالزایی جوانان داشته باشند. سیستم آموزشی باید براساس اثربخش بودن و منطق در جامعه طراحی مجدد شود.

■ سخن پایانی

برای از بین بردن ریشه شغل‌های کاذب می‌توان به ۲ بعد فردی و اجتماعی این معضل پرداخت. در قسمت فردی، با افزایش آگاهی در میان اشخاص و بالا بردن هرچه بیشتر عزت‌نفس مردم، می‌توان این شرایط را به‌وجود آورد که شخص، هر شغلی را به‌صرف نیاز مالی و داشتن درآمد قبول نکند و در بخش اجتماعی مسئولان و نهادهای دولتی با تمام تلاش خود باید شرایطی را در جامعه شکل دهند تا فشارهای بیش از حد اقتصادی بر مردم کاهش پیدا کند و گسترش مشاغل کاذب کنترل شود، در واقع بخش اجتماعی تاثیر مستقیم بر بخش فردی دارد، پس مسئله اساسی درباره مشاغل کاذب، به‌طورقطع بخش تاثیرگذار جامعه است که باید اصلاح و بازبینی و برنامه‌ریزی دقیقی برای آن انجام شود.

نظرگاه

آفت ساختار غلط اقتصادی



ابراهیم رزاقی ـ کارشناس اقتصاد: طبق تعریف مرکز آمار ایران، شغل به فعالیتی گفته می‌شود که در برابر سود و مزد است. اگر کسی فعالیتی انجام دهد و سودی در ازای فعالیت انجام‌شده دریافت نکند، آن فعالیت شغل محسوب نمی‌شود. اگر بخواهیم شغل‌های کاذب در جامعه را بررسی کنیم، ابتدا لازم است تا تعریفی جامع از شغل‌های کاذب داشته باشیم، اگر شغل‌های کاذب در جامعه حذف شوند، چه اتفاقی رخ می‌دهد و چه تاثیری در اقتصاد جامعه دارد؟ این در حالی است که می‌توان شغل‌های کاذب را از بدنه اقتصاد حذف کرد، اگر یک تکه زمینی را در نظر بگیریم؛ به‌جای اینکه یک نفر روی زمین کار کند، ۴ نفر مشغول شوند، بنابراین بازدهی بسیار ضعیف می‌شود، در این صورت شخص تنها می‌تواند امرار معاش و زندگی معمولی خود را اداره کند؛ زندگی که توام با فقر است.

نمونه دیگری که در ایران خیلی گسترده است، اما آن را جزء شغل‌های کاذب به‌حساب نمی‌آورند، این است که ۲.۵ میلیون نفر مغازه‌دار هستند، به‌عبارتی در برابر ۷۰ میلیون جمعیت، تنها ۳۵ نفر مشتری هر مغازه هستند، حتی ممکن است بعضی مغازه‌ها ۵ مشتری داشته باشند. در کشورهای صنعتی در برابر هر مغازه، ۵۰۰ نفر مشتری وجود دارد یا ۱۰۰۰ نفر و این رقم بسیار متفاوت است؛ بنابراین در این کشورها بهره‌برداری بیشتر است.

رزاقی گفت: به‌نسبت این‌گونه کشورها اگر اضافه مغازه‌دارها را در نظر بگیریم، متوجه می‌شویم در کشور باید چه تعدادی مغازه‌دار وجود داشته باشد، از آن ۲.۵ میلیون نفر مغازه‌دار، ۳۰۰ هزار نفر کافی هستند، در این‌صورت است که به معیار کشورهای صنعتی نزدیک می‌شویم و این نشان می‌دهد این‌گونه شغل‌ها هم شغل کاذب محسوب می‌شوند.اگر بدون برنامه‌ریزی اقتصادی این عده از افراد را بیکار کنیم، کار اشتباهی است، همچنین گروهی از جوانان در سر چهارراه‌ها و خیابان‌های مختلف دستفروشی می‌کنند و روزنامه یا گل می‌فروشند.

انواع شغل‌های کاذب در سطح جامعه به‌شکل بسیار متنوع وجود دارد، اما خیلی از فروشنده‌ها هرگز قبول نمی‌کنند شغل‌های آنان کاذب است. افرادی که مغازه ندارند و دستفروشی می‌کنند، به‌طورمعمول افرادی هستند که از وضعیت مالی خوبی برخوردار نیستند،اما ناگزیر دستفروشی می‌کنند و سود کمی نیز نصیبشان می‌شود.در بررسی جنبه‌های اجتماعی وجود شغل‌های کاذب نیز، جوانانی که خیلی فقیر هستند و امکان فعالیت اقتصادی برای آنان ممکن نیست یا اینکه در جایی استخدام نمی‌شوند، چه کاری باید انجام دهند؟ این گروه از جوانان ناچار هستند که به این مشاغل رو بیاورند. به‌گفته رزاقی، از نظر شخص دوره‌گرد یا دستفروش و همچنین مصرف‌کننده، این شغل‌ها پذیرفته شده است، اما در مقابل، مسئولان و مقامات رسمی مانع این کار هستند و با جمع کردن آنها از سطح جامعه به آنها فشار می‌آورند.این مسائل نشان‌دهنده پیچیدگی و تنوع این دسته از شغل‌ها است و از لحاظ اجتماعی مثبت است، چون در هر حال جوانان یا عده‌ای که در این‌گونه شغل‌ها امرار معاش می‌کنند، از راه مشروع با ارزان‌فروشی به‌نفع خریدار، جنس خود را می‌فروشند.

برخی معتقدند در نهایت این بیکاری است که باعث پیدایش شغل‌های کاذب می‌شود. این فرضیه درست است و بخشی از این پدیده در اثر بیکاری به‌وجود می‌آید، اما بخش دیگری از آن به‌دلیل ساختار غلط اقتصادی است که جوانان به این فعالیت‌ها رو می‌آورند.

وقتی فردی از خرید و فروش، ۱۰۰ درصد سود نصیبش می‌شود، دیگر به‌جای تولید و سود ۲۰ درصدی به‌سمت مغازه‌داری و فروش حرکت می‌کند. بیشتر فروشنده‌ها با داشتن امکانات انحصاری به‌گونه‌ای رفتار می‌کنند که اجازه فعالیت را به افراد دیگر نمی‌دهند؛ بدین‌ترتیب انگیزه تولید کاهش می‌یابد. در این فرآیند، دولت نفت را می‌فروشد و با پول به‌دست‌آمده، کالا وارد می‌کند و مغازه‌دار نیز در مقابل، کالا را می‌فروشد.

این در حالی است که حدود ۸۰ سال پیش از لحاظ فرهنگی و اجتماعی افراد این اعتقاد را داشتند که باید زحمت بکشند و پول دربیاورند، اما در حال حاضر فرهنگ دلالی ایجاد شده و بیشتر به کسب سود بیشتر فکر می‌کنند. حال این سوال پیش می‌آید که آیا نبود مهارت و تخصص در جوانان باعث پیدایش این نوع از شغل‌ها می‌شود؟ عده زیادی از جوانان توانستند توسط برگزاری دوره‌های فنی و آموزشی تخصص پیدا کنند، اما همین گروه از جوانان تخصص‌های‌شان را دنبال نمی‌کنند. دلیل این امر، نبود حقوق و دستمزد متناسب با معیشت است. عده دیگری از جوانان نیز باوجود داشتن تخصص، اما به‌خاطر وجود انگیزه کسب سود بیشتر، به شغل‌های کاذب تمایل دارند.

گروه دیگری از جوانان که به‌سمت شغل‌های کاذب حرکت می‌کنند نیز، افرادی هستند که ارتباطات اجتماعی و شغلی خود را رها و به تهران یا دیگر شهرها مهاجرت کرده‌اند؛ این‌گونه افراد همیشه روی مرز فقر و بدبختی هستند.

آگهی فراخوان عمومی
شناسایی پیمانکاران استخراج معدن
شرکت صنایع سیمان گیلان سبز (سهامی خاص)

در نظر دارد جهت عملیات نقشه‌برداری، آماده‌سازی، حفاری و آتشباری، لق گیری، استخراج، بارگیری و حمل مواد اولیه (آهک و مارل) معدن خود با حجم عملیات استخراجی سالیانه در حدود یک میلیون و پانصد هزار تن، اقدام به شناسایی پیمانکاران واجد صلاحیت و دارای حسن شهرت و رزومه کاری مناسب نماید.
لذا پیمانکاران محترم می‌توانند جهت بازدید از معدن از تاریخ چاپ آگهی به مدت حداکثر ۱۵ روز کاری و از ساعت ۹ الی ۱۶ به نشانی: استان گیلان، شهرستان سیاهکل، دیلمان، روستای گولک، کارخانه سیمان گیلان سبز مراجعه نمایند.
* شایان ذکر است این فراخوان صرفاً به منظور ارزیابی و شناسایی پیمانکاران واجد شرایط می‌باشد و شرکت سیمان گیلان سبز هیچگونه تعهدی در خصوص برگزاری مناقصه و ارجاع کار به اشخاصی که در این فراخوان شرکت نموده‌اند، نخواهد داشت.
ضمناً جهت هماهنگی بازدید و کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن ۰۱۳-۴۲۴۸۸۴۱۳ و همراه ۰۹۱۱-۳۴۲۷۷۲۱ آقای زاهدی تماس حاصل فرمایند.
شرکت صنایع سیمان گیلان سبز